

کتابخانه جنتین

کلید واژه‌ی



در قرآن کریم

به ضمیمه کتابخانه رجعت

مقدمه استاد محقق،

علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

سید محمد جعفر روشانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلید واژه ي آیات رجعت در قرآن کریم

نویسنده:

سید محمد جعفر روضاتی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
اشاره	۱۴
تقدیم	۱۷
فهرست مطالب	۲۰
مقدمه استاد مهدی پور	۳۴
سیمای رجعت در آیینه آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی	۳۴
گلوآژه رجعت	۳۴
پیشینه رجعت	۳۵
رجعت در میان پیشینیان	۳۷
رجعت در امت اسلامی	۳۸
لزوم اعتقاد به رجعت	۳۹
پیشینه اعتقاد به رجعت	۴۰
۱. رجعت در عهد عتیق	۴۰
۲. رجعت در عهد جدید	۴۰
۳. رجعت در آیین مجوس	۴۱
تواتر احادیث رجعت	۴۲
رجعت هراسی	۴۲
پیشگفتار	۴۶
۱- لغت رجعت	۴۶
۲- اصطلاح رجعت	۴۶
۳- اعتقاد به رجعت	۴۷
۴- احادیث «رجعت»	۴۷

۵- ادعیه و «رجعت»	۵۱
اشاره	۵۱
الف) دعای روز سوّم شعبان:	۵۱
ب) دعای افتتاح:	۵۳
ج) دعای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان:	۵۴
د) دعای عهد:	۵۶
۶- زیارات و «رجعت»	۵۷
اشاره	۵۷
الف) زیارت آل یاسین:	۵۷
ب) زیارت جامعه کبیره:	۵۸
ج) زیارت رجبیه:	۶۰
د) زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف):	۶۱
ه) زیارت ائمه اطهار (سلام الله علیهم) از راه دور:	۶۲
و) زیارت اربعین امام حسین (سلام الله علیه):	۶۳
۷- زیبایی های «رجعت»	۶۳
۸- اقوال علماء در باره «رجعت»	۶۴
۹- کتابنامه رجعت	۶۸
۱۰- حمد و سپاس	۸۶
سوره مبارکه بقره(۲)	۹۰
اشاره	۹۰
کد آیه: ۵۶/۲ اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی (سلام الله علیه)	۹۰
کد آیه: ۷۳/۲ اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل	۹۵
کد آیه: ۲۴۳/۲ اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل	۹۷
کد آیه: ۲۵۹/۲ اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال	۱۰۰
کد آیه: ۲۶۰/۲ اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم (سلام الله علیه)	۱۰۳
سوره مبارکه آل عمران(۳)	۱۰۸

اشاره	۱۰۸
کد آیه: ۴۹/۳ اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (سلام الله علیه)	۱۰۸
کد آیه: ۸۱/۳ اسم آیه: رجعت انبیاء (علیهم السلام) و نصرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)	۱۱۳
کد آیه: ۱۴۴/۳ اسم آیه: رجعت شهدا	۱۱۶
کد آیه: ۱۵۸ و ۱۵۷/۳ اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت	۱۱۹
کد آیه: ۱۸۵/۳ اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت	۱۲۱
سورة مباركة نساء (۴)	۱۲۲
اشاره	۱۲۲
کد آیه: ۱۵۹/۴ اسم آیه: ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت	۱۲۲
سورة مباركة مائده (۵)	۱۲۵
اشاره	۱۲۵
کد آیه: ۲۰/۵ اسم آیه: پادشاهان رجعت	۱۲۵
سورة مباركة انعام (۶)	۱۲۷
اشاره	۱۲۷
کد آیه: ۲۸ و ۲۷/۶ اسم آیه: آرزوی کفار	۱۲۷
سورة مباركة اعراف (۷)	۱۳۰
اشاره	۱۳۰
کد آیه: ۹۶/۷ اسم آیه: رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام حسین (سلام الله علیه)	۱۳۰
کد آیه: ۱۵۷/۷ اسم آیه: یاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت	۱۳۴
کد آیه: ۱۵۹/۷ اسم آیه: رجعت عده ای از یهودیان مؤمن	۱۳۵
سورة مباركة توبه (۹)	۱۳۷
اشاره	۱۳۷
کد آیه: ۳۳/۹ اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت	۱۳۷
کد آیه: ۱۱۱/۹ اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت	۱۴۰
سورة مباركة یونس (۱۰)	۱۴۲
اشاره	۱۴۲

- کد آیه: ۳۹/۱۰ اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی ----- ۱۴۲
- کد آیه: ۵۴/۱۰ اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت ----- ۱۴۴
- سورة مباركة ابراهيم(۱۴) ----- ۱۴۵
- اشاره ----- ۱۴۵
- کد آیه: ۵/۱۴ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا ----- ۱۴۵
- سورة مباركة حجر(۱۵) ----- ۱۴۷
- اشاره ----- ۱۴۷
- کد آیه: ۲/۱۵ اسم آیه: رجعت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و شیعیانشان ----- ۱۴۷
- کد آیه: ۳۸/۱۵ اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت ----- ۱۴۸
- سورة مباركة نحل(۱۶) ----- ۱۵۳
- اشاره ----- ۱۵۳
- کد آیه: ۲۲/۱۶ اسم آیه: کفر منکران رجعت ----- ۱۵۳
- کد آیه: ۳۴/۱۶ اسم آیه: عذاب در رجعت ----- ۱۵۵
- کد آیه: ۳۹ و ۳۸/۱۶ اسم آیه: کفران این امت ----- ۱۵۶
- سورة مباركة اسراء(۱۷) ----- ۱۶۱
- اشاره ----- ۱۶۱
- کد آیه: ۵/۱۷ اسم آیه: رجعت جناب سلمان ----- ۱۶۱
- کد آیه: ۶/۱۷ اسم آیه: رجعت امام حسین (سلام الله علیه) ----- ۱۶۶
- کد آیه: ۷۲/۱۷ اسم آیه: رجعت کوردلان ----- ۱۶۹
- سورة مباركة كهف(۱۸) ----- ۱۷۰
- اشاره ----- ۱۷۰
- کد آیه: ۱۲/۱۸ اسم آیه: رجعت اصحاب كهف ----- ۱۷۰
- کد آیه: ۸۳/۱۸ اسم آیه: ذوالقرنین این امت ----- ۱۷۳
- سورة مباركة مريم(۱۹) ----- ۱۷۶
- اشاره ----- ۱۷۶
- کد آیه: ۵۴/۱۹ اسم آیه: وعده رجعت به اسماعیل بن حزقیل (سلام الله علیهما) ----- ۱۷۶

سورة مباركة طه (٢٠)	١٧٩
اشاره	١٧٩
كد آيه: ١٢٤/٢٠ اسم آيه: رجعت ناصبيان	١٧٩
سورة مباركة انبياء (٢١)	١٨١
اشاره	١٨١
كد آيه: ٣٥/٢١ اسم آيه: مرگ شهدا بعد از رجعت	١٨١
كد آيه: ٩٥/٢١ اسم آيه: عدم رجعت عذاب شدگان	١٨٣
كد آيه: ١٠٥/٢١ اسم آيه: وارثان زمين در رجعت	١٨٥
سورة مباركة مؤمنون (٢٣)	١٨٧
اشاره	١٨٧
كد آيه: ٧٧/٢٣ اسم آيه: رجعت امير المؤمنين (سلام الله عليه)	١٨٧
سورة مباركة شعراء (٢٦)	١٨٨
اشاره	١٨٨
كد آيه: ٤/٢٦ اسم آيه: ذلت بنی اميه در رجعت	١٨٨
سورة مباركة نمل (٢٧)	١٩٠
اشاره	١٩٠
كد آيه: ٨٢/٢٧ اسم آيه: جنبنده زمين	١٩٠
كد آيه: ٨٣/٢٧ اسم آيه: رجعت، رستاخیزی کوچک	١٩٣
كد آيه: ٩٣/٢٧ اسم آيه: شناخت ائمه (سلام الله عليهم) در رجعت	١٩٦
سورة مباركة قصص (٢٨)	١٩٧
اشاره	١٩٧
كد آيه: ٦/٢٨ اسم آيه: رجعت فرعون و هامان قريش	١٩٧
كد آيه: ٦١/٢٨ اسم آيه: تحقق وعده الهی در رجعت	١٩٨
كد آيه: ٨٥/٢٨ اسم آيه: رجعت پيامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) و ائمه (سلام الله عليهم)	١٩٩
سورة مباركة سجده (٣٢)	٢٠٢
اشاره	٢٠٢

- کد آیه: ۲۱/۳۲ اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک - - - - - ۲۰۲
- کد آیه: ۲۷/۳۲ اسم آیه: زمین رجعت - - - - - ۲۰۵
- سورة مباركة یس (۳۶) - - - - - ۲۰۶
- اشاره - - - - - ۲۰۶
- کد آیه: ۱۳ و ۱۴/۳۶ اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امتهای پیشین - - - - - ۲۰۶
- کد آیه: ۵۲/۳۶ اسم آیه: صبر تا زمان رجعت - - - - - ۲۱۳
- سورة مباركة ص (۳۸) - - - - - ۲۱۵
- اشاره - - - - - ۲۱۵
- کد آیه: ۴۳/۳۸ اسم آیه: رجعت فرزندان حضرت ایوب (سلام الله علیه) - - - - - ۲۱۵
- سورة مباركة غافر (۴۰) - - - - - ۲۱۷
- اشاره - - - - - ۲۱۷
- کد آیه: ۱۱/۴۰ اسم آیه: حیات دو باره در رجعت - - - - - ۲۱۷
- کد آیه: ۵۱/۴۰ اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه (سلام الله علیهم) در رجعت - - - - - ۲۱۹
- کد آیه: ۸۱/۴۰ اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت - - - - - ۲۲۱
- سورة مباركة شوری (۴۲) - - - - - ۲۲۲
- اشاره - - - - - ۲۲۲
- کد آیه: ۴۴/۴۲ اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت - - - - - ۲۲۲
- سورة مباركة دخان (۴۴) - - - - - ۲۲۳
- اشاره - - - - - ۲۲۳
- کد آیه: ۱۰/۴۴ اسم آیه: دود آشکار در رجعت - - - - - ۲۲۳
- سورة مباركة جائیه (۴۵) - - - - - ۲۲۵
- اشاره - - - - - ۲۲۵
- کد آیه: ۱۴/۴۵ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا - - - - - ۲۲۵
- سورة مباركة احقاف (۴۶) - - - - - ۲۲۶
- اشاره - - - - - ۲۲۶
- کد آیه: ۱۵/۴۶ اسم آیه: خبر رجعت امام حسین (سلام الله علیه) - - - - - ۲۲۶

سورة مباركة ق(۵۰)	۲۲۸
اشاره	۲۲۸
كد آيه: ۴۲/۵۰ اسم آيه: رجعت، روز بيرون آمدن	۲۲۸
كد آيه: ۴۴/۵۰ اسم آيه: شكافته شدن زمين در رجعت	۲۳۰
سورة مباركة ذاريات(۵۱)	۲۳۱
اشاره	۲۳۱
كد آيه: ۱۳/۵۱ اسم آيه: امتحان رجعت	۲۳۱
كد آيه: ۲۲/۵۱ اسم آيه: اخبار رجعت	۲۳۲
سورة مباركة طور(۵۲)	۲۳۳
اشاره	۲۳۳
كد آيه: ۴۷/۵۲ اسم آيه: عذاب در رجعت	۲۳۳
سورة مباركة نجم(۵۳)	۲۳۵
اشاره	۲۳۵
كد آيه: ۵۳/۵۳ اسم آيه: شهر واژگون شده	۲۳۵
سورة مباركة قمر(۵۴)	۲۳۷
اشاره	۲۳۷
كد آيه: ۸/۵۴ اسم آيه: رجعت، روز سختي براي كفاران	۲۳۷
سورة مباركة ممتحنه(۶۰)	۲۳۸
اشاره	۲۳۸
كد آيه: ۱۳/۶۰ اسم آيه: يأس كفار در رجعت	۲۳۸
سورة مباركة قلم(۶۸)	۲۴۰
اشاره	۲۴۰
كد آيه: ۱۶/۶۸ اسم آيه: علامت دشمنان در رجعت	۲۴۰
سورة مباركة معارج(۷۰)	۲۴۱
اشاره	۲۴۱
كد آيه: ۴/۷۰ اسم آيه: روز پنج هزار ساله	۲۴۱

سورة مباركة جن (٧٢)	٢٤٢
اشاره	٢٤٢
كد آيه: ٢٤/٧٢ اسم آيه: ضعف كفّار در رجعت	٢٤٢
كد آيه: ٢٤/٧٢ اسم آيه: اسرار رجعت	٢٤٤
سورة مباركة مدثر (٧٤)	٢٤٥
اشاره	٢٤٥
كد آيه: ٢ و ١/٧٤ اسم آيه: قيام پيامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) در رجعت	٢٤٥
كد آيه: ٣٦ و ٣٥/٧٤ اسم آيه: انذار پيامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) در رجعت	٢٤٧
سورة مباركة نبا (٧٨)	٢٤٨
اشاره	٢٤٨
كد آيه: ١٨/٧٨ اسم آيه: اوّلين رجعت كننده	٢٤٨
سورة مباركة نازعات (٧٩)	٢٤٩
اشاره	٢٤٩
كد آيه: ٧ و ٦/٧٩ اسم آيه: رجعت امير المؤمنين (سلام الله عليه) پس از امام حسين (سلام الله عليه)	٢٤٩
كد آيه: ٣ و ١٢/٧٩ اسم آيه: بازگشت زيانبار	٢٥١
سورة مباركة عبس (٨٠)	٢٥٣
اشاره	٢٥٣
كد آيه: ٨٠/٢٢ اسم آيه: مأموريت امير المؤمنين (سلام الله عليه) در رجعت	٢٥٣
سورة مباركة انشقاق (٨٤)	٢٥٥
اشاره	٢٥٥
كد آيه: ٨٤/١٩ اسم آيه: سنّت اقتهای گذشته	٢٥٥
سورة مباركة طارق (٨٦)	٢٥٧
اشاره	٢٥٧
كد آيه: ٨٦/٨ اسم آيه: قدرت خدا در رجعت	٢٥٧
كد آيه: ٨٦/١٧ اسم آيه: رجعت، پايان مهلت كفّار	٢٥٨
سورة مباركة شمس (٩١)	٢٦٠

۲۶۰	 اشاره
۲۶۰	 کد آیه: ۱۴/۹۱ اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت
۲۶۱	 سورة مباركة ضحیٰ (۹۳)
۲۶۱	 اشاره
۲۶۱	 کد آیه: ۴/۹۳ اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا
۲۶۲	 سورة مباركة تکاثر (۱۰۲)
۲۶۲	 اشاره
۲۶۲	 کد آیه: ۳/۱۰۲ و ۴ اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت
۲۶۴	 منابع و مآخذ
۲۷۰	 جدول فهرست سوره های قرآن کریم
۲۷۲	 آثار دیگری از نویسنده
۲۷۴	 درباره مرکز

کلید واژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه: روضاتی، سید محمد جعفر، 1352 -

عنوان و نام پدیدآور: کلید واژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم: روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت در قرآن کریم

مشخصات نشر: قم: بهار قلوب، 1394.

مشخصات ظاهری: 250 ص.

شابک: 978-964-9967-29-5

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

شناسه افزوده: مهدی پور، علی اکبر، 1324 -

شماره کتابشناسی ملی: 3804818

ص: 1

اشاره

کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم

روشی جدید برای حفظ و آموزش

آیات رجعت در قرآن کریم

مقدمه:

استاد محقق علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

تالیف: سید محمد جعفر روضاتی

ص: 2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 3

به محضر مقدّس امام و مقتداى حضرت فاطمه (سلام الله عليها)،

امير المؤمنين حضرت على بن ابى طالب (سلام الله عليه)

و انتقام گیرنده آن ها،

حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

عکس

□

ص: 4

عكس

□

ص: 5

فهرست مطالب... 7

مقدمه استاد مهدی پور. 15

سیمای رجعت در آینه آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی.. 15

گلوآژه رجعت... 15

پیشینه رجعت... 16

رجعت در میان پیشینیان.. 18

رجعت در امت اسلامی.. 19

لزوم اعتقاد به رجعت... 20

پیشینه اعتقاد به رجعت... 21

تواتر احادیث رجعت... 23

رجعت هراسی.. 23

پیشگفتار. 27

1- لغت رجعت... 27

2- اصطلاح رجعت... 27

3- اعتقاد به رجعت... 28

4- احادیث «رجعت». 28

5- ادعیه و «رجعت». 32

الف) دعای روز سوّم شعبان:.. 32

ب) دعای افتتاح:.. 34

ج) دعای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان:.. 35

د) دعای عهد: 37

6- زیارات و «رجعت»: 38

الف) زیارت آل یاسین: 38

ب) زیارت جامعۀ کبیرہ: 39

ص: 7

ج) زیارت رجیبه: 41

د) زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالى فرجه الشريف): 42

ه) زیارت ائمه اطهار (سلام الله عليهم) از راه دور: 43

و) زیارت اربعین امام حسین (سلام الله علیه): 44

7_ زیبایی های «رجعت». 44

8_ اقوال علماء در باره «رجعت». 45

9- کتابنامه رجعت... 49

10_ حمد و سپاس 67

سوره مبارکه بقره (2). 71

1_ کد آیه: 56/2 اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی (سلام الله علیه). 71

2_ کد آیه: 73/2 اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل.. 76

3_ کد آیه: 243/2 اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل.. 78

4_ کد آیه: 259/2 اسم آیه: زنده شدن عزیز پس از صد سال.. 81

5_ کد آیه: 260/2 اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم (سلام الله علیه). 84

سوره مبارکه آل عمران (3). 89

6_ کد آیه: 49/3 اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (سلام الله علیه). 89

7_ کد آیه: 81/3 اسم آیه: رجعت انبیاء (علیهم السلام) و نصرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه). 94

8_ کد آیه: 144/3 اسم آیه: رجعت شهدا. 97

9_ کد آیه: 158 و 157/3 اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت... 100

10_ کد آیه: 185/3 اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت... 102

سوره مبارکه نساء (4). 103

11_ کد آیه: 159/4 اسم آیه: ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در رجعت... 103

سورة مبارکه مائده (5). 106

12_ کد آیه: 20/5 اسم آیه: پادشاهان رجعت... 106

سورة مبارکه انعام (6). 108

13_ کد آیه: 28 و 27/6 اسم آیه: آرزوی کفار. 108

ص: 8

14_ کد آیه: 96/7 اسم آیه: رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام حسین (سلام الله علیه). 111

15_ کد آیه: 157/7 اسم آیه: یاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت... 115

16_ کد آیه: 159/7 اسم آیه: رجعت عدّه ای از یهودیان مؤمن.. 116

17_ کد آیه: 33/9 اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت... 118

18_ کد آیه: 111/9 اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت... 121

19_ کد آیه: 39/10 اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی.. 123

20_ کد آیه: 54/10 اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت... 125

21_ کد آیه: 5/14 اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا. 126

22_ کد آیه: 2/15 اسم آیه: رجعت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و شیعیانشان.. 128

23_ کد آیه: 38/15 اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت... 129

24_ کد آیه: 22/16 اسم آیه: کفر منکران رجعت... 134

25_ کد آیه: 34/16 اسم آیه: عذاب در رجعت... 136

26_ کد آیه: 39 و 38/16 اسم آیه: کافران این امت... 137

27_ کد آیه: 5/17 اسم آیه: رجعت جناب سلمان.. 142

28_ کد آیه: 6/17 اسم آیه: رجعت امام حسین (سلام الله علیه). 147

29_ کد آیه: 72/17 اسم آیه: رجعت کوردلان.. 150

سورة مبارکه كهف (18). 151

30_ کد آیه: 12/18 اسم آیه: رجعت اصحاب كهف... 151

31_ کد آیه: 83/18 اسم آیه: ذوالقرنین این امت... 154

ص: 9

سورة مبارکه مریم (19). 157

32_ کد آیه: 54/19 اسم آیه: وعده رجعت به اسماعیل بن حزقیل (سلام الله علیهما). 157

سورة مبارکه طه (20). 160

33_ کد آیه: 124/20 اسم آیه: رجعت ناصبیان.. 160

سورة مبارکه انبیاء (21). 162

34_ کد آیه: 35/21 اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت... 162

35_ کد آیه: 95/21 اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان.. 164

36_ کد آیه: 105/21 اسم آیه: وارثان زمین در رجعت... 166

سورة مبارکه مؤمنون (23). 168

37_ کد آیه: 77/23 اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین (سلام الله علیه). 168

سورة مبارکه شعراء (26). 169

38_ کد آیه: 4/26 اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت... 169

سورة مبارکه نمل (27). 171

39_ کد آیه: 82/27 اسم آیه: جنبندة زمین.. 171

40_ کد آیه: 83/27 اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک... 174

41_ کد آیه: 93/27 اسم آیه: شناخت ائمه (سلام الله علیهم) در رجعت... 177

سورة مبارکه قصص (28). 178

42_ کد آیه: 6/28 اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش.... 178

43_ کد آیه: 61/28 اسم آیه: تحقق وعده الهی در رجعت... 179

44_ کد آیه: 85/28 اسم آیه: رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (سلام الله علیهم). 180

سورة مبارکه سجده (32). 183

45_ کد آیه: 21/32 اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک... 183

46_ کد آیه: 27/32 اسم آیه: زمین رجعت... 186

سوره مبارکه یس (36). 187

47_ کد آیه: 13 و 14/36 اسم آیه: نمونه ای از رجعت در اُمّت‌های پیشین.. 187

48_ کد آیه: 52/36 اسم آیه: صبر تا زمان رجعت... 194

ص: 10

سوره مبارکه ص (38). 196

49_ کد آیه: 43/38 اسم آیه: رجعت فرزندان حضرت ایوب (سلام الله علیه). 196

سوره مبارکه غافر (40). 198

50_ کد آیه: 11/40 اسم آیه: حیات دوباره در رجعت... 198

51_ کد آیه: 51/40 اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه (سلام الله علیهم) در رجعت... 200

52_ کد آیه: 81/40 اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت... 202

سوره مبارکه شوری (42). 203

53_ کد آیه: 44/42 اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت... 203

سوره مبارکه دخان (44). 204

54_ کد آیه: 10/44 اسم آیه: دود آشکار در رجعت... 204

سوره مبارکه جاثیه (45). 206

55_ کد آیه: 14/45 اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا. 206

سوره مبارکه احقاف (46). 207

56_ کد آیه: 15/46 اسم آیه: خبر رجعت امام حسین (سلام الله علیه). 207

سوره مبارکه ق (50). 209

57_ کد آیه: 42/50 اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن.. 209

58_ کد آیه: 44/50 اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت... 211

سوره مبارکه ذاریات (51). 212

59_ کد آیه: 13/51 اسم آیه: امتحان رجعت... 212

60_ کد آیه: 22/51 اسم آیه: اخبار رجعت... 213

سوره مبارکه طور (52). 214

61_ کد آیه: 47/52 اسم آیه: عذاب در رجعت... 214

سوره مبارکه نجم (53). 216

62_ کد آیه: 53/53 اسم آیه: شهر واژگون شده. 216

سوره مبارکه قمر (54). 218

63_ کد آیه: 8/54 اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران.. 218

ص: 11

سورة مبارکه ممتحنه(60). 219

64_ کد آیه: 13/60 اسم آیه: یأس کفار در رجعت... 219

سورة مبارکه قلم(68). 221

65_ کد آیه: 16/68 اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت... 221

سورة مبارکه معارج(70). 222

66_ کد آیه: 4/70 اسم آیه: روز پنج هزار ساله. 222

سورة مبارکه جن(72). 223

67_ کد آیه: 24/72 اسم آیه: ضعف کفار در رجعت... 223

68_ کد آیه: 26/72 اسم آیه: اسرار رجعت... 225

سورة مبارکه مدثر(74). 226

69_ کد آیه: 2 و 1/74 اسم آیه: قیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت... 226

70_ کد آیه: 36 و 35/74 اسم آیه: انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت... 228

سورة مبارکه نبا(78). 229

71_ کد آیه: 18/78 اسم آیه: اولین رجعت کننده. 229

سورة مبارکه نازعات(79). 230

72_ کد آیه: 7 و 6/79 اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) پس از امام حسین (سلام الله علیه). 230

73_ کد آیه: 13 و 12/79 اسم آیه: بازگشت زیانبار. 232

سورة مبارکه عبس(80). 234

74_ کد آیه: 22/80 اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در رجعت. 234

سورة مبارکه انشقاق(84). 236

75_ کد آیه: 19/84 اسم آیه: سنت امتهای گذشته. 236

سورة مبارکه طارق (86). 238

76_ کد آیه: 8/86 اسم آیه: قدرت خدا در رجعت... 238

77_ کد آیه: 17/86 اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفار. 239

سورة مبارکه شمس (91). 241

78_ کد آیه: 14/91 اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت... 241

ص: 12

سوره مبارکه ضحیٰ (93). 242

79_ کد آیه: 4/93 اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا. 242

سوره مبارکه تکوین (102). 243

80_ کد آیه: 4 و 3/102 اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت... 243

منابع و مأخذ. 245

جدول فهرست سوره های قرآن کریم. 251

آثار دیگری از نویسنده. 253

ص: 13

رجعت در لغت به معنای بازگشت، و در اصطلاح، بازگشت گروهی از مردگان به دنیا، پیش از رستاخیز می باشد.

خداوند متّان گروهی از مردگان را به هنگام ظهور امام زمان (سلام الله علیه) به این دنیا باز می گرداند، برخی از آن ها را عزّت می دهد، و برخی دیگر را خوار می سازد.

گروهی از صالحان را برمی گرداند، تا دولت حقّه را مشاهده کنند، به عزّت، شکوه و آرزوی دیرینه خود برسند.

گروهی از تبهکاران را برمی گرداند، تا انتقام ستم دیدگان را از آن ها بگیرد، و دل رنج دیده ها با مشاهده ذلّت آن ها مسرور گردد.

آنگاه هر دو گروه می میرند، و به هنگام رستاخیز عمومی برانگیخته می شوند، تا به ثواب و عقاب جاویدان برسند. [\(1\)](#)

ص: 15

1- _ شیخ مفید، اوائل المقالات، ص77؛ همو، تصحیح الاعتقاد، ص9؛ همو، المسائل السّرویّة، ص32.

زیر بنای رجعت، قدرت بی پایان حق تعالی است، خداوند با قدرت بیکران خود، استخوان های پوسیده و اجسام فرسوده ای را که هزاران سال در زیر خاک ها نهفته اند، به زندگی باز می گرداند، تا هابیلیان شاهد انتقام الهی، از قابیلیان در راستای تاریخ باشند.

خداوند با رجعت انسان ها، دورنمای رستاخیز را در سرتاسر گیتی به نمایش می گذارد و هزاران انسان را، که از قرن ها پیش در زیر خاک ها مدفون شده اند، با یک فرمان جان می بخشد، تا پیش از رستاخیز شاهد گرفتن حق مظلومان از ستم پیشگان باشند.

پیشینه رجعت

قرآن کریم در آیات فراوان از وقوع رجعت در میان اقوام گذشته خبر داده، که با تعدادی از آن ها در این کتاب آشنا می شوید.

پس از ثبوت وقوع آن در میان اقوام گذشته، اثبات امکان و لزوم وقوع آن در میان امت اسلامی نیز ثابت می شود، زیرا:

1. بهترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است.

پس از اثبات وقوع آن در میان اقوام پیشین، در مورد امکان وقوع آن در میان امت اسلامی، هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند.

2. بر اساس قاعده معروف: «حکم الأمثال فیما یجوز و ما لا یجوز»، اگر ثابت شود که آن در میان گذشتگان واقع شده، احتمال امتناع آن از بین می رود و ممکن بودن آن ثابت می شود.

3. در احادیث فراوان از رسول اکرم، آمده است که:

آنچه در امت های پیشین واقع شده، حتماً در این امت نیز واقع خواهد شد. و

اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ؛

بی گمان راهی را که پیشینیان پیموده اند، شما نیز خواهید پیمود. (1)

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ حَذَوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

بی گمان دقیقاً همان راه پیشینیان را، همانند تطابق دو لنگه کفش خواهید رفت. (2)

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ؛

بی گمان راه پیشینیان را خواهید پیمود. (3)

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، شَبْرًا بِشَبْرٍ، وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ لَدَخَلْتُمْ؛

بی گمان راه پیشینیان را، وجب به وجب، ذراع به ذراع خواهید پیمود. اگر آن ها به لانه سوسماری داخل شده باشند، شما نیز داخل خواهید شد. (4)

لَتَرْكَبُنَّ طَرِيقَتَهُمْ حَذَوِ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ؛

ص: 17

1- _ احمد حنبل، المسند، ج 5، ص 218 و 340.

2- _ طبرانی، المعجم الكبير، ج 6، ص 20.

3- _ بخاری، التاريخ الكبير، ج 4، ص 163.

4- _ حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 455؛ سیوطی، الدرّ المشور، ج 6، ص 56؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج 7، ص 261؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 11، ص 134؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج 19، ص 279.

بی گمان همانند تطابق دو تیرکمان، راه آن ها را خواهید پیمود. [\(1\)](#)

احادیث یاد شده عموماً از منابع اهل سنت تقدیم گردید، این احادیث از طریق اهل بیت (سلام الله علیهم) به قدری زیاد است، که دو تن از محدثان بزرگ، کتاب مستقلی در این رابطه تألیف کرده اند:

1. فضل بن شاذان، متوفای 260 ق.

2. شیخ صدوق، متوفای 381 ق.

هر دو محدث بزرگوار کتاب خود را «حذو التعل بالتعل» نامیده اند. [\(2\)](#)

روی این بیان اگر ثابت شود که رجعت در میان امت های پیشین واقع شده، نه تنها امکان، بلکه ضرورت وقوع آن در میان امت اسلامی ثابت خواهد شد.

رجعت در میان پیشینیان

در کتابی که پیش رو دارید، آیات شماره یک تا شماره شش، شش نمونه از بازگشت انسان ها پس از مرگ به این دنیا را در میان امت های پیشین بیان نموده است.

شیخ حرّ عاملی، در کتاب گرانسنگ: «الایقاظ من الهجعة فی اثبات الرجعة» 26 روایت از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده، که آنچه در امت های پیشین اتفاق افتاده، موبه مو، در امت من نیز واقع خواهد شد. [\(3\)](#)

ص: 18

1- _ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 10، ص 39.

2- _ نگارنده، کتابنامه حضرت مهدی (سلام الله علیه)، ج 1، ص 219.

3- _ شیخ حرّ، الایقاظ، ص 98 _ 111.

بر اساس روایات فراوانی که از خاندان عصمت و طهارت (سلام الله علیهم) به ما رسیده، در میان اُمت اسلامی نیز به مواردی از وقوع رجعت در قرون اوّلیه بر می خوریم،⁽¹⁾ که تعداد 70 مورد آن را شیخ حرّ عاملی گرد آورده است.⁽²⁾

عبد الله بن محمّد بن عبید، مشهور به: «ابن ابی الدّنیاء» (180 - 281 ق) کتابی به نام: «من عاش بعد الموت» در این رابطه گرد آورده است.⁽³⁾

وی در این کتاب، 64 مورد از افرادی که در سه قرن اوّل اسلامی، پس از مرگ، زنده شده، کم یا زیاد، زنده مانده اند را معرفی کرده است.⁽⁴⁾

دکتر «رایموند مودی» در این رابطه کتابی نوشته و آن را «بازگشت روح» نام نهاده است.

او در این کتاب، از کسانی سخن گفته که طبق نظر پزشک قانونی، مرده، سپس زنده شده اند.⁽⁵⁾

بر اساس روایات اسلامی، کتاب ابن ابی الدّنیاء و دکتر رایموند مودی، بازگشت

ص: 19

1- _ طبرسی، مجمع البیان، ج 9، ص 53؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج 4، ص 151؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج 4، ص 397؛ حویزی، نور الثقلین، ج 4، ص 610.

2- _ شیخ حرّ، الايقاظ، ص 188_231.

3- _ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج 13، ص 403.

4- _ این کتاب به سال 1406 ق. در 151 صفحه، در بیروت، از سوی عالم الکتب، منتشر شده است.

5- _ مجلّة «التمدن الاسلامی» سال 48، شماره 48 و مجلّة «المختار» شماره شعبان 1400 ق.

روح به بدن و زنده شدن انسان پس از مرگ، نه تنها ممکن، بلکه اتفاق افتاده است و از نظر زیست شناسی نیز مانعی ندارد.

لزوم اعتقاد به رجعت

آیات فراوانی از قرآن کریم، بر اساس روایات معصومین (سلام الله علیهم)، به رجعت تفسیر شده، که 80 نمونه آن ها را در این کتاب ملاحظه می فرمایید.

در چهلمین آیه ای که در این کتاب، با کُد 83/27 بیان شده، آمده است:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛

آن روز از هر امتی گروهی را محشور می سازیم که منکر آیات ما بودند، آن ها بازداشت می شوند. (1)

به یقین این آیه مربوط به رستاخیز نیست، زیرا در رستاخیز همه محشور می شوند و احدی فروگذار نمی شود. (2)

امام صادق (سلام الله علیه) در تفسیر این آیه فرمودند:

«وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا وَمَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا»؛

تنها کسی در رجعت برمی گردد که مؤمن خالص، یا کافر خالص باشد. (3)

ص: 20

1- _ سورة نمل، آیه 83.

2- _ سورة كهف، آیه 47.

3- _ علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج 2، ص 131؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج 3، ص 210.

اعتقاد به رجعت و بازگشت گروهی از مردگان پیش از رستاخیز، سابقه ای بس طولانی دارد و در همه کتب آسمانی به نمونه هایی از آن برمی خوریم.

اینک به سه نمونه، از سه دین معروف «یهود»، «نصاری»، و «مجوس» اشاره می کنیم:

1. رجعت در عهد عتیق

در کتاب «دانیال نبی» آمده است:

بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده اند، بیدار خواهند شد، اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. (1)

پدر «آنتونیو دوززو» از کشور پرتغال، رئیس پیشین دیر آگوستین های اصفهان، که پس از تشرّف به اسلام به نام: «علی قلی جدید الاسلام»، مشهور شد، در کتابی که به عنوان شرح و نقد تورات نوشته، فراز بالا را از دلایل روشن رجعت بیان کرده است. (2)

2. رجعت در عهد جدید

در کتاب مکاشفه یوحنا ی رسول آمده است:

آنان که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.

ص: 21

1- کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، باب 12، فراز 2.

2- آنتونیو دوززو، ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش، ص 298.

سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. (1)

آنتونیو در مورد این فراز نیز به تفصیل سخن گفته، و دلالت آن را بر اثبات رجعت توضیح داده است. (2)

3. رجعت در آیین مجوس

جز از طریق کتب زرتشتیان به کتاب آسمانی مجوس راه نداریم، از این رهگذر فرازی را از کتب زرتشتیان که برگرفته از کتاب مجوس است نقل می‌کنیم:

در بخش «یشت‌ها» از کتاب «اوستا» در ضمن فرازهای مربوط به «سوشیانت» (3) آمده است:

بدان هنگام که مردگان دیگر باره زنده شوند و زندگی جاودانه آغاز گردد، «سوشیانت» بدر آید و جهان را به آرزوی خویش دیگرگون سازد. (4)

سه فراز از سه کتاب مقدس، سه آیین مشهور جهان، تورات، انجیل و اوستا نقل کردیم، در هر سه مورد بر زنده شدن مردگان تأکید شده و کاملاً روشن است که مربوط به رستاخیز نیست، بلکه در همین دنیا و پیش از رستاخیز می‌باشد.

روی این بیان، اعتقاد به رجعت، اختصاص به دین مقدس اسلام ندارد، بلکه سابقه ای بس طولانی دارد، و در همه کتاب‌هایی که به اعتقاد پیروانشان کتاب

ص: 22

1- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب 20، فرازهای 5 و 6.

2- آنتونیو، همان، ص 299.

3- آخرین رهایی بخش جهان.

4- اوستا، بخش یشت‌ها، زامیاد یشت، کرده یکم، فراز یازدهم.

آسمانی به شمار می آید، به صراحت و شفافیت آمده است.

تواتر احادیث رجعت

با توجه به این که دشمنان اهل بیت، برای از بین بردن کتاب های شیعیان در طول قرون و اعصار، تلاش فراوان نموده و بیش از 90% کتاب های ما را از بین برده اند، هنوز احادیث بر جای مانده پیرامون رجعت بیش از حدّ تواتر است.

شیخ حرّ عاملی در کتاب گرانسنگ «الایقاظ» 600 حدیث پیرامون رجعت گرد آورده و بعد از اثبات تواتر آن ها فرموده:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است. (1)

مرحوم علامه مجلسی (قدّس سرّه) در دائرة المعارف بزرگ خود می نویسد:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، در هیچ موردی نمی توان ادّعی تواتر نمود. (2)

رجعت هراسی

در شماری از احادیث رجعت تأکید شده که چون منتقم الهی ظهور کند، دوبت بزرگ قریش را از قبر بیرون می کشد، به دار می زند، طعمه حریق می سازد و خاکسترشان را به باد می دهد. (3)

ص: 23

1- _ شیخ حرّ، الايقاظ، ص 60.

2- _ مجلسی، بحار الأنوار، ج 53، ص 123.

3- _ بحرانی، حلیة الأبرار، ج 2، ص 598 - 606 (چاپ سنگی).

در شمار دیگری آمده است، زنی که به «ماریه قبطیه» مادر ابراهیم - فرزند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تهمت زده بود را زنده می کند، بر او حد جاری می کند. (1)

از این رهگذر شیفتگان آن ها از شنیدن نام رجعت هراس دارند و خیال می کنند که اگر احادیث رجعت در مجلسی مطرح شود، ترس آن است که سقف آن مجلس بر سرشان فرو بریزد!

سفیان بن عیینه می گوید:

در خانه جابر جعفری نشسته بودیم، چیزی گفت که از خان هاش بیرون رفتیم، زیرا ترسیدیم که سقف خانه بر سرمان فرو ریزد! (2)

سفیان ثوری می گوید:

مردم از جابر بن یزید جعفری روایت می کردند، تا هنگامی که عقیده اش را ابراز کرد، دیگر از او حدیثی نقل نکردند! پرسیدند: چه چیزی را ابراز کرد؟ گفت: اعتقاد به رجعت را. (3)

در حالی که خود سفیان می گوید:

جابر بسیار راستگو بود، من کسی را راستگوتر از او در نقل حدیث ندیدم. (4) جابر بن یزید جعفری بدون تردید، از راستگوترین اصحاب ائمه بود، حتی به

ص: 24

1- _ طبری، دلائل الامامة، ص 485.

2- _ دمیری، حیاة الحیوان، ج 1، ص 459.

3- _ مسلم، صحیح مسلم، ج 1، ص 20.

4- _ آية الله خوئی، معجم رجال الحديث، ج 4، ص 23.

(1) شعبه گوید: جابر از موثق ترین انسان هاست. (1)

(2) وکیع گوید: اگر در هر چیزی شک بکنید، در این شک نکنید که جابر جعفری ثقه است. (2)

(3) سفیان گوید: جابر جعفری در نقل حدیث پارسا بود، من در حدیث پارسا تر از او ندیده ام. (3)

پس از اعتراف همه بزرگان جرح و تعدیل به وثاقت او، جریر می گوید:

من جابر بن یزید جعفری را ملاقات کردم، ولی حدیثی از او ننوشتم، زیرا به رجعت ایمان داشت. (4)

زهیر می گوید:

از جابر شنیدم که گفت: نزد من 000/50 حدیث است که چیزی از آن را نقل نکرده ام. (5)

از این رهگذر علمای شیعه در طول قرون و اعصار، به تألیف آثار گرانقدری در این رابطه همت گماشته اند، که با عناوین 130 مورد از آن ها در مقدمه این کتاب آشنا

ص: 25

1- ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 379.

2- همان.

3- همان.

4- مسلم، صحیح مسلم، ج 1، ص 20.

5- همان.

می‌شوید، که تازه‌ترین آن‌ها کتاب حاضر است، که مؤلف بزرگوار آن، با ابتکار و حسن سلیقه خود، آیات مربوط به رجعت را کُذ گذاری کرده، برای هر آیه ای نامی برگزیده، آنگاه یک یا چند حدیث از منابع معتبر، در ذیل هر آیه ای آورده است.

امیدواریم نشر این اثر به تعمیم فرهنگ مهدویت و غنای مکتب پر بار تشیع کمک کرده، مسائل مرتبط با رجعت را در دسترس پژوهشگران قرار دهد و شاهد انتشار ده‌ها کتاب جدید در این عرصه باشیم.

از خداوند منان تقات روز افزون، مؤلف، ناشر و دیگر دست‌اندرکاران چاپ و نشر این اثر ارزشمند را خواهانیم.

15 ربیع الثانی 1436 ق.

حوزه علمی قم

علی اکبر مهدی پور

ص: 26

1- لغت رجعت

«رجعت» در لغت، به معنی «بازگشتن» است، و کلمه «رجوع» در لغت به معنای بازگشتن به مبدأ، مکان و یا فعل و حالت اصلی، می باشد.

«ایاب» هم به معنای رجوع است، با این تفاوت که «ایاب» به برگشتن با اراده و اختیار گفته می شود، اما رجوع به معنای اعم از آن استعمال می شود.

2- اصطلاح رجعت

«رجعت» در اصطلاح، بازگشت و زنده شدن بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران، به این دنیا، در هنگام ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، و البته قبل از قیامت.

به تعبیری دیگر «رجعت»، عبارت است از اینکه خداوند، هم زمان با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، عده ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه مؤمنان بوده اند، و همچنین عده ای از کفار و منافقان را که در کفر و نفاق، سر سلسله کفار و منافقان بوده اند، به دنیا برمی گرداند، تا اینکه هر دو گروه، نتیجه اعمالشان را در این دنیا ببینند.

پس رجعت یک قیامت کوچکی است، که مهم ترین وجه مشترک آن با قیامت، زنده شدن مردگان، و خروج آن ها از قبورشان، می باشد.

3- اعتقاد به رجعت

اعتقاد به اصل «رجعت» از ضروریات مذهب شیعه امامیه به شمار می رود، تمام ائمه اطهار (سلام الله علیهم)، به طرق مختلف، و شاگردان و پیروان آن ها، از صدر اسلام، به «رجعت» اعتقاد داشته و از این عقیده، دفاع و حمایت نموده اند.

شاید هیچ شعاری در تشیع برجسته تر از «رجعت» نباشد، که قبول آن از نشانه های توحید است، و اعتقاد به آن از مظاهر ایمان به قدرت الهی محسوب می شود.

یکی از آثار سازنده و تربیتی اعتقاد به «رجعت»، این است که انسان را به آینده امیدوار نموده، و از سقوط در گرداب فساد و گناه، بازداشته، و از ترس اینکه او، از گروه رجعت کنندگان حذف شود، و فیض ملاقات معصومین (سلام الله علیهم) را در عصر شکوهمند رجعت، از دست بدهد، به تلاش و کوشش بیشتر در راه بندگی و اطاعت خداوند می پردازد، چنین شخصی اگر در این مسیر مقدس، مرگ به سراغش بیاید، باکی نداشته، بلکه از آن استقبال هم می نماید.

4- احادیث «رجعت»

در مسئله رجعت، قبل از هر چیز، باید به این نکته دقت شود، که رجعت امری است ممکن، و عقلانی، و بهترین دلیل بر امکان آن، این است که دست قدرت الهی، نمونه های زیادی از آن را، که در گذشته تاریخ، به صورت معجزه، رخ داده است، توسط بعضی از پیامبران، به بشر نشان داده، که این وقایع، در بعضی از کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم، به ثبت رسیده است، که البته در این کتاب، به این آیات، و شرح و تفسیر آن ها اشاره شده است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، دلایلی که علمای شیعه بر این مسئله اقامه کرده اند، سه دسته است:

1- آیات قرآن کریم

2- سنت نبوی

3. احادیث اهل بیت (سلام الله علیهم)، که عمده ترین دلیل آنان، احادیثی است که به صورت متواتر، از ائمه اطهار (سلام الله علیهم) در این باره، روایت شده است.

در این بخش، از بین صدها حدیثی که در باره «رجعت» وجود دارد، بنا به اختصار، به بعضی از آن ها، به عنوان نمونه، اشاره می نماییم:

الف) قال الشيخ في كتاب «من لا يحضره الفقيه»: قَالَ الصَّادِقُ (سلام الله عليه): لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَ... (1)

مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) در کتاب من لا- يحضره الفقيه، از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) روایت نموده که آن حضرت فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و...

ب) ... عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَكَرْنَا الْقَائِمَ (سلام الله عليه) وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا! إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِم. (2)

ص: 29

1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 297؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 300؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 92، ح 101؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 440؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 3، ص 376؛ من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 458، ح 4583.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 271، ح 77؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 91، ح 98؛ كتاب الغيبة (طوسی) (قدس سره)، ص 459.

از مفصل بن عمر نقل است که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) صحبت از حضرت قائم (سلام الله علیه)، و کسانی که در انتظار او جان داده اند، به میان آمد، حضرت فرمودند: هنگامی که قائم (سلام الله علیه) قیام کند، مأمورانی بر سر قبور مؤمنین بیایند، و گویند: مولای تو ظهور کرده است، اگر می خواهی، به او ملحق شو، و اگر می خواهی، در جوار پروردگارت بمان.

(ج) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يَحْدِثَانِ جَمِيعاً قَبْلَ أَنْ يَحْدِثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَحَدَثَ أَنَّهُمَا سَمِعَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه) يَقُولُ: أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما) وَ إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَصَّ الْإِيمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَصَّ الشُّرْكَ مَحْضاً. (1)

از محمد بن مسلم نقل است که گفت: شنیدم: حمران بن اعین و ابو الخطاب، پیش از انحرافش، می گفتند: شنیدیم از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در حدیثی می فرمودند: اول کسی که از قبر بیرون می آید و به دنیا بر می گردد، حسین بن علی (سلام الله علیه) است، و رجعت، عمومی نیست، کسی به این دنیا بر نمی گردد، مگر اینکه مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشد.

(د) عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه) يَقُولُ: ... ثُمَّ قَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى، وَ يَمِيتَ الْأَحْيَاءَ، وَ يَرُدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يَقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)، فَأُبَشِّرُوا

ص: 30

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 301؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 277، ح 88؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 39، ح 1؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 507، ح 12؛ حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 368، ح 15؛ مختصر البصائر، ص 107، ح 23.

ثُمَّ أَبَشِّرُوا ثُمَّ أَبَشِّرُوا، فَوَاللَّهِ! مَا الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: به خدا قسم! روزها و شب ها به پایان نمی رسد، تا اینکه خداوند، مُرده ها را زنده نماید، و زنده ها را بمیراند، و خداوند، حق را به اهلش بازگرداند، و دینی را که مورد رضایت خود و رسولش می باشد، به پا دارد، پس بشارت باد بر شما! بشارت باد بر شما! و بشارت باد بر شما! به خدا قسم! که حق جز در دست های شما نمی باشد.

ه) عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ الصَّادِق (سلام الله عليه): ... يَا أَبَا بصيرٍ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا قَبَاعُ سُيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا فَيَقُولُونَ بَعَثَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ وَهُمْ مَعَ الْقَائِمِ (سلام الله عليه). (الحديث) (2)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) به ابو بصیر فرمودند: ای ابا بصیر! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را، که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند، زنده نماید، این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما، که هنوز نمرده اند، برسد، آن ها به هم گویند: فلانی و فلانی و فلانی از قبرهایشان بیرون آمده اند و زنده شده اند، و همراه حضرت قائم (سلام الله عليه) هستند.

ص: 31

-
- 1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 300؛ بحار الأنوار، ج 41، ص 127، ح 36؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج 4، ص 97، ح 8؛ الكافي، ج 3، ص 538، ح 1.
 - 2- _ إثبات الهداة، ج 5، ص 63، ح 54؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 1، ص 70؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 248، ح 24؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 92، ح 102؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 209؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 54، ح 83؛ الكافي، ج 8، ص 51، ح 14.

اشاره

در برخی از ادعیه ای که از گنجینه های علم خاندان وحی به ما رسیده، موضوع «رجعت» در قالب دعا، بیان شده، که ما در اینجا، به بعضی از آن ها اشاره می نماییم:

الف) دعای روز سوّم شعبان:

چون اولین شخصیتی که در زمان رجعت زنده می شود، حضرت امام حسین (سلام الله علیه) می باشند، از دعای روز ولادت ایشان شروع می کنیم:

در کتاب «اقبال» مرحوم سید بن طاوس (قدّس سرّه) و کتاب «مصباح» مرحوم شیخ طوسی (قدّس سرّه)، روایتی است از حضرت امام حسن عسکری (سلام الله علیه)، که آن را به صورت نامه، برای وکیل شان، قاسم بن علاء همدانی، فرستادند، که این طور نوشته بودند: مولای ما، حضرت حسین بن علی (سلام الله علیهما)، پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمد، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمُوعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ بِكَتْمَةِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطُأُ لَابَتِيهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ، وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنَّصَرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ، الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيُّمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءِ فِي تَرْبِيَتِهِ، وَالْفَوْزِ مَعَهُ فِي أَوْتِيَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِثْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ، حَتَّى يَذَرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيَثَارُوا الثَّارَ وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رُمُوسِهِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسْأَلُ لَأَمْرِهِ وَيَكْثُرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَى عَشَرَ النُّجُومِ
الرُّهُرِ وَالْحَجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ.

اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلَبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَعَاذَ فُطْرُسَ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ
مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (1).

خداوند! به حق مولود امروز، که پیش از تولد خبر شهادتش را دادی، و پیش از آنکه پا بر زمین مدینه نهی، آسمان و اهلش، و زمین و
مردمش، بر او گریستند، آن کشته اشک، و سرور اهل بیت، که وی را در رجعت مدد می کنی، و در عوض شهادت امامان را از نسل او، و
شفاء را در تربتش قرار دادی، و در هنگام بازگشت غلبه را برای او مقدر کرده ای، و بعد از حضرت قائم و غیبت وی، اوصیانش را از عترت
آن جناب مقرر کردی، تا انتقام خون های مقدس را بگیرند، و خدای جبار را خشنود کنند، و بهترین یاور دین باشند، رحمت خدا بر آن ها
باد، ما دام که شب و روز پشت سر یکدیگر در حرکت اند.

خداوند! درود فرست بر محمد و آلش، و ما را در زمره ایشان محشور فرما، و با ایشان در منزل نیکان و سرای جاودان جایمان ده.

خداوند! چنانکه ما را به معرفت او سرفراز کردی، به مجاورتش نیز

ص: 33

1- _ الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 3، ص 303؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 318؛ بحار الأنوار، ج 98، ص 347، ح 1؛
زاد المعاد و مفتاح الجنان، ص 51؛ مختصر البصائر، ص 135؛ مصباح المتعبد، ج 2، ص 826.

مفتخرمان فرما، و همنشینی او را نصیبمان گردان، ما را از آنان قرار ده که در برابر او تسلیم اند، و چون یاد او می کنند، درود فراوان بر او و دوازده ستاره فروزان، اوصیای بزرگوارش می فرستند.

خداوندا! امروز بهترین عطاها را به ما عنایت نما، چنانکه حسین (سلام الله علیه) را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عطا کردی، خدایا! «فطرس» ملک به گهواره او پناه برد، ما به قبرش پناه آورده ایم، تربت پاکش را می نگریم و در انتظار بازگشتش به سر می بریم.

(ب) دعای افتتاح:

دعای افتتاح که در شب های ماه مبارک رمضان خوانده می شود، با این کلمات شروع می گردد: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيثُكَ بِحَمْدِكَ وَ... تا آنجا که عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، حَقَّهُ بِمَلَانِيكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ...

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعْزِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ... وَ انصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوَّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوَّنَا، وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَ بَصُرٍ تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ

بارالها! ما به درگاه تو شکایت می کنیم از فقدان پیامبرمان (صلی الله علیه و آله و سلم)، و غیبت امام مان، و بسیاری دشمنان مان، و کمی تعدادمان، و فتنه های سخت بر ما، و غلبه روزگار بر ما، پس درود فرست بر محمد و آلش، و ما را در همه این امور یاری نما، به پیروزی زود رسی که از جانب خودت است، و برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت و یاری با اقتدار و عزتمند، و سلطنت حقّی ای که تو آشکار گردانی، و رحمتی از توجّهت که بر همه ما شامل گردد، و لباس عافیت که ما را بپوشاند، به حقّ رحمت نامنتهای ات، ای مهربانترین مهربانان عالم.

ج) دعای شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان:

مرحوم سید بن طاوس (قدّس سرّه) در اقبال، به اسناد خودش از ائمه اطهار (سلام الله علیهم) روایت نموده که: این دعا را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در حال سجده، برخاستن، نشستن، و در هر حال تکرار می کنی، و نیز هر قدر که می توانی و هرگاه که به یادت آمد در دوران زندگی ات، می خوانی، پس از حمد خدای تبارک و تعالی، و درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بگو:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ، الْحُجَّةُ، مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِي، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً، وَنَاصِراً وَدَلِيلاً وَمُؤَيِّداً، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلاً وَعَرْضاً، وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْوَارِثِينَ.

ص: 35

1- _ الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 1، ص 142؛ بحار الأنوار، ج 94، ص 332؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج 3، ص 108؛ زاد المعاد، ص 89؛ المصباح للكفعمي، ص 581؛ مفتاح الجنان، اعمال شب بیست و سوم.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ، وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَحْفِى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعْزِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ«آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَاقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةِ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيدِكَ الْمَلَى، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مَلِكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ» (1).

خداوندا! برای ولی قائم به امرت، حجت بن الحسن مهدی (سلام الله علیه)، که بر او و بر پدرانش بهترین درود و سلام باد، در این ساعت و در همه ساعت ها، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و تأیید کننده باش، تا این که بر سراسر زمینت فرمانروای مطاعش سازی، و از کران تا کران گیتی برخوردارش نمایی، و او و فرزندان او را از امامان وارث قرار دهی.

خدایا! او را یاری نموده، و به وسیله او پیروزی را برای (دین) خویش تحقق بخش، و نصرت خود را برای او و به دست او فراهم آور، و یاری را به او اختصاص ده، و فتح و پیروزی را به روی او بگشای و امر (حکومت) را به غیر او متوجه مساز.

خداوندا! دینت و سنت پیامبرت، که درود و سلامت بر او و خاندانش باد، را

ص: 36

به وسیله او آشکار نما، تا چیزی از حق را از بیم احدی از خلق مخفی ندارد.

خدایا! من به درگاه تو زاری می کنم به جهت دولتی گرامی که اسلام و اهل آن را به آن عزّت دهی، و نفاق و اهل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعت قرار داده، و در شمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسنه ای و در آخرت حسنه ای به ما عنایت فرمای و ما را از عذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بدار، به رحمت و ممتّ خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمت بر ما بیفزای (و پیمانمان را) پر کن، که هر بخشنده ای از دارائش کاسته می شود، ولی عطای تو در ملکیت می افزاید.

(د) دعای عهد:

در کتاب «مصباح الزائر» مرحوم سید بن طاوس (قدّس سرّه) از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) روایت نموده که حضرت فرمودند: هر کس چهل بامداد، دعای عهد را بخواند، از یاوران حضرت قائم (سلام الله علیه) خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون می آورد، و با هر کلمه این دعا، هزار ثواب به او عطا فرماید، و هزار گناه از نامه عمل او محو نماید، در قسمتی از این دعا می خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ

اَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، ...» (1)

پروردگارا! اگر مرگ، که برای بندگان یک امر حتمی قرار داده ای، میان من و آن حضرت جدائی انداخت، پس مرا از قبرم بیرون آور، تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده ام و نیزه ام را به دست گرفته ام، در میان آن ها که در شهر حاضرند، یا آنان که کوچ می کنند، قرار گیرم و ندای دعوت کننده آن حضرت را اجابت کنم؛ خداوندا! آن طلعت رعنا و آن صورت زیبا را به من بنما، و با نگاهی که به او می کنم، دیدگانم را روشن گردان.

6- زیارات و «رجعت»

اشاره

در بسیاری از زیارت هایی که از ناحیه حضرات معصومین (سلام الله علیهم) رسیده است، اشاره به موضوع «رجعت» شده، که ما در این بخش به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) زیارت آل یاسین:

از جناب محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل است که گفت: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نامه ای، پس از جواب مسائل مختلفی، مرقوم فرمودند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... وقتی که خواستید به وسیله ما متوجه خداوند تبارک و تعالی شوید، چنانکه خدا فرموده است، بگوئید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، ... وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ: ... وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَ أَنَّ

ص: 38

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ج 2، ص 81؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 95، ح 111 و ج 99، ص 111؛ زاد المعاد، ص 302 و ص 542؛ مفاتيح الجنان، دعای عهد.

رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانٍهَا خَيْرًا...» (1)

سلام بر آل یاسین، سلام بر توای دعوت کننده به سوی خدا ... مولای من! شما را گواه می گیرم و شهادت می دهم که شما حجت خدا هستید، اول و آخر، شما ناید، رجعت شما حق و بی تردید است، روزی که هرکس قبلاً ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد، ایمانش سودی نبخشد. ...

(ب) زیارت جامعۀ کبیره:

از جناب موسی بن عبد الله نخعی نقل است که گفت: حضرت امام علی الهادی (سلام الله علیه)، در سه قسمت از زیارت جامعۀ کبیره، اشاره به رجعت ائمه اطهار (سلام الله علیهم) نموده اند:

یکی در این قسمت زیارت که می خوانیم:

«... عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِبَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ...»

من به حق شما عارف هستم، و به فضل و برتری شما اقرار دارم و قبول دارم، و علوم شما را حق می دانم، و خود را در امان شما در آورده، دخیل شما شده ام، و به حقیقت شما اعتراف می کنم، و به بازگشت شما معتقدم،

ص: 39

1- _ الإحتجاج (للطبرسی)، ج 2، ص 494؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 83؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 351، ح 94؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 171، ح 5.

و ایمان دارم، و تصدیق کننده رجعت شما هستم، و منتظر امر شما هستم، و انتظار زمان تشکیل دولت شما را می کشم.

و در فرازی دیگر از این زیارت می خوانیم:

«... وَ نُصَرِّتِي لَكُمْ مُعَدَّةً، حَتَّى يَحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ، وَ يُرِدِّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يَظْهَرَ كُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ...»

و یاریم برای شما آماده است، تا آنکه خدا دینش را به وسیله شما زنده سازد، و شما را در ایام خود بازگرداند، و برای اجرای عدالتش پیروز سازد، و در زمین خودش تسلط و تمکین بخشد.

و در قسمتی دیگر عرضه می داریم:

«... وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ، وَ يَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ، وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ، وَ يَحْشَرُّ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ يَكْرِفِي رَجْعَتِكُمْ، وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَ يَمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ...»⁽¹⁾

و مرا در زمره کسانی قرار ده، که در پی شما گام می سپارند، و به راه شما می روند، و در پرتو هدایت شما راه می جویند، و در جمع شما محشور می شوند، و در رجعت شما برای پیکار بر ضد دشمنانتان باز می گردند، و در دولت شما به حکومت می رسند، و در جوی از سلامت و عافیت شما به شرف و علو مقام نائل می شوند، و در ایام شما عزت و تمکین می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می گردد.

ص: 40

1- بحار الأنوار، ج 99، ص 127، ح 4؛ عیون أخبار الرضا (سلام الله علیه)، ج 2، ص 272، ح 1؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره؛ من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 609، ح 3213.

مرحوم شیخ طوسی (قدس سره) از جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی (رحمة الله علیه)، که سؤمین نایب خاص حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است، روایت کرده که حضرت فرمودند: در ماه رجب، در هر زیارتگاهی از مشاهد مشرفه که بودی، به این زیارت، صاحب آن مزار را زیارت کن، پس چون وارد حرم می شوی بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ ... وَ سَأَقِ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

... وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَصْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ وَ خَفْضِ مُوسِعٍ وَ دَعَا وَ مَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَ دَوَامِ الْأَكْلِ وَ شَرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَ نَهْلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلَ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ ...» (1)

و از خدا می خواهد که باز به سوی شما بازگردد، و تلاش و بازگشت او به سوی شما پایان نپذیرد، و این که با بهترین بازگشت در حضور شما بازگردد، یعنی به سوی آستانه پر نعمت و زندگانی آسوده و گسترده و فراخی و آرامش تا به هنگام سرآمد عمر و بهترین بازگشت و جایگاه در نعمت فراوان ازلی و زندگانی نو و خوراکی های پیوسته و نوشیدن شراب و نوشیدنی های گوارا و نوشیدن های پی در پی که از آن خسته و دلتنگ نگردم و رحمت، برکات و

ص: 41

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 236؛ بحار الأنوار، ج 99، ص 195؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 821؛ مفاتيح الجنان، زیارت رجبیه.

درودهای خدا بر شما، تا هنگام بازگشت به حضور شما و کامیاب گردیدن به حضور در رجعت شما، و زنده شدن جزو گروه شما.

(د) زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

پس از زیارت امامین عسکریین (سلام الله علیهما)، نزد سرداب غیبت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برو، و کنار درب بایست، و درها را با دست خود بگیر، و صدا را در سینه رفت و برگشت بده، همانند کسی که اجازه وارد شدن می خواهد، و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگو، و به آرامی، و با حضور قلب پایین برو، و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ ... وَسَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلِيقَتِكَ رَغْمًا، فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتِزًّا كَفَنِي، حَتَّى أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصِّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: «كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ».

اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَشَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ، وَصَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرْنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُونِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ ...» (1).

خدایا! چنانکه دلم را با یادش آباد کردی، پس اسلحه ام را در جهت یاری اش

ص: 42

آماده گردان، و اگر مرگ، که بر بندگان حتم نمودی، و با آن بر آفریده هایت علی رغم آنان، قدرت نمایی کردی، بین من و دیدارش فاصله انداخت، پس مرا به هنگام ظهورش برانگیز، تا از قبرم سر برآورم، در حالی که کفن پوشیده ام، در پیش رویش به جهاد برخیزم، در صفی که در قرأت، بر اهل آن ستایش نمودی، و فرمودی: «گویی آنان بنای استوارند».

خدایا! انتظار ما طولانی شد، و ناپاکان ما را شماتت کردند، و به دست آوردن پیروزی بر ما سخت گشت.

خدایا! جمال بامیمنت ولیّ ات را، در حیاطمان، و پس از مرگ، به ما بنمایان، خدایا! من در پیشگاه صاحب این بارگاه، برای توبه رجعت ایمان دارم.

ه) زیارت ائمه اطهار (سلام الله علیهم) از راه دور:

مرحوم شیخ طوسی (قدس سرّه) در کتاب «مصباح» در اعمال روز جمعه، از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: هر که بخوهد از راه دور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت زهراء (سلام الله علیها) و یا یکی از ائمه اطهار (سلام الله علیهم) را زیارت کند، غسل کند ... و بگوید:

«...إِنِّي مِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً، وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...» (1).

من از کسانی هستم که اعتقاد به فضل شما دارم، رجعت شما را اقرار می کنم، و این قدرت را از خداوند انکار نمی نمایم، و به چیزی جز آنچه

ص: 43

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 301؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 189، ح 12؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج 1، ص 288؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 579.

خداوند می خواهد عقیده ندارم.

(و زیارت اربعین امام حسین (سلام الله علیه):

مرحوم شیخ طوسی (قدس سرّه) در کتاب «تهذیب» و «مصباح»، در زیارت اربعین امام حسین (سلام الله علیه) از صفوان بن مهران نقل می کند که حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: در زیارت اربعین بگو:

«... وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ...» (1).

و شهادت می دهم که من به شما ایمان دارم، و به بازگشتتان، و احکام دینم، و سرانجام کارم یقین دارم، در هر امر پیرو شما هستم، و نیرویم برای نصرتتان آماده است، تا وقتی که خدا به شما رخصت خروج دهد، پس من با شما میم، با شما، نه با دشمنان شما.

7- زیبایی های «رجعت»

وقتی انسان به آیات قرآن کریم و تفاسیر آن ها و روایاتی که از ناحیه ائمه اطهار (سلام الله علیهم) به ما رسیده است، به دقت می نگرد، می بیند در زمان «رجعت» زندگی چه قدر زیبا خواهد شد.

تصور کنید، زندگی در زمان «رجعت» در کنار شخصیت هایی مثل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (سلام الله علیهم)، که زنده می شوند و حضور دارند، چه قدر لذت بخش و

ص: 44

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 317؛ بحار الأنوار، ج 98، ص 331، ح 2؛ تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج 6، ص 113؛ مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 788.

حتّی وقتی انسان فکر ملاقات با بعضی از اصحاب پیامبر اکرم و امیر مؤمنان (سلام الله علیهما)، مثل جناب سلمان، را می کند، و یا دیدن شهدای کربلا، مثل حضرت علی اکبر و حضرت قاسم (سلام الله علیهما)، از جوانان، و جناب حبیب بن مظاهر، از پیرمردان را، به بخشی از زیبایی های رجعت پی می برد.

پس «رجعت» نقطه امید ی است، برای هر شیعه معتقد، و منتظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، که اگر هم در طول عمرش توفیق دیدن مولایش حضرت صاحب الزّمان (سلام الله علیه) را پیدا نکند، با امید به آینده، هیچ گاه خودش را در مقابل حوادث ناگوار زندگی نمی بازد، و با خواندن ادعیه مخصوص، از خداوند متعال می خواهد، که او را جزو رجعت کنندگان در زمان ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، قرار دهد.

8_ اقوال علماء در باره «رجعت»

اجماع علمای شیعه، احادیث رجعت را متواتر دانسته اند از جمله:

الف) مرحوم علامه شیخ صدوق (قدّس سرّه) می فرماید:

وقد صحَّحَ أَنَّ الرَّجْعَةَ كَانَتْ فِي الْأَمَمِ السَّالِفَةِ، وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ مَا يَكُونُ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ، حَذَوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقَذَّةُ بِالْقَذَّةِ».

فیجب علی هذا الأصل أن تكون فی هذه الأمة رجعة. (1)

قول صحیح آن است که رجعت در میان امت های پیشین بود است، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر آنچه در بین امت های پیشین اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد»، بنا بر این بر این اساس، واجب است که

ص: 45

در این اَمّت نیز «رجعت» باشد.

مرحوم شیخ صدوق (قَدّس سرّه) در قسمتی دیگر از کتاب اعتقادات می فرماید:

إِعْتِقَادُنَا فِي الرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ. (1)

عقیده ما، درباره رجعت این است که این رویداد قطعاً به وقوع می پیوندد.

ب) مرحوم علامه شیخ مفید (قَدّس سرّه) می فرماید:

«فَقَالَ: وَقَدْ قَالَتِ الْإِمَامِيَّةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْجِزُ الْوَعْدَ بِالنَّصْرِ لِلْأَوْلِيَاءِ قَبْلَ الْآخِرَةِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ وَالْكَرَّةِ الَّتِي وَعَدَ بِهَا الْمُؤْمِنِينَ فِي الْعَاقِبَةِ». (2)

«امامیه ها معتقدند که خداوند تعالی با نصرت دوستان خود، پیش از آخرت هنگام قیام حضرت قائم (سلام الله علیه)، و در آن رجعتی که راجع به آخر کار به مؤمنین وعده داده، به وعده خویش وفا می کند».

ج) مرحوم علامه سیّد مرتضی (قَدّس سرّه)، از علمای بزرگ شیعه، می فرماید:

«إِنَّ الَّذِي تَذْهَبُ الشَّيْعَةُ الْإِمَامِيَّةُ إِلَيْهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعِيدُ عِنْدَ ظُهُورِ إِمَامِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ (سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَوْمًا مَمَّنْ كَانَ قَدْ تَقَدَّمَ مَوْتُهُ مِنْ شَيْعَتِهِ لِيَفُوزُوا بِثَوَابِ نَصْرَتِهِ وَمَعُونَتِهِ وَمُشَاهَدَةِ دَوْلَتِهِ، وَيَعِيدُ أَيْضًا قَوْمًا مِنْ أَعْدَائِهِ لِيَنْتَقِمَ مِنْهُمْ فَيُلْتَدُّوا بِمَا يَشَاهِدُونَ مِنْ ظُهُورِ الْحَقِّ وَعَلَوْ كَلِمَةِ أَهْلِهِ، وَالدَّلَالَةُ عَلَى صِحَّةِ هَذَا الْمَذْهَبِ أَنَّ الَّذِي ذَهَبُوا إِلَيْهِ مِمَّا لَا شَبْهَةَ عَلَى عَاقِلٍ فِي أَنَّهُ مُقَدَّرٌ لِلَّهِ تَعَالَى غَيْرُ مُسْتَحِيلٍ فِي نَفْسِهِ، فَإِنَّا نَرَى كَثِيرًا مِنْ مُخَالَفِينَا يَنْكُرُونَ الرَّجْعَةَ إِنْكَارَ مَنْ يَرَاهَا مُسْتَحِيلَةً غَيْرَ مُقَدَّرَةٍ، وَإِذَا ثَبَتَ جَوَازُ الرَّجْعَةِ وَدُخُولُهَا تَحْتَ الْمُقَدَّرِ

ص: 46

1- _ اعتقادات الإمامية (للصدوق)، باب 18، ص 60؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 128.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 46؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 130؛ الفصول المختارة، ص 153.

فالطريق الى إثباتها إجماع الإمامية على وقوعها فإنهم لا يختلفون في ذلك،

وإجماعهم قد بينا في مواضع من كتبنا أنه حجة لدخول قول الإمام (سلام الله عليه) فيه، انتهى» (1).

خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه)، گروهی از کسانی که قبلاً از دنیا رفته اند به این جهان باز می گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، و نیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا از آن ها انتقام گیرد، دلیل بر صحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که این، امر محالی نیست، در حالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن را محال و غیر ممکن می شمردند، دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن ها با این عقیده مخالفت نکرده است.

(د) مرحوم شیخ حرّ عاملی (قدس سرّه) ضمن بیان بیش از ششصد آیه و حدیث در این موضوع، می گوید:

«... ولا ريب في بلوغ الاحاديث المذكورة حد التواتر المعنوي بدليل ايجابها لليقين، لكل من خلا قلبه من شبهة أو تقليد...» (2).

هیچ شکی نیست که این احادیث به تواتر معنوی رسیده است، زیرا برای کسی که قلبش از شبهه و تقلید پاک باشد، موجب یقین و قطع می شود.

ص: 47

1- _ سفينة البحار، ج 3، ص 315، (مادة رجع).

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 33.

«... وقوة أحاديث الرجعة و ادلتها كما رأيت، فأنها وصلت الى حد التواتر، بل تجاوزت بمراتب، فأوجب القطع و اليقين بل كل حديث منها موجب لذلك لكثرة القرائن القطعية من موافقة القرآن و الادلة و السنة النبوية...» (1)

و احاديث و ادلّة رجعت، چنانکه معلوم شد، در کمال قوت بلکه بحد تواتر یا به درجاتی بالاتر از تواتر است، از این جهت موجب قطع و یقین است، بلکه می توان گفت هریک از این احادیث به لحاظ شواهد قطعی زیادی که دارد موجب یقین است، زیرا با قرآن و ادله و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) موافق است.

ه) مرحوم علامه مجلسی (قدس سرّه) بعد از نقل احادیث رجعت می فرماید:

«اجمعت الشيعة عليها في جميع الأعصار و اشتهرت بينهم كالشمس في رابعة النهار الى قوله: و كيف يشك مؤمن بحقية الأئمة الأطهار (سلام الله عليهم) فيما تواتر عنهم في قريب من مائتي حديث صريح رواها نيف و اربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام في ازید من خمسين من مؤلفاتهم ك: ثقة الأسلام الكليني، و الصدوق محمد بن بابويه، و الشيخ ابي جعفر الطوسي، و السيد المرتضى، و النجاشي، و الكشي، و العياشي، و علي بن ابراهيم، و سليم الهلالي، و الشيخ المفيد، و الكراجكي، و النعماني، و الصفار، و سعد بن عبد الله، و ابن قولويه، و علي بن عبد الحميد، و السيد علي بن طاووس (قدس سرّهم)، و...»

ص: 48

شیعه در تمام اعصار معتقد به رجعت بوده و این اعتقاد در میان آنان مسأله ای روشنی است. سپس می افزاید:

چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار اهل بیت (سلام الله علیهم) ایمان داشته باشد و احادیث متواتر رجعت را نپذیرد؟

بیش از چهل نفر از علمای بزرگ شیعه، به طور متواتر، نزدیک دویست روایت را در بیش از پنجاه کتاب خود راجع به رجعت نقل کرده اند، که مرحوم کلینی، صدوق، طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشّی، عیاشی، قمی، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراچکی، نعمانی، صفّار، سعد بن عبد الله، ابن قولویه، علی بن عبد الحمید و سید بن طاووس (قدّس سرّهم)، در زمره آن ها هستند.

سپس می گوید:

«و اذا لم یکن مثل هذا متواتراً ففی ای شیء یمکن دعوی التواتر مع ما روتہ کافة الشیعة خلفاً عن سلف؟!» (1)

اگر چنین مسئله ای متواتر قلمداد نشود، دیگر در چه مسأله ای می توان ادّعی تواتر نمود، با آن که مسأله رجعت را تمام علمای شیعه در طول تاریخ از یکدیگر نقل نموده اند.

9- کتابنامه رجعت

چون مسئله «رجعت» یکی از اعتقادات ویژه شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بوده، عالمای شیعه، کتاب های فراوانی پیرامون این موضوع تألیف نموده اند، و ما در اینجا به تعدادی از این عناوین، که مستقلاً در موضوع «رجعت»

ص: 49

تألیف شده است، به ترتیب حروف تهجی، اشاره می‌نمائیم:

1. «آیات الحجّة و الرجعة»، تألیف: شیخ محمدعلی حائری همدانی، متوفای 1378 ق.

2. «آیات الرجعة»، تألیف: حاج میرزا محسن عماد، مشهور به خوشنویس و متخلص به «اردبیلی» که در سال 1357 ق، در تهران به چاپ رسیده است.

3. «الآیات المأولة بالحجة و الرجعة»، تألیف: شیخ محمد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی (معروف به سنقری)، متوفای 1378 ق، این اثر کتاب مفصّلی است درباره امام زمان (سلام الله علیه) و قیام آن حضرت و رجعت، با استفاده از آیات و روایات و کتب شیعی و سنی، و مرحوم حاج سید محمد حسینی یزدی فیروزآبادی، تقریظی را بر آن نگاشته است.

4. «اثبات الرجعة»، تألیف: محدث متبحر و جلیل القدر مرحوم علامه محمد باقر مجلسی (قدس سرّه)، متوفای سال 1110 ق، شیخ حرّ عاملی و محدث نوری، از این کتاب به نام «رسالة فی الرجعة» نام برده اند.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی و مرحوم محدث نوری از آن به «رسالة فی الرجعة» تعبیر کرده اند، ولی صاحب «الذریعة» از آن به «اثبات الرجعة» یاد نموده است. مصحح بحار الانوار در شرح حال مرحوم علامه مجلسی (قدس سرّه) می‌نویسد: «این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده است»، در حالی که این کتاب در سال 1078 ق، تألیف شده و در سال 1260 ق، در هندوستان به چاپ رسیده است، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذر بیدار در 144 صفحه و زیری، تحت عنوان «رجعت» در تهران انتشار یافته است.

5. «اثبات الرجعة»، تألیف: مرحوم علامه بزرگوار آقا جمال خوانساری، متوفای

6. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ حسن بن سلیمان بن محمد حلّی، صاحب کتاب «مختصر بصائر الدرجات» که از شاگردان شهید اول و از محدّثین عالی قدر شیعه در قرن هشتم هجری بوده است.

7. «اثبات الرجعة»، تألیف: آیه الله علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، مشهور به علامه حلّی، از علمای قرن هشتم، متوفای سال 726 ق.

8. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبد العالی، مشهور به محقق کرکی، متوفای سال 940 ق، از علمای نامی شیعه امامیه.

9. «اثبات الرجعة»، تألیف: میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی تستری، مفتی لکهنو، متوفای 1306 ق.

10. «اثبات الرجعة»، تألیف: ملا سلطان محمود بن غلام علی طبسی، از محدّثین عالی قدر قرن 11 ق، و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی (قدس سرّه).

11. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ شرف الدین یحیی بحرانی، شاگرد محقق کرکی و نایب او در یزد، و صاحب کتاب «اسامی المشایخ فی ذکر علماء الشيعة».

12. «اثبات الرجعة»، تألیف: میرزا حسن بن ملا عبد الرزاق لاهیجی قمی، مؤلف کتاب «شمع الیقین»، که آن را به فارسی نوشته است.

13. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی، متوفای 1405 ق، که در سال 1354 ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است.

14. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار قطیفی، متوفای 1266 ق.

15. «اثبات الرجعه»، تألیف: حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، متوفای 1390 ق، که

در سال 1363 ق، در تبریز چاپ شده است.

16. «اثبات الرجعة»، تألیف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن 3 هجری، متوفای سال 260 ق، و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی (سلام الله علیهما)، بوده و 180 جلد کتاب پر ارج از خود به یادگار گذاشته، که سه جلد آن ها مربوط به رجعت است، ولی متأسفانه از کتاب «اثبات الرجعة» ایشان، تنها گزیده آن به نام «منتخب اثبات الرجعة» موجود است.

17. «اثبات الرجعة»، تألیف: علی آل محسن، چاپ اول، تهران، مشعر، 103 صفحه، جیبی، 1429 ق.

18. «احادیث الرجعة»، تألیف: آیت الله سید حسن صدر، متوفای 1354 ق.

19. «احیاء السنّة و اامة البدعة»، در اثبات رجعت، تألیف: سید دلدار علی نصر آبادی نقوی، متوفای 1235 ق، که در هندوستان به چاپ رسیده است.

20. «ارشاد الجهله المصّرین علی انکار الغیبة و الرجعة» منسوب به مرحوم ملا محمد هاشم هروی خراسانی، از علماء و محدثین قرن 12 هجری، عربی.

21. «الامامیة و الرجعة»، تألیف: میرزا عبد الله رزاق همدانی، متوفای 1291 ق، ردیه بر کتاب «اسلام و رجعت» نوشته یکی از شاگردان شریعت سنگلجی، به نام فرید تنکابنی.

22. «انیس المحجّة فی کیفیة الرجعة»، تألیف: مرحوم آیت الله میرزا محمد باقر بن شیخ حسین علی فقیه ایمانی اصفهانی، متوفای 1370 ق.

23. «ایقاظ الامّة من الضّجّة فی اثبات الرجعة»، تألیف: سید محمد مهدی بن محمد موسوی خوانساری کاظمی، متوفای 1391 ق، چاپ اول 1366 ق، در بغداد.

24. «الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة»، تألیف: مرحوم علامه الشیخ محمد بن

- الحسن الحرّ العاملي، صاحب «وسائل الشّیعه»، از علمای قرن 11 قمری، عربی، چاپ اوّل 1381ق، قم، علمیّه، 432ص، وزیری، ترجمه به فارسی: احمد جنّتی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اوّل 1362 شمسی، تهران، نوید، وزیری.
25. «الایمان و الرّجعة»، تألیف: شیخ محمّد علی بن محمّد جواد شاه آبادی، (1253-1328 ش)، چاپ اوّل 1368 ق، سنگی، تهران، 192 ص، رقعی، به همراه «الانسان و الفطرة»، عربی.
26. «ایمان به رجعت اهل بیت (سلام الله علیهم)»، یا صفیر ولایت، شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف: آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی، تهران، 85، پالتویی، 18ص، فارسی/عربی.
27. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید جلال الدین حسینی ارموی، معروف به محدّث ارموی، متوفّای 1399 هجری، 4 جلد، خطی، نسخه کتابخانه فرزند مؤلّف در تهران، فارسی.
28. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید احمد شبیری زنجان، معروف به آقا سید احمد زنجان، متوفّای 1393 هجری، که در سال 1359 هجری تألیف کرده و یاوه گویی های عبدالوهاب فرید تنکابنی را پاسخ گفته است.
29. «بازگشت: نگاهی به مبحث رجعت»، تألیف: سیّد مجتبی حسینی، تهران، 1382ش، رقعی، 188ص، فارسی.
30. «بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، تحلیل و بررسی مسئله رجعت»، تألیف: خدامراد سلیمیان، قم، 84 ش، رقعی، 264ص، فارسی.
31. «بازگشت شهید در رجعت»، محمّد جواد خراسانی (متوفّای 1397ق)، متن پیاده شده از سخنرانی وی، فارسی.

32. «بحث حول الرجعة»، تأليف: سيد محمد صدر، چاپ اول 1414 ق، بيروت، دار الاضواء، 36 ص، جیبی، عربی.

33. «برهان الشيعة في اثبات الرجعة»، تأليف: سيد محمد علي بن شرف الدين سنقری، چاپ اول 1369 ق، 165 ص، در ردّ «كشف الحق»، محمد بن جعفر گلپایگانی سنقری.

34. «برهان الشيعة في اثبات الرجعة»، تأليف: شيخ عباس علي شاهرودی، چاپ اول 1354 ق، سنگی، تهران، 56 ص، جیبی، اثبات امکان رجعت، وقوع آن در امت های پیشین، بررسی سند روایات رجعت و دفع شبهات، فارسی.

35. «بشارت الرجعة یا بازگشت مردگان به دنیا»، تأليف: سيد هبة الله بهشتی لاری، چاپ اول 1354 شمسی، تهران، انتشارات گلی، 176 ص، وزیری، فارسی، مؤلف در این کتاب به اثبات رجعت به وسیله علوم طبیعی و روان شناسی پرداخته است.

36. «بشارة الفرج»، تأليف: ملا محمد بن عاشور کرمانشاهی تهرانی، معاصر فتحعلی شاه قاجار، صاحب کتاب «اعتذار الفقير»، متوفای 1250 هجری.

37. «بعث الاموات قبل ظهور الحجة»، تأليف: شيخ محمد باقر بهاری همدانی (متوفای 1333 ق)، عربی.

38. «بيان الفرقان»، تأليف: شيخ مجتبی قزوینی، متوفای 1387 هجری، چاپ اول 1380 ق، مشهد، انتشارات توس، 320 ص، وزیری، فارسی، که جلد پنجم آن را تحت عنوان «غیبت و رجعت» به مسئله رجعت اختصاص داده، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است.

39. «بیداری امت در اثبات رجعت»، ترجمه کتاب: «ایقاز الامة من الضجعة في اثبات الرجعة»، مترجم: ابوالقاسم سحاب، متوفای 1335 شمسی، چاپ اول

40. «پاسخ نامه ازگلی»، تألیف: سید علی نقی بن محمد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای 1405 ق)، چاپ اول 1353 ق، تهران، کتابخانه ایران، 84 ص، رقعی، فاسی.

توضیح: این کتاب در پاسخ نامه عیسی ازگلی شمیرانی تهرانی، در اثبات رجعت با زبان ساده، و پاسخ اجمالی به انحرافات و شبهات شریعت سنگلجی است.

41. «تحفة الشیعة در اثبات رجعت و ظهور ائمة (سلام الله علیهم)»، تألیف: حسین بن نصر الله ابن صادق الموسوی الحسینی الارومی، (متوفای 1369 ق)، حسین عرب باغی، (1256-1329)، چاپ اول 1335 ق، تبریز، به همراه «التحفة المهدویة»، رحلی؛ چاپ پنجم 1358 ش، قم، وزیری، فارسی.

42. «تحفة اهل الایمان لصاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، تألیف: محمد بن عبد علی بن محمد بن عبد الجبار (ق13)، نسخه کتابخانه وزیری یزد، شماره 806، کتابت 1259 ق، 111 برگ، بحث در آیات و احادیث رجعت، عربی.

43. «تفریح الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة»، تألیف: سید محمود بن فتح الله حسینی کاظمی نجفی، متوفای سال 1085 ق، عربی، نویسنده از معاصرین مرحوم شیخ حرّ عاملی بوده، و مرحوم شیخ در مقدمه کتاب «الایقاظ»، به این کتاب و مؤلف محترم آن اشاره نموده است.

44. «تلازم بین رجعت و ولایت»، مؤلف ناشناخته، نسخه کتابخانه مدرسه آیت الله گلپایگانی، در مجموعه شماره 31، بیان تلازم رجعت با ولایت امیر مؤمنان (سلام الله علیه) به سبک عرفانی، فارسی.

45. «تناسخ و مقایسه آن با رجعت»، تألیف: ایرج حافظی (ق14)، پایان نامه کارشناسی

ارشد دانشگاه قم، 1377 ش، استاد راهنما دکتر محمد ذبیحی خیبری، فارسی.

46. «تنبيه الامة في اثبات الرجعة»، تأليف: شيخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی (1282-1363 ش، 1405 ق)، چاپ اول 1345 ق، نجف، چاپخانه الغری، 32 ص، وزیری؛ چاپ دوم 1354 ق، نجف، 48 ص، رقعی، آیات و احادیث رجعت، امکان رجعت، کتابنامه رجعت، ضروری بودن اعتقاد به رجعت، فارسی.

47. «تنبيه الامة في اثبات الرجعة»، تأليف: الشيخ محمد رضا الطبسی الخراسانی النجفی، وفات 1405 ق، قطع وزیری، فارسی، که در سال 1354 ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

48. «جامعة البيان في رجعة صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)»، تأليف: علی بلادی بحرانی (1274-1340 ق)، نسخه کتابخانه شیخ محمد صالح، خواهرزاده مؤلف در قطیف، قصیده ای است در چهارصد بیت، عربی.

49. «الجواهر المنصود في اثبات الرجعة الموعود»، تأليف: شيخ احمد بيان اصفهانی از فضلاى معاصر، متولد سال 1314 ق.

50. «جوهر المقصود في اثبات الرجعة الموعود»، تأليف: احمد بن محمد حسن بيان الواعظین اصفهانی (1314-1371 ق)، چاپ اول 1354 ق، تهران، فارسی.

51. «الحجة و الرجعة»، تأليف: محمد بن حسين بن مهدى مهدوى سعيدى لاهیجی (متوفای 1403 ق)، عربی.

52. «حذو التعل بالتعل»، تأليف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن سوم هجری، متوفای سال 260 ق، عربی.

53. «حذو التعل بالتعل»، تأليف: شيخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسين بن موسى بن بابويه قمی، معروف به شيخ صدوق (متوفای 381 ق)، عربی.

توضیح: فضل بن شاذان و شیخ صدوق، عنوان کتابشان را از حدیث معروف رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرفته اند که می فرمایند: آنچه در امت های پیشین واقع شده، موبه مو در این امت نیز واقع خواهد شد. متن حدیث در بخش «رجعت در امت اسلامی» آورده شده است.

54. «حياة الاموات بعد الموت»، تألیف: شیخ احمد بن ابراهیم بحرانی، متوفای سال 1131 هجری، که پسرش در «لؤلؤ البحرين» از آن یاد کرده است.

55. «حیات الاموات»، تألیف: آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین خوانساری (متوفای 1125ق)، فارسی.

توضیح: این اثر در سال 1106 قمری، برای شاه سلطان حسین صفوی، درباره رجعت و بازگشت ائمه اطهار (سلام الله علیهم) و گروهی از مؤمنان در عصر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تألیف شده است.

56. «دحض البدعة من انکار الرجعة»، تألیف: شیخ محمد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی (معروف به سنقری)، متوفای 1378ق، چاپ اول 1354ق، نجف، 64ص، وزیری، عربی.

توضیح: در این اثر مباحثی پیرامون اصل امامت و اثبات دوازده نفر بودن آنان و نصوص مربوط به امام منتظر (سلام الله علیه) و مسئله رجعت مطرح شده، و با استفاده از روایات و اقوال علمای شیعه و سنی ضروری بودن رجعت را نزد شیعه به اثبات رسانده است، و در پایان کتاب نامه ای از کتب شیعه و سنی در این باره ارائه داده است.

57. «دعائم الدین و کشف الریبة فی اثبات الکرة والرجعة»، تألیف: شیخ محمد محسن بن عنایت الله مشهدی (قرن 12)، عربی.

58. «دلائل الرجعة، یا ایمان و رجعت»، این کتاب به نام میرزا غلامعلی عقیقی کرمانشاهی، منتشر شده، لکن به گفته صاحب «الذریعة» مؤلف حقیقی آن، آقای شیخ حسن علامی کرمانشاهی (1305-1394 ق)، فاضل معاصر است، چاپ اول 1323 ش، کرمانشاه، شرکت سعادت، 139 صفحه، فارسی، رقعی، که نام خود را مستور داشته، و ردیه ای است بر کتاب «اسلام و رجعت»، که و به تفاوت رجعت و تناسخ می پردازد.

59. «الدین و الرجعة»، تألیف: محمد حسن تبریزی، در رد کتاب «اسلام و رجعت» اثر شریعت سنگلجی، در زمینه اسناد احادیث رجعت، عربی.

60. «الرجعة»، تألیف: ابی نصر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، صاحب کتاب تفسیر معروف عیاشی، و از بزرگان شیعه در قرن 3 هجری، و از معاصرین ثقة الاسلام شیخ کلینی (قدس سره) بوده است.

61. «الرجعة»، تألیف: رئیس المحدثین، محمد بن علی بن بابویه، مشتهر به «شیخ صدوق (قدس سره)» متوفای سال 381، و صاحب تألیفات کثیره.

62. «الرجعة»، تألیف: حمد بن صالح بن طوق قطیفی، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی، رساله دوازدهم از مجموعه شماره 2358، به خط مؤلف، عربی.

63. «الرجعة»، تألیف: ابو یحیی احمد بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، (قرن سوم) از مستبصرین و اصحاب امام هادی (سلام الله علیه)، عربی.

توضیح: ابو یحیی احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی، از عالمان بلند مرتبه تشیع در قرن سوم هجری است. او در گذشته از عالمان اهل سنت بود و سپس به مذهب اهل بیت (سلام الله علیهم) گروید. وی در عصر امام هادی (سلام الله علیه) می زیسته و کتاب هایی در دفاع از مکتب تشیع نوشته است. شیخ طوسی در رجال خود،

وی را در شمار یاران امام هادی (سلام الله علیه) ذکر کرده است. محمد بن طاهر خزاعی، والی خراسان دستور داد او را، به خاطر ردّ یک حدیث که به دروغ در مورد خلیفه دوّم گفته شده بود، هزار ضربه شلاق بزنند، و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آن گاه به دار آویزند!

64. «رجعت»، تألیف: ابراهیم ابراهیمی، قم، 1381 ش، قطع پالتوئی، ص 72، فارسی.

65. «رجعت»، نویسنده: علامه محمد باقر مجلسی (قدس سرّه)، تحقیق: ابوذر بیدار، تهران، 84 ص، وزیری، 144 ص، فارسی.

66. «رجعت» تألیف: سید ابو الحسن رفیعی حکمی قزوینی (متوفای 1395 ق)، چاپ اوّل 1353، تهران، کتابفروشی اسلام، 38 ص، جیبی، فارسی، در سال 1369 قمری، با عنوان «رجعت و معراج»، به ضمیمه هفت مقاله دیگر، و در سال 1389 قمری، با عنوان «رجعت پس از ظهور»، چاپ سوّم 1397 قمری، تهران، کتابفروشی اسلام، 50 ص، رقعی.

67. «الرجعة»، تألیف: عبد الکریم بهبهانی، چاپ اوّل، قم، مجمع جهانی اهل بیت (سلام الله علیهم)، 25 صفحه، رقعی، 1422 ق.

68. «رجعت»، تألیف: محمد باقر بهبودی، چاپ اوّل 1357 ش، تهران، معراجی، نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، 38 ص، فارسی.

69. «رجعت»، تألیف: سلیمان بن محمد گیلانی تنکابنی، قرن 12، نگارش در سال 1089 قمری، عربی.

70. «رجعت از دیدگاه اسلام و ادیان»، تألیف: استاد علی اکبر مهدی پور، چاپ اوّل، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، 28 صفحه، وزیری، 1379 ش.

71. «رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث»، تألیف: حسن طارمی، چاپ اوّل

1365 ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 79 ص، رقعی، زیر نظر جعفر سبحانی، فارسی.

72. «رجعت از دیدگاه قرآن کریم و عترت (سلام الله علیهم)» حمید کردنژاد، 1341 ش، چاپ اول 1377 ش، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی سیمیا، 121 ص.

73. «رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته شیعی و رابطه آن با تناسخ»، تألیف: اصغر بهمنی، 85 ش، 336 ص، فارسی.

74. «رجعت از نظر شیعه»، تألیف: شیخ نجم الدین طوسی، چاپ اول 1359 ش، 1400 ق، قم، ناشر مؤلف، 142 ص، جیبی، فارسی.

75. «رجعت از نگاه عقل و دین»، تألیف: غلام رضا مغیثی، چاپ اول 1380 ش، قم، 96 ص، فارسی.

76. «الرجعة بین العقل والقرآن»، تألیف: حسن طارمی، تعریب: عبد الکریم محمود، چاپ اول 1407 ق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 35 ص، رقعی.

77. «رجعت، بازگشت بزرگ در هنگام ظهور»، تألیف: حسین شهمیری، نسرین دمیچی، تهران، 86 ش، رقعی، 238 ص، فارسی.

78. «الرجعة بین الظهور و المعاد»، تألیف: شیخ محمد سند، چاپ اول، قم، دار زین العابدین، 2 جلد در یک مجلد، 544 صفحه، وزیری، 1393 ش، چاپ دوم، اصفهان، بهار قلوب، 2 جلد، 766 صفحه، وزیری، 1393 ش.

79. «رجعت، حکومت خاندان رسالت»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، ترجمه به اردو: حافظ اقبال حسین جاوید، چاپ لاهور، انتشارات ولی عصر، 272 ص، رقعی، 1409 ق.

80. «رجعت در آثار علامه مجلسی (قدس سره)»، تألیف: نعمت الله صفری فروشانی، جلد

دوم یادنامه علامه مجلسی (قدس سرّه)، به اهتمام مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول 1379ش، فارسی.

81. «رجعت در دولت کریمه اهل بیت (سلام الله علیهم)»، برگرفته از کتاب «حق الیقین» علامه محمد باقر مجلسی (قدس سرّه)، متوفای 1110ق، به کوشش: مرتضی جنتیان، چاپ اول، اصفهان، کانون پژوهش، 100صفحه، وزیری، 1379ش.

82. «الرجعة عند آل محمد»، تألیف: شیخ اسماعیل حریری، چاپ اول، بیروت، دار الولا، 192صفحه، وزیری، 1424ق.

83. «الرجعة، العودة الى الحياة الدنيا بعد الموت»، بی نا، بی تا، چاپ قم، مرکز الرسالة، 107صفحه، رقعی.

84. «الرجعة فی مصادر الفریقین»، تألیف: نجم الدین طبسی، چاپ اول، بیروت، دار الولا، 48صفحه، رقعی، 1427ق.

85. «الرجعة و احادیثها»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل، ابن محمد ازدی نیشابوری (متوفای 260ق) نسخه کتابخانه میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی، عربی.

توضیح: در این کتاب به ذکر روایات رجعت و ظهور و احوال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته و تا قرن 11 وجود داشته، و سید محمد بن محمد میرلوحی حسینی موسوی سبزواری اصفهانی (1085ق) «کفایة المهتدی فی احوال المهتدی (سلام الله علیه)» را در ترجمه، تفسیر و شرح چهل حدیث از این کتاب، نگاشته است.

86. «الرجعة و احادیثها المنقولة عن آل العصمة»، تألیف: سید احمد بن محسن، از احفاد میر احمد بن موسی الکاظم (سلام الله علیه)، از علماء قرن 13 هجری، عربی.

87. «الرجعة و الرد علی اهل البدعة»، تألیف: حسن بن سلیمان بن خالد حلّی

(قرن هشتم)، نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره 2081، عربی.

88. «الرجعة و الظهور»، تألیف: محمد طیب زاده، چاپ اول 1377 ق، اصفهان، عربی.

89. «الرجعة و ظهور الحجة»، تألیف: سید میرزا محمد مؤمن دوست محمد استرآبادی، داماد مرحوم ملا محمد امین استرآبادی، که مقیم مکه معظمه بود و پس از نوشتن این کتاب، در سال 1088 ق، در مکه به شهادت رسید.

90. «رجعت، یا بازگشت به جهان»، تألیف: محمد رضا ضمیری، چاپ اول 1378 ش، رقعی، 80 ص، تهران، فارسی.

91. «رجعت یا بازگشت به دنیا پس از مرگ»، تألیف: محمد حسین فصیحی، چاپ اول، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، 26 صفحه، وزیری، 1379 ش.

92. «رجعت، یا جامعه شناسی نجات»، تألیف: رجب خادریان قزوینی، قزوین، 1379 ش، رقعی، 180 ص، فارسی.

93. «رجعت، یا حیات دوباره، از دیدگاه عقل، قرآن و روایات»، تألیف: احمد علی طاهری ورسی، قم، 86 ش، وزیری، 232 ص، فارسی.

94. «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، چاپ اول 1365 ش 1406 ق، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ، 228 ص، وزیری، با مقدمه و ویرایش استاد علی اکبر مهدی پور، فارسی.

95. «رسالة فی اثبات الرجعة»، تألیف: محمد علی ربانی خوراسگانی، چاپ اول 1381 ق، نجف، 805 ص، وزیری، به همراه «الهام ربانی» و چهار رساله دیگر، عربی.

96. «رسالة فی اثبات الرجعة»، تألیف: ملا محمد بن هاشم سرابی تبریزی از علمای معاصر، این کتاب در سه جزء به طبع رسیده است.

97. «رسالة في الرجعة»، مؤلف: ناشناخته، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره 9736، کتابت 1280ق، عربی.

98. «رسالة في بقاء النفس ورجعتها بعد موت الجسد»، تأليف: احمد بن ابراهيم درازی بحرانی (متوفای 1131 ق)، عربی.

99. «رسالة في قتال اهل القبلة و انكار الرجعة»، تأليف: عبد العزيز بن يحيى بن احمد بن عيسى جلودي، عربی.

100. «رساله ای در بیان رجعت ائمه (سلام الله عليهم)»، تأليف: حبيب الله شريف بن علي مدد کاشانی ساوجی (1262-1340 ق)، چاپ اول 1329 ش، به همراه «خواص الاسماء في شرح الاسماء و اسرار الحسينية»، و چاپ 1368 ق، وزیری، ترجمه به فارسی به کوشش احمد شريف زاده کاشانی.

101. «رهبر گمشدگان في اثبات الرجعة»، تأليف: سيد علي نقی بن محمد سدهی اصفهانی، معروف به فيض الاسلام (متوفای 1405 ق)، چاپ اول 1353، اصفهان، چاپ دوم 1359، اصفهان، 300 ص، فارسی.

102. «ستارگان درخشان»، ترجمه ی: «الشّيعه و الرجعة» به فارسی: سيد محمد مير شاه ولد، ج 1، چاپ دوم 1371 ش، قم، مؤسسه انصاریان، 518 ص، وزیری، ج 2، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ اول 1381 ق، 560 ص، وزیری، ج 2، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ دوم 1376 ش، قم، دار النشر اسلام.

103. «سرّ مخزون در اثبات رجعت»، تأليف: علی صدرايي خويی، تبریز، رقی، 80 ص، فارسی.

104. «سيف الانتقام في حكومة قائم آل محمد (سلام الله عليهم)»، تأليف: ابراهيم بن محمد باقر سخنور، نسخه: کتابخانه مؤلف، 505 ص، عربی.

105. «سیمای رجعت در آئینه قرآن، تأویل و تفسیر آیات رجعت در روایات معصومین (سلام الله علیهم)»، تألیف: علی مشکینی، تهران، 86ش، جیبی، 232ص، فارسی.
106. «الشّاموس المضيئة فی الغیبة و الظّهور و الرّجعة»، تألیف: علی سعادت پور (1305 ش)، چاپ اوّل 1416ق، 1374ش، تهران، پیام آزادی، 240ص، ترجمه به فارسی: محمّد جواد وزیری فرد، با نام: «ظهور نور» پژوهشی نو و مستند پیرامون وقایع دو غیبت امام ظهور و رجعت، چاپ اوّل 1376ش، قم، تشیع، 296ص.
107. «السّیعة و الرّجعة»، تألیف: شیخ محمّد رضا طبسی خراسانی نجفی، مشهور به فاضل طبسی، 1405ق، چاپ اوّل 1374ق، نجف، چاپخانه حیدریّه.
- توضیح: این کتاب تفصیل یافته کتاب «تنبيه الامة فی اثبات الرّجعة» از همین مؤلّف است که در جلد اوّل «اخبار مهدی منتظر» را آورده و در جلد دوّم با ذکر هفتاد آیه و ذکر تواتر احادیث رجعت به «بیان اثبات رجعت» پرداخته است.
108. «شیعه و اعتقاد به رجعت، در قرآن و حدیث»، تألیف: جلیل فلاح تقی، یزد، وزیری، 184ص، فارسی.
109. «ظهور و رجعت در اسلام (اهل سنّت)، مسیحیت، یهودیت و آیین زردشت»، تألیف: علی سعادت پرور، مترجم: محمّد جواد وزیری فرد، دانشیاران ایران، شهر ری، 87ش، وزیری، 264ص، فارسی.
110. «عصر شکوهمند رجعت»، تألیف: محمّد رضا اکبری، تهران، 87ش، رقعی، 304ص، فارسی.
111. «عقیده رجعت»، تألیف: سید محمّد عبادت نقوی، چاپ شده، اردو.
112. «کتاب الرّجعة»، تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، عربی.
113. «کتاب الرّجعة»، تألیف: احمد بن زین الدین احسائی (متوفای 1241 ق)،

چاپ اول 1390 ق، به فرمان محمد علی شاه قاجار، به همراه کتاب «العصمة در کتاب جوامع الحکمه» چاپ 1392 ق، کربلا، 280 ص، وزیری؛ چاپ اول 1993 م، 1414 ق، و در بیروت، الدار العالمیه، 230 ص، وزیری، مصور، افست از روی چاپ 1392 ق، عربی.

114. «کتاب رجعت چهارده حدیث، از ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا رجعت ائمه (سلام الله علیهم)»، تألیف: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (قدس سرّه)، محقق: سید حسن موسوی، 1382 ش، وزیری، فارسی.

115. «الکرة والرجعة فی اثبات الرجعة بالبیان العصری» تألیف: سید محمد صادق بن باقر بن محمد موسوی هندی، چاپ اول، نجف اشرف، با رعایت اختصار به برخی از آیات رجعت پرداخته است، عربی.

116. «کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم»، تألیف: سید محمد جعفر روضاتی، قم، رسالت، وزیری، فارسی/عربی، (کتاب حاضر).

117. «مجالس شب های شنبه» بیانات آیت الله العظمی حاج سید تقی طباطبایی قمی (رحمة الله علیه)، در جلسات شب های شنبه، پیرامون مسئله رجعت (1301 ش)، به قلم عباس حاجیانی رشتی، چاپ اول 1371 ش، 1416 ق، قم.

118. «محاضرات فی الرجعة»، تألیف: سید علی الحسینی الصدر، انتشارات دارالعلوم، بئرالعبد، لبنان.

119. «مختصر اثبات الرجعة»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (متوفای 260 ق)، تلخیص سید بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی (متوفای 790 ق) چاپ اول 1409 ق، قم، مؤسسه آل البيت، وزیری.

120. «مسئله رجعت»، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، به کوشش غلام حسین رضائزاد، چاپ اول 1367 ش، تهران، الزهراء، فارسی.
121. «مسئله رجعت از دید قرآن و سنت و عقل»، تألیف: سید محمد علی موحد ابطحی اصفهانی (متوفای 1381 ش)، چاپ نشده است، فارسی.
122. «مسئله رجعت و ظهور در آیین زردشت»، تألیف: صادق هدایت (1281-1330 ش)، چاپ اول 1944 م، 1323 ش، تهران، چاپخانه فرهنگ، 128 ص، جیبی.
123. «مسئله فی الرجعة»، تألیف: شیخ مفید ابی عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری (متوفای 413 ق)، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی، عربی.
124. «مناهج الوصول فی تفسیر آیات الاصول»، مؤلف ناشناخته، در پایان باب چهارم به صورت مفصل به اثبات رجعت در نزد شیعه پرداخته است، عربی.
125. «مهدی (سلام الله علیه) و مسئله رجعت»، تألیف: سید ابو الحسن مولانا (1303 ش)، چاپ اول 1375 ش، تبریز، نور ولایت، فارسی.
126. «التَّجعة فی اثبات الرَّجعة»، تألیف: سید علی نقی بن ابو الحسن نقوی لکهنوی (1323-1408 ق)، چاپ اول 1354 ق، لکهنو، عربی.
127. «التَّجعة فی الرَّجعة»، تعریب رساله فارسی شیخ محمد رضا طبسی، ترجمه به عربی: سید محسن نواب رضوی لکهنوی (متوفای 1389 ق)، چاپ اول 1355 ق، نجف، چاپخانه الغری، 40 ص، وزیری.
128. ترجمه به اردو: سید علی بن محمد باقر رضوی کشمیری لکهنوی.
129. «نور الابصار فی رجعة اهل بیت النبی المختار»، تألیف: محمد بن عیسی بن محمد علی بن حیدر شروگی (شروقی) مجیراوی نجفی، متوفای 1333 ق، که در سال 1320 ق، به تألیف آن پرداخته است.

130. «نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار (سلام الله علیهم)»، تألیف: علی اصغر بروجردی (1231-1332ق)، چاپ اول 1328ق، تهران، کتابچی، 362ص، وزیری، فارسی.

10_ حمد و سپاس

شکری بی پایان و سپاس فراوان می گویم خداوند تبارک و تعالی را، که به بنده حقیر، توفیق نگارش دومین اثر از مجموعه «کلید واژه ها» را، با موضوع «رجعت» عنایت نمود، تا پس از تألیف «کلید واژه آیات مهدوی در قرآن کریم» که در آن، به معرفی و شرح و تفسیر 240 آیه در موضوع مهدویت پرداختم، آیات مربوط به «رجعت» را در غالب اسم و کُند مشخص همراه با احادیث گهربار ائمه اطهار (سلام الله علیهم)، با عنوان «کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم»، که به معرفی و شرح و تفسیر 80 آیه در موضوع رجعت پرداخته، به رشته تحریر در آورم.

در این کتاب، برای هر آیه، یک اسم و یک کُند مشخص تعریف شده است، که هر کُند، از یک عدد صحیح که معرف شماره سوره در ردیف سوره های قرآن کریم، و یک عدد اعشاری که معرف شماره آیه می باشد، تشکیل شده است.

البته قابل ذکر است که چاپ اول این کتاب، در آذر ماه سال 1386، در چهاردهمین آیین انتخاب کتاب سال خراسان رضوی در موضوع دین، به عنوان کتاب سال، برگزیده گردید.

امید است، جویندگان معارف اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم)، به ویژه جوانان عزیز، به کمک این روش، به آسانی بتوانند با آیات رجعت در قرآن کریم آشنا شده و چراغ راهی برای دیگران گردند.

در اینجا بر خود لازم می دانم، تا از استاد خودم، که همیشه بنده را مورد لطف و

عنایت خویش قرار داده اند، و این بار نیز مقدمهٔ این کتاب را، با قلم محققانه و عالمانهٔ خویش، مزین فرموده اند، کارشناس مباحث امامت و مهدویت، جناب استاد، علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام بقائه، تقدیر و تشکر فراوان نمایم، و از درگاه خداوند متعال، برای ایشان، و همهٔ خدمت گزاران آستان ملک پاسبان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، آرزوی صحت و عافیت و طول عمر با عزت، نمایم.

8 ربیع الثانی 1446 ق

میلاذ حضرت امام حسن عسکری (سلام الله علیه)

قم مقدسه _ سید محمد جعفر روضاتی

ص: 68

کد آیه: 56/2 اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی (سلام الله علیه)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ 56

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم شاید شکر بجا آورید.

1_ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، فَقَالَ لَهُ (لَا بَنَ الْكَوَاءِ) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامُ اللهِ عَلَيْهِ): سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ، قَالَ: نَعَمْ إِنَّ أَنْاسًا مِنْ أَصْحَابِكَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ يَرُدُّونَ بَعْدَ الْمَوْتِ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامُ اللهِ عَلَيْهِ): نَعَمْ تَكَلَّمُ بِمَا سَمِعْتَ وَلَا تَرُدُّ فِي الْكَلَامِ فَمَا قُلْتَ لَهُمْ؟

قَالَ: قُلْتُ: لَا أُوْمِنُ بِشَيْءٍ مِمَّا قُلْتُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامُ اللهِ عَلَيْهِ): وَيْلَكَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ابْتَلَى قَوْمًا بِمَا كَانَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَأَمَاتَهُمْ قَبْلَ آجَالِهِمْ الَّتِي سُمِّيَتْ لَهُمْ ثُمَّ رَدَّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا لِيَسْتَوْفُوا أَزْوَاجَهُمْ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ.

قَالَ: فَكَبَّرَ عَلَى ابْنِ الْكَوَاءِ وَلَمْ يَهْتَدِ لَهُ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامُ اللهِ عَلَيْهِ): وَيْلَكَ! تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ: «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا» (1)، فَأَنْطَلَقَ بِهِمْ مَعَهُ لِيَسَّ هُدُوءًا لَهُ إِذَا رَجَعُوا عِنْدَ الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ رَبِّي قَدْ كَلَّمَنِي فَلَوْ أَنَّهُمْ سَلَّمُوا ذَلِكَ لَهُ وَصَدَّقُوا بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ، وَلَكِنَّهُمْ قَالُوا لِمُوسَى (سَلامُ اللهِ عَلَيْهِ): «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَخَذْنَاكُمْ الصَّاعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»، «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، أَتَرَى يَا ابْنَ الْكَوَاءِ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ رَجَعُوا إِلَى مَنْزِلِهِمْ بَعْدَ مَا مَاتُوا؟

ص: 71

فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ: وَمَا ذَاكَ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ فَكَانَتْهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه): لَا، وَيْلَكَ! أَوْ لَيْسَ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى»، فَهَذَا بَعْدَ الْمَوْتِ إِذْ بَعَثَهُمْ وَأَيْضاً مِثْلُهُمْ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ الْمَلَأُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (1)، وَقَوْلُهُ أَيْضاً فِي عَزِيرٍ حَيْثُ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ» (2)، وَ أَخَذَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ وَرَدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا، «فَقَالَ كَمْ لَيْثٌ فَقَالَ لَيْثٌ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَيْثٌ مِائَةَ عَامٍ» (3)، فَلَا تُشْكَنَ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ فِي قُدْرَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (4)

از اصیغ بن نباته نقل است که گفت: حضرت امیر المؤمنین علی (سلام الله علیه) به ابن کواء فرمودند: از هرچه که می خواهی سؤال کن، ابن کواء گفت: گروهی از یاران شما گمان می کنند که پس از مرگ دوباره زنده می شوند و قبل از برپایی قیامت به دنیا باز می گردند.

حضرت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: بله! شما در مقابل این سخن چه گفتی؟ گفت: هیچ کدام از سخنان آن ها را نپذیرفتم و به آن ها گفتم: به هیچ سخنی از سخنان شما اعتقاد ندارم؛ حضرت علی (سلام الله علیه) فرمودند: وای بر تو! خداوند گروهی را به

ص: 72

1- _ سورة بقره (2)، آیه 243.

2- _ سورة بقره (2)، آیه 259.

3- _ همان.

4- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 72، ح 72؛ مختصر البصائر، ص 102، ح 74؛ نوادر الأخبار، ص 280، ح 2؛ الوافی، ج 2، ص 461، ح 798.

خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند، به گرفتاری هایی مبتلا کرد و قبل از فرا رسیدن اجل و عمر حتمی که بر ایشان معین کرده بود، آن ها را می راند و سپس آن ها را زنده کرد و به دنیا بازگرداند تا از باقی مانده روزی خود استفاده کنند و پس از آن دوباره بمیرند.

چون سخن بر ابن کوّاء گران آمد و آن را نپذیرفت، پس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سخن را ادامه دادند و برای اثبات مطلب فرمودند: وای بر تو! ای ابن کوّاء! می دانی که در قرآن آمده است: «حضرت موسی هفتاد نفر از مردان بنی اسرائیل را برای میقات ما انتخاب کرد...» سپس حضرت موسی (سلام الله علیه) با آن گروه رفت تا هنگام بازگشت به بنی اسرائیل، شهادت دهند که حضرت موسی با خدا سخن گفته است، ولی وقتی آنان این واقعه را مشاهده کردند، باز منکر شدند و به موسی (سلام الله علیه) گفتند: «به تو ایمان نمی آوریم مگر خدا را با چشم بینیم»، در این حال خداوند متعال آن ها را عذاب کرد و همگی را به هلاکت رساند و بعد زنده کرد: «سپس بعد از مرگ شما را زنده کردیم» و همچنین، ای پسر کوّاء! خداوند (عزّ و جلّ) در قرآن داستان گروهی از بنی اسرائیل را ذکر کرده است که به فرمان الهی مردند و دوباره زنده شدند. و داستان عزیر را ذکر کرده است که او صد سال مرد و دوباره زنده شد، پس ای پسر کوّاء! در زنده شدن مردگان بعد از مرگ و بازگشت آن ها به دنیا قبل از برپایی قیامت، تردید مکن، زیرا خداوند (عزّ و جلّ) بر هر چیزی قدرت و توانایی دارد.

2_ فَقَالَ الرَّضَا (سلام الله علیه): إِنَّ كَلِيمَ اللَّهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ (سلام الله علیه) عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعَزُّ أَنْ يُرَى بِالْأَبْصَارِ، وَلَكِنَّهُ لَمَّا كَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَقَرَّبَهُ نَجِيًّا، رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّمَهُ وَقَرَّبَهُ وَ نَاجَاهُ، فَقَالُوا: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ»، حَتَّى نَسْتَمَعَ كَلَامَهُ كَمَا سَمِعْتُ، وَ كَانَ الْقَوْمُ سَبْعِمِائَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ، فَأَخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعِينَ أَلْفًا، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعَةَ أَلْفٍ، ثُمَّ اخْتَارَ

مِنْهُمْ سَبْعِمِائَةٍ ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِ رَبِّهِمْ، فَخَرَجَ بِهِمْ إِلَى طُورِ سَيْنَاءَ، فَأَقَامَهُمْ فِي سَفْحِ الْجَبَلِ، وَصَعِدَ مُوسَى إِلَى الطُّورِ وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَكَلِّمَهُ وَيُسَمِّعَهُمْ كَلَامَهُ، فَكَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَسَمِعُوا كَلَامَهُ مِنْ فَوْقِ وَاسْفَلَ وَيَمِينَ وَشِمَالٍ وَوَرَاءَ وَأَمَامَ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَدُهُ فِي الشَّجَرَةِ، وَجَعَلَهُ مُنْبَعِثًا مِنْهَا، حَتَّى سَمِعُوهُ مِنْ جَمِيعِ الْوُجُوهِ، فَقَالُوا: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ»، بِأَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْنَاهُ كَلَامَ اللَّهِ، حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً، فَلَمَّا قَالُوا: هَذَا الْقَوْلُ الْعَظِيمُ وَاسْتَكْبَرُوا وَعَتَوْا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ صَاعِقَةً فَأَخَذَتْهُمْ بِظُلْمِهِمْ، فَمَاتُوا، فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ! مَا أَقُولُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا رَجَعْتُ إِلَيْهِمْ؟! وَقَالُوا إِنَّكَ ذَهَبْتَ بِهِمْ فَقَتَلْتَهُمْ، لِأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ صَادِقًا فِيمَا ادَّعَيْتَ مِنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ، فَأَحْيَاهُمُ اللَّهُ وَبَعَثَهُمْ مَعَهُ. (الحديث) (1)

حضرت امام علی بن موسی الرضا (سلام الله علیه) فرمودند: حضرت موسی کلیم الله (سلام الله علیه) می دانست که خداوند برتر از این است که با چشم دیده شود، لکن وقتی خداوند با او سخن گفت، و او را به خود نزدیک کرده، با او نجوا کرد، موسی (سلام الله علیه) نزد قوم خود برگشت، و به آنان اطلاع داد که خداوند (عز و جل) با او سخن گفته، و او را به خود نزدیک کرده، و با او نجوا نموده است، در این موقع آنان گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ» (تو را تصدیق نمی کنیم) مگر اینکه، همان طور که تو صدای خدا را شنیدی، ما هم بشنویم، و آن مردم، هفتصد هزار نفر بودند، موسی (سلام الله علیه) از بین آنان هفتاد هزار نفر برگزید، سپس از بینشان، هفت هزار نفر را انتخاب کرد، سپس هفتصد تن و در آخر هفتاد نفر از بنی اسرائیل را برای زمان و موعدی که خدا معین کرده بود، برگزید و آنان را به کوه سینا آورد، و در پائین کوه متوقف نمود، و خود به بالای کوه رفت، و از خداوند تبارک و

ص: 74

1- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج 2، ص 429؛ بحار الأنوار، ج 13، ص 218، ح 11؛ عیون أخبار الرضا (سلام الله علیه)، ج 1، ص 200، باب 15، ح 1.

تعالی خواست که با او سخن بگویند، و سخن خود را به گوش آنان برسانند.

خداوند متعال هم با او سخن گفت و آنان نیز سخن خدا را از بالا و پائین، چپ و راست، پشت سر و روبرو شنیدند، زیرا خداوند آن صدا را در درخت ایجاد نمود، و از آن پراکنده اش کرد، به گونه ای که آنان صدا را از تمام اطراف شنیدند، ولی گفتند: قبول نمی کنیم که آنچه شنیدیم کلام خدا باشد، مگر اینکه آشکارا خدا را ببینیم، و زمانی که چنین سخن بزرگی بر زبان رانند، و تکبر و سرکشی نمودند، خداوند (عزّ و جلّ) صاعقه ای بر آنان فرستاد، و صاعقه آنان را به خاطر ظلمشان از بین برد.

حضرت موسی (سلام الله علیه) به خداوند عرضه داشت: خداوندا! وقتی من نزد بنی اسرائیل برگردم، به آن ها چه جوابی بدهم؟ آن ها می گویند: تو این هفتاد نفر را با خود بردی و آن ها را کشتی، چون دروغ گفته بودی که خدا به نجوا با تو سخن گفته است، من چه جوابی به آنان بدهم؟ لذا، خداوند آنان را زنده کرد و به همراه موسی (سلام الله علیه) فرستاد.

ص: 75

کد آیه: 73/2 اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا * كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ 73

سپس گفتیم: قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید اندیشه کنید!

قَالَ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰهِيمَ فِي نَفْسِهِ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِمْ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خِيَارِ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ وَعُلَمَائِهِمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَأَنْعَمَتْ لَهُ، وَخَطَبَهَا ابْنُ عَمِّ لِدَٰلِكَ الرَّجُلِ وَكَانَ فَاسِدًا قَاسِدًا رَدِيًّا فَلَمْ يُنْعَمُوا لَهُ، فَحَسَدَ ابْنُ عَمِّهِ الَّذِي أَنْعَمُوا لَهُ، فَفَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِيلَةً، ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَىٰ مُوسَىٰ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! هَذَا ابْنُ عَمِّي قَدْ قُتِلَ؛ قَالَ مُوسَىٰ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ قَتَلَهُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي، وَكَانَ الْقَتْلُ فِي بَنِي إِسْرَٰئِيلَ عَظِيمًا جَدًّا، فَعَظُمَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مُوسَىٰ، فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بَنُو إِسْرَٰئِيلَ، فَقَالُوا: مَا تَرَىٰ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! ... فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَبَكَوْا وَضَجُّوا، قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً»، (1) ...

ثُمَّ قَالُوا: مَا تَأْمُرُنَا؟ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَأَوْحَىٰ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيْهِ: قُلْ لَهُمْ: اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا، وَقُولُوا: مَنْ قَتَلَكَ؟ فَآخَذُوا الذَّنْبَ فَضْرَبُوهُ بِهِ، وَقَالُوا: مَنْ قَتَلَكَ؟ يَا فُلَانُ! فَقَالَ: فُلَانُ ابْنُ فُلَانٍ ابْنُ عَمِّي الَّذِي جَاءَ بِهِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ

ص: 76

جناب علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه، از ابن ابی عمیر، از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: یکی از نیکان و علمای بنی اسرائیل زنی را خواستگاری کرد، زن جواب مثبت داد، سپس پسر عموی آن مرد که مرد فاسق و نالایقی بود خواستگاری کرد، وی را رد کردند، لذا بر پسر عموی خویش حسد برد، و در کمیش نشست تا بی خبر او را کشت، و جنازه را نزد حضرت موسی (علیه السلام) آورده گفت: پسر عموی مرا کشته اند؟

حضرت موسی (سلام الله علیه) فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم، در بنی اسرائیل هم قتل جرم بزرگی بشمار می رفت، بستگانش گردآمده شروع به گریه و شیون کردند.

حضرت موسی (سلام الله علیه) فرمود: خداوند دستور می دهد (برای پیدا کردن قاتل) گاوی را بکشید ...

سپس به حضرت موسی (علیه السلام) وحی شد: بگو قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنند و از او بپرسند: قاتل تو کیست؟ پس آن ها دُم گاو را به او زدند و پرسیدند: چه کسی ترا کشت؟ گفت: فلانی پسر فلانی، که پسر عموی من است، این است که خداوند می فرماید: «قسمتی از آن را به وی بزنید، این طور خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نماید شاید به عقل آئید».

ص: 77

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 137؛ بحار الأنوار، ج 13، ص 259، ح 1؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 244، ح 509؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 141؛ تفسير القمي، ج 1، ص 49؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 2، ص 47؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 88، ح 240.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ*

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ 243

ندیدی کسانی را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از سرزمین و دیار خود بیرون رفتند. خدا به آنان گفت: بمیرید، سپس آن ها را زنده کرد، خدا برای مردم همیشه دارای بخشش و رحمت است ولی اکثر مردم سپاسگزار نیستند.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ، وَغَيْرِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، وَبَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ»، فَقَالَ: إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الشَّامِ وَكَانُوا سَبْعِينَ أَلْفَ بَيْتٍ، وَكَانَ الطَّاغُوتُ يَقَعُ فِيهِمْ فِي كُلِّ أَوَانٍ، فَكَانُوا إِذَا أَحْسَوْا بِهِ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْأَغْنِيَاءُ لِقُوتِهِمْ، وَبَقِيَ فِيهَا الْفُقَرَاءُ لِضَعْفِهِمْ، فَكَانَ الْمَوْتُ يَكْثُرُ فِي الَّذِينَ أَقَامُوا، وَيَقِلُّ فِي الَّذِينَ خَرَجُوا، فَيَقُولُ الَّذِينَ خَرَجُوا: لَوْ كُنَّا أَقَمْنَا لَكُنَّا فِيْنَا الْمَوْتُ، وَيَقُولُ الَّذِينَ أَقَامُوا: لَوْ كُنَّا خَرَجْنَا لَقَلَّ فِيْنَا الْمَوْتُ.

قَالَ: فَاجْتَمَعَ رَأْيُهُمْ جَمِيعاً أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ الطَّاغُوتُ فِيهِمْ وَاحْسَوْا بِهِ خَرَجُوا كُلُّهُمْ مِنَ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا أَحْسَوْا بِالطَّاغُوتِ خَرَجُوا جَمِيعاً وَتَنَحَّوْا عَنِ الطَّاغُوتِ حَذَرَ الْمَوْتِ، فَسَارُوا فِي الْبِلَادِ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ إِنَّهُمْ مَرُّوا بِمَدِينَةٍ خَرِبَةٍ قَدْ جَلَا أَهْلُهَا عَنْهَا وَافْتَنَاهُمُ الطَّاغُوتُ، فَتَزَلُّوا بِهَا، فَلَمَّا حَطُّوا رَحَالَهُمْ وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا، قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مُوتُوا

جَمِيعاً، فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَصَارُوا رَمِيماً يَلُوحُ وَكَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَّةِ، فَكَنَسَتْهُمْ الْمَارَّةُ، فَنَحَّوْهُمْ وَجَمَعُوهُمْ فِي مَوْضِعٍ، فَمَرَّ بِهِمْ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَءِيلَ، يُقَالُ لَهُ «حَزْقِيلُ»، فَلَمَّا رَأَى تِلْكَ الْعِظَامَ بَكَى وَاسْتَعْبَرَ، وَقَالَ: يَا رَبِّ! لَوْ شِئْتَ لَأَحْيَيْتَهُمُ السَّاعَةَ كَمَا أَمَتَّهُمْ، فَعَمَرُوا بِإِلَادِكَ وَوَلَدُوا عِبَادَكَ وَعَبَدُوكَ مَعَ مَنْ يَعْبُدُكَ مِنْ خَلْقِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: أَفَتُحِبُّ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا رَبِّ! فَأَحْيَيْهِمْ، قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: أَنْ قُلْ: كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقُولَهُ؛ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): وَهُوَ الْإِسْمُ الْأَعْظَمُ، فَلَمَّا قَالَ حَزْقِيلُ ذَلِكَ الْكَلَامَ نَظَرَ إِلَى الْعِظَامِ يَطِيرُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، فَعَادُوا أَحْيَاءً يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَيُكَبِّرُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ، فَقَالَ حَزْقِيلُ عِنْدَ ذَلِكَ: أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، قَالَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ. (1)

از عمر بن یزید نقل است که گفت: به نقل بعضی حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه)، و به نقل بعضی دیگر حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه)، در تفسیر این آیه: «مگر قصه آنان را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از وطن بیرون رفتند، خداوند به آنان فرمود بمیرید، سپس همه را زنده کرد، ندانستی؟» فرمودند: اینان هفتاد هزار خانوار، و اهل یکی از شهرهای شام بودند، گاه گاهی در شهرشان طاعون می آمد، و ثروتمندان که قدرت داشتند، چون مطلب را حس می کردند، از شهر بیرون می رفتند، و فقرا که توانائی نداشتند می ماندند، و در نتیجه طاعون زده در میان باقی مانده ها بیشتر بود، از این رو همه تصمیم گرفتند وقتی که آثار طاعون را مشاهده کردند، به اتفاق از شهر بیرون روند.

ص: 79

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 124، ح 9؛ بحار الأنوار، ج 6، ص 123، ح 9 و ج 13، ص 385، ح 6؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 502، ح 1341؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 272؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 2، ص 374؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 241، ح 961؛ الكافي، ج 8، ص 198، ح 237.

این دفعه که احساس طاعون کردند، همه از ترس مرگ بیرون رفتند، مدّتی در شهرها می گشتند، تا به خرابه ای رسیدند که اهلیش همه هجرت کرده بودند، و طاعون همه را نابود کرده بود، پس در آنجا پیاده شدند.

وقتی که بارها را بر زمین گذاشتند، خداوند امر فرمود: بمیرید! همه در یک ساعت مُردند، و کم کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در محلّی جمع کردند.

یکی از پیامبران بنی اسرائیل به او حزقیل می گفتند، از آنجا عبور کرد، این وضع را که دید، گریه کرد و اشکش جاری شد، و گفت: پروردگارا! ای کاش همان طور که اینان را می راندی اکنون زنده شان می کردی، تا شهرها را آباد کنند، و نسلها را به وجود آورند، و مثل سایر بندگان تو را پرستند و عبادت کنند.

از جانب خداوند وحی شد: می خواهی آن ها را زنده کنم! عرض کرد: آری! خطاب شد: چنین و چنان بگو، و آن کلمات اسم اعظم بود، چون به زبان جاری کرد دید استخوان ها به جانب یکدیگر پرواز کردند و به هم پیوستند، و همه زنده شدند، و بنا کردند به یکدیگر نگرستن، و سبحان الله، و الله اکبر، و لا إله الا الله گفتن، در این هنگام جناب حزقیل (سلام الله علیه) گفت: می دانم که خدا بر هر چیز توانا است، عمر بن یزید گفت: حضرت صادق (سلام الله علیه) فرمودند: این آیه درباره این ها نازل شده است.

کد آیه: 259/2 اسم آیه: زنده شدن عزیز پس از صد سال

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا * فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ * قَالَ كَمْ لَبِثْتُ * قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ * قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّه * وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ * وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا * فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ 259

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف ها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوان های اهل آن، در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: «چگونه خدا این ها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال می راند، سپس زنده کرد، و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز، یا بخشی از یک روز». فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال ها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این که تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوان ها (ی الاغ خود) نگاه کن که چگونه آن ها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است».

1_ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْكَوَّاءِ الْيَشِدَّ كُرِّيَّ، قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ أَبَا الْمُعْتَمِرِ تَكَلَّمَ أَنْفَاءً بِكَلامٍ لَا يَحْتَمِلُهُ قَلْبِي، فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: يَزْعُمُ أَنَّكَ حَدَّثْتَهُ أَنَّكَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ: إِنَّا قَدْ رَأَيْنَا أَوْ سَمِعْنَا بِرَجُلٍ أَكْبَرَ سِنًا مِنْ أَبِيهِ؛ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه): فَهَذَا الَّذِي كَبُرَ عَلَيْكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَهَلْ تُؤْمِنُ أَنَّكَ بِهَذَا وَتَعْرِفُهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَبِئْسَ ذَلِكَ! يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ! افْقَهُ عَنِّي أَخْبَرَكَ عَنْ ذَلِكَ إِنَّ عَزِيرًا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ وَامْرَأَتُهُ فِي شَهْرِهَا وَلَهُ يَوْمَئِذٍ خَمْسُونَ سَنَةً، فَلَمَّا ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِدُنْيَاهُ وَأَمَاتَهُ «مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»، فَجَعَلَ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَاسْتَقْبَلَهُ ابْنُهُ وَهُوَ ابْنُ مِائَةِ سَنَةٍ، وَرَدَّ اللَّهُ عَزِيرًا فِي السَّنِ الَّذِي كَانَ بِهِ. (1)

از اصبع بن نباته نقل است که گفت: عبدالله بن ابی بکر یشکری نزد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) رفت و گفت: ای امیرالمؤمنین! ابوالمعتمر اندکی پیش کلامی گفت که دلم تحمل آن را ندارد! حضرت فرمودند: مگر چه گفت؟ عرض کرد: او می پندارد که شما به او فرموده اید که از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) شنیده اید که فرمودند: ما دیده ایم یا شنیده ایم احوال مردی را که سنش از پدرش بزرگ تر است!

امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) فرمودند: آیا این امر بر تو گران آمده؟ عرض کرد: بله، آیا شما به این سخن اطمینان داشته و آن را می پذیرید؟ حضرت فرمودند: بله، وای بر تو! ای ابن کواء! از من بشنو و بفهم تا تو را از آن مطلع سازم، عزیر نبی از نزد اهل و عیال خود خارج شد، در ماهی که زنش در آستانه وضع حمل بود و عزیر نبی پنجاه سال داشت، پس هنگامی که خداوند او را به سبب نافرمانی اش مبتلا ساخت و صد سال او را میراند، سپس او را زنده نمود و به نزد اهلش برگشت، در حالی که پنجاه سال داشت، پس پسرش به پیشواز او آمد، در حالی که صد سال داشت و خدا عزیر را به سنی که داشت (همان پنجاه

ص: 82

2_ رُوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، قَالَ: إِنَّ عَزِيرًا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ وَامْرَأَتَهُ حَامِلَةً وَلَهُ خَمْسُونَ سَنَةً، فَأَمَاتَهُ اللَّهُ «مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»، فَرَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ هُوَ ابْنُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَكَانَ ابْنُهُ أَكْبَرَ مِنْهُ، وَذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ. (1)

از حضرت امیرالمؤمنین علی (سلام الله علیه) روایت است که فرمودند: جناب «عزیر» وقتی از نزد عائله اش خارج شد، همسرش باردار بود، و خود او در سن پنجاه سالگی بود، تا خدا او را صد سال میراند و پس از آن، زنده کرد، پس برگشت به سوی اهلش به همان سن پنجاه سالگی، در حالی که پسرش به سن صد سالگی رسیده بود، و پسرش پنجاه سال از خودش بزرگتر بود! و این، یکی از آیات خداوند است.

ص: 83

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 169، ح 14؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 534، ح 1442؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 292؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 269، ح 1082؛ روضة الواعظين، ج 1، ص 14؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج 2، ص 641.

کد آیه: 260/2 اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم (سلام الله علیه)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ * قَالَ أُولَٰئِم تُؤْمِنُ * قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي * قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّكَ تَمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا * وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ 260

و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا! به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم، ولی برای آنکه دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ را بگیر و گوشت آن ها را به هم در آمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

1_ عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه)، قَالَ: لَمَّا رَأَىٰ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ... إِلَىٰ أَنْ قَالَ: ثُمَّ التَّفَتَ فَرَأَىٰ حَيْفَةً عَلَىٰ سَاحِلِ الْبَحْرِ، نَصَفُهَا فِي الْمَاءِ وَنَصَفُهَا فِي الْبَرِّ، تَجِيءُ سِبَاعُ الْبَحْرِ فَتَأْكُلُ مَا فِي الْمَاءِ، ثُمَّ تَرْجِعُ فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ، فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَتَجِيءُ سِبَاعُ الْبَرِّ فَتَأْكُلُ مِنْهَا، فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ، فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَعَجَّبَ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) مِمَّا رَأَىٰ، وَقَالَ: «رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ»، قَالَ: كَيْفَ تُخْرِجُ مَا تَنَاسَلَتِ الَّتِي أَكَلَ بَعْضُهَا بَعْضًا؟ «قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي»، يَعْنِي حَتَّىٰ أَرَىٰ هَذَا كَمَا رَأَيْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّكَ تَمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ

مِنْهُمْ جُزْءًا»، فَقَطَّعُوهُنَّ وَاخْلَطُوهُنَّ كَمَا اخْتَلَطْتُ هَذِهِ الْحَبِيفَةَ فِي هَذِهِ السَّبَاعِ الَّتِي أَكَلَ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَخَلَطْتُ ثُمَّ جَعَلْتُ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا، «ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تُبْنَكَ سَعِيًّا»، فَلَمَّا دَعَاهُنَّ أَجَبْنَهُ وَكَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ. (1)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: هنگامی که حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) ملکوت آسمان ها و زمین را مشاهده نمود، ... تا آنجا که راوی گفت: پس از آن، حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) نگاهی کرد و در ساحل دریا، مرداری را دید که نیمی از آن در آب و نیمی از آن در خشکی قرار دارد، و حیوانات دریا را دید که می آیند و نیمه او را که در دریا قرار دارد می خورند و سپس باز می گردند و به یک دیگر حمله می کنند و هم را می خورند و آن گاه درندگان خشکی می آیند و از آن می خورند و آن ها هم به یک دیگر یورش می برند و یک دیگر را می خورند.

ابراهیم (سلام الله علیه) از آنچه دید در شگفت شد و گفت: «رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى»، یعنی: چگونه در روز معاد حیواناتی را زنده می کنی، که یک دیگر را خورده اند؟

«قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لَّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي»، یعنی همچنان که همه چیز را به چشم می بینم، این حقیقت را نیز به چشم خود بنگرم، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصِّدْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا»، یعنی: چهار پرنده را بگیر، آن ها را قطعه قطعه کن و با یکدیگر درهم آمیز، چنانچه گوشت این مردار در تن این درندگان که یکدیگر را خورده اند درهم آمیخته.

و او چنین کرد، «ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تُبْنَكَ سَعِيًّا»،

ص: 85

1- بحار الأنوار، ج 7، ص 41، ح 12 و ج 12، ص 61، ح 6؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 537، ح 1450؛ تفسیر العیاشی، ج 1، ص 142، ح 469؛ تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 280، ح 1098؛ علل الشرائع، ج 2، ص 585، ح 31؛ الکافی، ج 8، ص 305، ح 473.

سپس آن گوشت های درهم آمیخته را به چهار قسمت تقسیم کن و هر قسمت را بر فراز کوهی بگذار، سپس آن ها را صدا بزنی، و چون ابراهیم (سلام الله علیه) آن ها را صدا زد، زنده شدند و به نزدش آمدند، و تعداد آن کوه ها، ده بود.

2_ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمُؤْمِنِ وَعِنْدَهُ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (سلام الله عليهما)، فَقَالَ لَهُ الْمُؤْمِنُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى، ... إِلَى أَنْ قَالَ:

فَقَالَ لَهُ الْمُؤْمِنُ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيُظْمِنَ قَلْبِي».

قَالَ الرَّضَا (سلام الله عليه): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَانَ أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ (سلام الله عليه) أَنِّي مُتَّخِذٌ مِنْ عِبَادِي حَلِيلًا إِنْ سَأَلَنِي إِحْيَاءُ الْمَوْتَى أَجِبْتُهُ، فَوَقَعَ فِي نَفْسِ إِبْرَاهِيمَ (سلام الله عليه) أَنَّهُ ذَلِكَ الْحَلِيلُ، فَقَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيُظْمِنَ قَلْبِي»، عَلَى الْخَلَّةِ، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْأً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَمْعًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

فَأَخَذَ إِبْرَاهِيمَ (سلام الله عليه) نَسْرًا وَبَطًّا وَطَاوُسًا وَدِيكًا، فَقَطَّعَهُنَّ وَخَلَطَهُنَّ ثُمَّ جَعَلَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي حَوْلَهُ، وَكَانَتْ عَشْرَةً مِنْهُنَّ جُزْأً، وَجَعَلَ مَذَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ دَعَاهُنَّ بِأَسْمَائِهِنَّ، وَوَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَمَاءً، فَتَطَايَرَتْ تِلْكَ الْأَجْزَاءُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، حَتَّى اسْتَوَتْ الْأَبْدَانُ وَجَاءَ كُلُّ بَدَنٍ حَتَّى انْضَمَّ إِلَى رَقَبَتِهِ وَرَأْسِهِ.

فَخَلَّى إِبْرَاهِيمَ (سلام الله عليه) عَنْ مَذَاقِيرِهِنَّ فَطَرْنَ، ثُمَّ وَقَعْنَ فَشَرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ، وَالتَّقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، وَقُلْنَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ (سلام الله عليه): بَلَى اللَّهُ

«يُخَيِّي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1)، قَالَ الْمَأْمُونُ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ، يَا أَبَا الْحَسَنِ! (الحديث) (2)

علی بن محمد بن الجهم گفت: در مجلس مأمون حاضر شدم در زمانی که حضرت علی بن موسی (سلام الله علیهما) در نزد مأمون بودند، مأمون به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا این قول شما نیست، که انبیاء معصوم هستند؟ حضرت فرمودند: بله، قول من است، ... تا آنجا که راوی گفت:

مأمون عرض کرد: خداوند تو را اجر خیر دهد، ای فرزند رسول خدا! خبر دهید مرا از قول ابراهیم (علیه السلام) که گفت: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي»، حضرت فرمودند: خداوند به ابراهیم (سلام الله علیه) وحی فرمود که: من برای خودم، از میان بندگانم، دوستی را انتخاب خواهم کرد، که حتی اگر از من بخواهد، مرده ها را زنده کنم، این کار را برای او خواهم کرد.

پس ابراهیم (سلام الله علیه) به دلش الهام شد که او، آن دوست و خلیل است، لذا عرض کرد: خدایا! به من نشان بده که چگونه مرده ها را زنده می کنی، خداوند فرمود: آیا تو ایمان نداری؟ عرض کرد: چرا، ولی به خاطر اینکه قلبم آرام گیرد، یعنی نسبت به خلیل بودنم، خداوند فرمود: چهار پرنده را بگیر، آن ها را تگه تگه کن، سپس بر هر کوهی، بخشی از آن ها را قرار ده، آنگاه آن ها را بخوان، به سرعت خود را به تو می رسانند، و بدان خداوند

ص: 87

1- سورة شوری (42)، آیه 9.

2- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 118، ج 3؛ بحار الأنوار، ج 11، ص 78، ح 8 و ج 12، ص 64، ح 10؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 535، ح 1445؛ تفسیر الصافی، ج 1، ص 293؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 2، ص 431؛ تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 275، ح 1088؛ عیون أخبار الرضا (سلام الله علیه)، ج 1، ص 198، باب 15، ح 1.

عزیز و حکیم است.

پس ابراهیم (سلام الله علیه)، یک کرکس، یک طاوس، یک مرغابی و یک خروس گرفته، ذبح کرد، و سپس آن ها را تکه تکه نمود، و اجزای آن ها را با هم مخلوط کرد، و سپس هر بخشی از این اجزاء مخلوط شده را، بر کوهی از ده کوه اطراف خود قرار داد، و آنگاه منقار آن ها را به دست گرفت، و هر کدام را با نامشان صدا زد، و مقداری دانه و آب، نزد خود گذاشته بود، آن اجزاء به سوی یکدیگر پرواز کردند، و به هم متصل شدند، و بدن ها کامل شد، و هر بدنی به سوی سر خود حرکت کرد، و به آن پیوست، سپس ابراهیم (سلام الله علیه) منقار آن ها را از دست خود رها نمود، و آن ها پرواز کردند، و سپس فرود آمدند، و از آن آب و دانه ها خوردند، و گفتند: ای پیامبر خدا! تو ما را زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد.

ابراهیم (سلام الله علیه) فرمود: بلکه خداوند «زنده می کند و می میراند، و اوست که بر هر کاری تواناست»؛ مأمون عرض کرد: آفرین بر شما، ای ابا الحسن!

ص: 88

کد آیه: 49/3 اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (سلام الله علیه)

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَٰءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِ آيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ * أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ * وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ * وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ * إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ 49

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن بدمم تا به امر خدا مرغی گردد، و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم، و مردگان را به امر خدا زنده کنم، و به شما خبر دهم که در خانه هایتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.

1_ مرحوم طبرسی (قدس سره) در تفسیرش می گوید: گفته اند که حضرت عیسی (سلام الله علیه) چهار نفر را زنده کرده است:

اول: عازر، که دوست وی بود، و سه روز پس از مرگش بر سر قبر او رفت، و گفت: (بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و زمین! تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی که آن ها را به دین تو دعوت کنم، و به ایشان خبر دهم که مردگان را زنده خواهی کرد، اینک عازر را زنده گردان)؛ پس عازر زنده شد، و برخاست، و پس از آن هم، صاحب فرزندی گردید.

دوم: پسر پیرزنی بود، که حضرت عیسی (سلام الله علیه) جنازه او را بر دوش مردم دید، که با تابوت می برند، پس دعایی کرد، و او زنده شد، و از دوش مردم پایین آمد، و لباس پوشید، و به خانه برگشت، و بعداً صاحب فرزند شد.

سوم: دختری ده ساله را، که یک روز پس از مردن زنده ساخت، تا به خانه خود برگشت و شوهر کرد و بچه دار شد.

چهارم: سام بن نوح، که اسم اعظم خدا را خواند، و دعا کرد، و زنده شد، سپس حضرت عیسی (سلام الله علیه) به او گفت: باید بمیری، وی شرط کرد که خدا مرا از سكرات موت و رنج جان كندن در امان نگهدارد، عیسی (سلام الله علیه) در این باره دعایی نمود و دعایش مستجاب شد. (1)

2- عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُهَاجِرِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَطَيْرُهَا وَدَوَابُّهَا، فَقَالَ: أَمَّا إِنَّهُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسَخَطَةٍ، وَلَوْ مَاتُوا مُتَفَرِّقِينَ لَتَدَافَنُوا.

فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: يَا رُوحَ اللَّهِ! وَكَلِمَتُهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ، لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَنُجْتَنِبُهَا؛ فَدَعَا عِيسَى (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) رَبَّهُ، فَنُودِيَ مِنَ الْجَوِّ أَنْ نَادِهِمْ، فَقَامَ عِيسَى (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) بِاللَّيْلِ عَلَى شَرْفٍ مِنَ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ! فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ! فَقَالَ: وَيَحَاكُمْ! مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟ قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاغُوتِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ وَأَمَلٍ بَعِيدٍ، وَغَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَلَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ، إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَ

ص: 90

سُرْرُنَا، وَإِذَا أَدْبَرْتُ عَنَّا بَكَيْنًا وَحَزَنًا، قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاغُوتِ؟ قَالَ: الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي، قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟ قَالَ: بَيْنَا لَيْلَةٌ فِي عَافِيَةٍ وَأَصَبْنَا فِي الْهَآوِيَةِ، فَقَالَ: وَمَا الْهَآوِيَةُ؟ فَقَالَ: سَجِّينٌ، قَالَ: وَمَا سَجِّينٌ؟ قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تُوقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟ قَالَ: قُلْنَا رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزَهَّدَ فِيهَا، قِيلَ لَنَا كَذَبْتُمْ، قَالَ: وَيَحَاكَ! كَيْفَ لَمْ يَكَلِّمَنِي غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ؟ قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ! إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غَلَاظٍ شِدَادٍ، وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ، وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعرَةٍ عَلَى شِدْفِ جَهَنَّمَ، لَا أَدْرِي أَكُتِّبُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا، فَالْتَفَتَ عِيسَى (سلام الله عليه) إِلَى الْحَوَارِيِّينَ، فَقَالَ: يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ! أَكُلَ الْخُبْزِ الْيَاسِسِ، بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ، وَالنُّومِ عَلَى الْمَزَابِلِ، خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1)

از مهاجر اسدی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: روزی حضرت عیسی (سلام الله عليه) همراه حواریون در سیر و سیاحت خود، به روستایی رسیدند. در آنجا متوجه شدند اهالی روستا و پرندگان و حیوانات، به طور کلی مرده اند. حضرت عیسی (سلام الله عليه) به همراهان خود فرمود: معلوم است که اینجا به عذاب عمومی خداوند مبتلا گردیده اند، اگر به تدریج مرده بودند جنازه مردگان را به خاک می سپردند؛ حواریون گفتند: ای روح خدا! از خداوند بخواه تا اینان را زنده سازد، تا علت عذابی که بر سر آن ها فرود آمده را برای ما بیان کنند، تا ما از کرداری که موجب عذاب الهی شود، دوری جویم.

ص: 91

1- بحار الأنوار، ج 70، ص 10، ح 3؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 741، ح 11856؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 180؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 531، ح 20؛ الکافی، ج 2، ص 318، ح 11؛ وسائل الشیعة، ج 16، ص 255، ح 21502.

حضرت عیسی (سلام الله علیه) از درگاه خداوند خواست تا آن ها را زنده نماید، از جانب آسمان به او ندا شد: آنان را صدا بزن.

حضرت عیسی (سلام الله علیه) شب هنگام بر بالای تپه ای رفت و با صدای بلند گفت: ای مردم روستا! در این حال یک نفر از آن ها زنده شد و گفت: بله، ای روح خدا! حضرت عیسی (سلام الله علیه) رو به او کرد و فرمود: وای بر شما! کردار شما چگونه بوده؟ فرد زنده شده گفت: چهار چیز ما را به عذاب الهی مبتلا نمود: 1_ اطاعت از طاغوت، 2_ دلبستگی به دنیا، 3_ آرزوی دور و دراز، 4_ سرگرمی به بازی های دنیا.

حضرت عیسی (سلام الله علیه) فرمود: دلبستگی شما به دنیا چه اندازه بود؟ او گفت: همانند علاقه ای که کودک به مادرش دارد، هنگامی که دنیا به ما روی می آورد، شاد می شدیم، و وقتی که دنیا به ما پشت می کرد، گریه می نمودیم.

حضرت عیسی (سلام الله علیه) فرمود: طاغوت را چگونه می پرستیدید؟ او جواب داد: از گناهکاران پیروی می کردیم.

حضرت عیسی (سلام الله علیه) فرمود: عاقبت، کارتان چگونه پایان یافت؟ عرض کرد: شبی با خوشی به سر بردیم، و صبح آن، در «هاویه» بودیم.

حضرت فرمود: هاویه چیست؟ گفت: «سجّین» است. فرمود: سجّین چیست؟ گفت: سجّین کوه های گداخته به آتش است، که تا روز قیامت بر ما می افروزند. حضرت عیسی (سلام الله علیه) فرمود: وقتی به هلاکت رسیدید چه گفتید و مأموران الهی به شما چه گفتند؟ گفتیم: ما را به دنیا برگردانید تا کارهای نیک انجام دهیم و زاهد و پارسا شویم، پس به ما گفته شد: دروغ می گوئید. حضرت عیسی (سلام الله علیه) فرمود: وای بر شما! چرا غیر از تو شخص دیگری از این هلاک شدگان با من سخن نگفت؟ آن مرد گفت: ای روح خدا! دهان تمامی آن ها با دهنه آتشین بسته شده است و آن ها به دست فرشتگان خشن

گرفتار می باشند، و من در میان آن ها زندگی می کردم، ولی از آن ها نبودم، (گنهکار نبودم) تا اینکه زمان عذاب الهی فرا رسید و مرا نیز فرا گرفت، اکنون به تار مویی در لبه پرتگاه دوزخ آویزان می باشم، نمی دانم که به دوزخ واژگون می شوم یا نجات می یابم؟

حضرت عیس (سلام الله علیه) به حواریون رو کرد و فرمود: ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک زیر و خوابیدن بر خاشاک های آلوده، اگر همراه با عافیت و سلامتی در دنیا و آخرت باشد، بهتر است.

ص: 93

کد آیه: 81/3 اسم آیه: رجعت انبیاء (علیهم السلام) و نصرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ * قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَآخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي * قَالُوا أَأَقْرَضْنَا * قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ 81

و (یاد کن) آنگاه که خدا از پیامبران (و امتهایشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می داد به او ایمان آورده و یاری او کنید، خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم؛ خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

1_ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَدٌ وَاحِدٌ، تَقَرَّدَ فِي وَحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ نُورًا، ثُمَّ خَلَقَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) وَخَلَقَنِي وَذُرِّيَّتِي، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ رُوحًا فَأَسَّ كُنْهُ اللَّهِ فِي ذَلِكَ النُّورِ وَأَسَّ كُنْهُ فِي أَبْدَانِنَا، فَحَنُّ رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَاتُهُ، فَبِنَا احْتَجَّ عَلَى خَلْقِهِ، فَمَا زِلْنَا فِي ظِلَّةٍ خَضِرَاءَ حَيْثُ لَا شَمْسَ وَلَا قَمَرَ، وَلَا لَيْلَ وَلَا نَهَارَ، وَلَا عَيْنَ تَطْرِفُ، نَعْبُدُهُ وَنُقَدِّسُهُ وَنُسَبِّحُهُ، وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْأَنْبِيَاءِ بِالْإِيمَانِ وَالنُّصْرَةِ لَنَا، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، يَعْنِي لَتُؤْمِنُنَّ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَ

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی، احد واحد است و در یگانگی خود متفرّد است، سپس خداوند کلامی فرمود که تبدیل به نور شد و از آن نور، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را آفرید و من و ذریّه ام را نیز از آن، خلق نمود، سپس کلامی فرمود که تبدیل به روح شد و خدا آن روح را در آن نور سکونت داد و آن را در ابدان ما ساکن نمود، پس ما روح الله و کلمات الله هستیم، پس به وسیله ما بر خلق خود احتجاج نمود، پس ما پیوسته در سایه ای سبز بودیم، جایی که از خورشید و ماه و شب و روز خبری نبود و چشمی نبود که بجنبد، ما خدا را عبادت و تقدیس و تسبیح می کردیم و این امر قبل از خلقت مخلوقات و گرفتن پیمان ایمان از پیامبران و نصرت و یاری برای ما بود و این همان معنای سخن خداوند (عزّ و جلّ) می باشد که فرمود: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، یعنی به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان بیاورید و وصی و جانشین او را یاری نمایید و به زودی همگی شما او را یاری خواهید کرد.

2_ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَّكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) فِي قَوْلِهِ: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ

ص: 95

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 46، ح 20؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 647، ح 1768؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 3، ص 148؛ مختصر البصائر، ص 131، ح 102؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص 288، ح 6.

وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى عِيسَى (سلام الله عليه) إِلَّا أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، وَ هُوَ قَوْلُهُ: «لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ»، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، «وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه). (1)

جناب علی بن ابراهیم قمی (قدس سرّه)، در تفسیرش، از عبد الله بن مسکان نقل می کند که حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در باره این سخن خدای متعال: «هنگامی که خدا از پیمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم، اگر پیامبری سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آرید و یاریش کنید»، فرمودند: از زمان حضرت آدم (علیه السلام)، تا کنون، خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، جز این که به دنیا بر می گردد، و رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) را یاری می کند، و تأویل آیه چنین است که: «لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ»، یعنی باید به رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) ایمان آورید، «وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، یعنی و امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) را یاری نمایید. (و این در زمان رجعت محقق خواهد شد. ان شاء الله تعالی)

ص: 96

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 332، ح 45؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 61، ح 50؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 91 و ص 646، ح 1766؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 351؛ تفسير القمي، ج 1، ص 251 و ص 106؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 3، ص 150؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 359، ح 218؛ مختصر البصائر، ص 150، ح 116.

کد آیه: 144/3 اسم آیه: رجعت شهدا

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ * أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ * وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصَّرَ اللَّهُ شَيْئًا * وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ 144

و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب بر می گردید؟ و هر کس به عقب بازگردد هرگز ضرری به خدا نمی زند و به زودی خداوند شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.

عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، فَاحْتَلْتُ مَسْأَلَةً لَطِيفَةً لِأَبْلُغَ بِهَا حَاجَتِي مِنْهَا، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَمَّنْ قُتِلَ مَاتَ؟ قَالَ: لَا، الْمَوْتُ مَوْتُ، وَالْقَتْلُ قَتْلٌ.

فَقُلْتُ لَهُ: مَا أَحَدٌ يُقْتَلُ إِلَّا مَاتَ، قَالَ: فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ! قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ، قَدْ فَرَّقَ بَيْنَ الْقَتْلِ وَالْمَوْتِ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ (سلام الله عليه): «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، وَقَالَ: «وَلَيْنَ مُتُّ أَوْ قُتِلْتُمْ لَأَلِيَّ اللَّهُ تُحْشَرُونَ» (1)، فَلَيْسَ كَمَا قُلْتَ يَا زُرَّارَةُ! فَالْمَوْتُ مَوْتُ وَالْقَتْلُ قَتْلٌ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا» (2).

ص: 97

1- _ سورة آل عمران (3)، آیه 158.

2- _ سورة توبه (9)، آیه 111.

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (1)، أَفَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ. (2)

از زرارہ نقل است کہ گفت: کراہت داشتہم (خجالت می کشیدم) کہ از حضرت امام محمد باقر (سلام اللہ علیہ) دربارہ رجعت سؤالی بپرسم، پس مسألہ ای لطیف طرح نمودم، تا در ضمن پاسخ آن، بہ خواستہ خود برسم، پس عرض کردم: فدایتان شوم! مرا از حال شخصی خبر دہید، کہ اگر کشتہ شود، آیا مردہ بہ شمار می آید؟

حضرت فرمودند: خیر، مردن، مردن است، و کشتہ شدن، کشتہ شدن است.

زرارہ گفت: سپس بہ آن حضرت عرض کردم: هیچ کس کشتہ نشدہ، مگر اینکہ بمیرد، پس حضرت فرمودند: ای زرارہ! فرمایش خداوند متعال، از گفتہ تو صحیح تر است، و او در قرآن میان آن دو (یعنی کشتہ شدن و مردن) تفاوت قائل شدہ است، آنجا کہ فرمودہ: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، و فرمودہ: «وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ»، ای زرارہ! اینگونہ کہ شما می گویی نیست، مردن، مردن است، و کشتہ شدن، کشتہ شدن است. همانا خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا»، یعنی: خداوند جان ها و اموال مؤمنین را از آن ها می خرد تا در عوض بہ آن ها بہشت بدهد، آن ها در راہ خدا جہاد می کنند و دشمنان خدا را می کشند، و خود

ص: 98

1- _ سورة آل عمران(3)، آية 185.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 273، ح 80؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 65، ح 58؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 705، ح 1961 و ج 2، ص 856، ح 4756؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 112، ح 139؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 3، ص 238؛ مختصر البصائر، ص 93، ح 61.

کشته می شوند این وعده راست خداوند است.

زراره می گوید: عرض کردم: خداوند در آیه دیگر می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، یعنی: هر کس مرگ را می چشد، آیا می فرمائید کسی که کشته می شود مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر در راه خدا کشته می شود، با آن کسی که در بسترش جان می دهد یکسان نیست، کسی که کشته می شود، به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مرّة مرگ را بچشد.

توضیح: با توجه به روایت فوق، این بازگشت به دنیا، که همان رجعت است، مخصوص شهدایی است که در راه خدای متعال جهاد کرده، جانشان را تقدیم حق نموده اند، پس آن ها دوباره باز می گردند و زندگی می کنند و از نعمت ها بهره مند شده و سپس مرگ را می چشند و می میرند.

ص: 99

کد آیه: 158 و 3/157 اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت

وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ 157 وَلَيْنَ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تَحْشُرُونَ 158

اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید، همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیز است که فراهم آورند. (157) و اگر (در راه خدا) بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور خواهید شد. (158)

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: سَمِعْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ»، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! أَتَدْرِي مَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قُلْتُ: لَا، وَاللَّهِ! إِذَا سَمِعْتُ مِنْكَ، فَقَالَ: الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ عَلِيِّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) وَذُرِّيَّتِهِ، فَمَنْ قُتِلَ فِي وَلَا يَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ يُؤْمِنُ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا وَ لَهُ قَتْلَةٌ وَ مَيِّتَةٌ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ يُشْرُ حَتَّى يَمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ يُشْرُ حَتَّى يُقْتَلَ. (1)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در باره تفسیر این سخن خداوند (عز و جلّ): «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است»، پرسیدم، حضرت فرمودند: ای جابر! آیا می دانی راه خدا کدام است؟ گوید: عرض کردم، نه، به خدا قسم! مگر آنکه آن را از شما بشنوم،

ص: 100

1- بحار الأنوار، ج 35، ص 371، ح 15 و ج 53، ص 40، ح 8؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 706، ح 1965؛ تفسیر العیاشی، ج 1، ص 202، ح 162؛ تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 404، ح 407؛ مختصر البصائر، ص 111، ح 85.

حضرت فرمودند: مقصود از راه خدا و «سبیل الله»، حضرت علی (سلام الله علیه) و فرزندان او می باشند، پس کسی که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده، و هر مؤمنی که به این آیه ایمان داشته باشد، کشته شدنی دارد و مرگی، اگر کشته شده باشد، زنده شود، (رجعت نماید) تا بمیرد، و اگر مرده باشد، زنده شود تا کشته گردد.

توضیح: با توجه به این آیه شریفه، برای مؤمنان لازم می آید که هم به مرگ طبیعی بمیرند و هم در راه خدا به قتل برسند و این نمی شود مگر این که پس از این که در زندگی دنیا مردند یا کشته شدند، دوباره به زندگی بازگردند تا حالت دیگر را تجربه نمایند.

این رجعت فقط برای مؤمنان به آیه مذکور است و با توجه به توضیحی که امام (سلام الله علیه) در باره قتل در راه خدا می دهند و آن را به قتل در راه حضرت علی (سلام الله علیه) و فرزندانشان (سلام الله علیهم) تفسیر می کنند و نیز با در نظر داشتن سایر روایات این باب، روشن می شود که مقصود، همان مؤمنان خالص مد نظر می باشد.

کد آیه: 185/3 اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ*... 185

هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ) فِي الرَّجْعَةِ ... قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، أَمْ فَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ. (1)

از زراره نقل است که گفت: خجالت می کشیدم که آشکارا، از حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در باره رجعت، سؤال کنم، تا اینکه ... عرض کردم: همانا خداوند (عز و جل) می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، آیا می فرمایید: کسی که کشته می شود، مرگ را نمی چشد؟

حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر، در راه خدا کشته می شود، با آن کسی که در بسترش جان می دهد، یکسان نیست، کسی که کشته می شود به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا طعم و مزه مرگ را بچشد.

ص: 102

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 273، ح 80؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 66، ح 58؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 705، ح 1961 و ج 2، ص 856، ح 4756؛ تفسير العياشي، ج 1، ص 202، ح 160؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 403، ح 404؛ مختصر البصائر، ص 93، ح 61.

کد آیه: 159/4 اسم آیه: ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ* وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا 159

هیچکس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر او خواهد بود.

1_ فی تفسیر القمی، فی قوله تعالى: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»، فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِذَا رَجَعَ آمَنَ بِهِ النَّاسُ كُلُّهُمْ. (1)

در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»، روایت شده که به تحقیق، وقتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا رجعت می کنند، همه مردم به ایشان ایمان می آورند.

2- عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ: قَالَ لِي الْحَجَّاجُ: يَا شَهْرُ! آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَعْيَتْنِي، فَقُلْتُ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ! آيَةُ آيَةٍ هِيَ؟

ص: 103

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 90، ح 33؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 50، ح 24؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 197، ح 2830؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 519؛ تفسير القمی، ج 1، ص 158؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 3، ص 584؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 571، ح 661.

فَقَالَ: قَوْلُهُ: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، وَاللَّهُ! إِنِّي لَأُمَرُّ بِالْيَهُودِيِّ وَالنَّصَرَانِيِّ فَتَصَدَّ رَبُّ عُنُقُهُ، ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَيْنِي، فَمَا أَرَاهُ يَحْرُكُ شَفَتَيْهِ حَتَّى يَحْمَدَ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ، لَيْسَ عَلَى مَا تَأَوَّلْتَ.

قَالَ: كَيْفَ هُوَ؟ قُلْتُ: إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَصَلِّيَ لِي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ (سَلامُ اللَّهِ عَلَيْهِ).

قَالَ: وَيَحْكُ! أَتَى لَكَ هَذَا وَمِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ؟

فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (سَلامُ اللَّهِ عَلَيْهِم).

فَقَالَ: جِئْتَ وَاللَّهِ! بِهَا مِنْ عَيْنٍ صَافِيَةٍ. (1)

از شهر بن حوشب نقل است که گفت: حجاج به من گفت: یک آیه در قرآن مرا خسته کرده، گفتم: ای امیر! آن کدام آیه است؟

گفت: این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه ایمان می آورند به او قبل از مرگش، گفت: من دستور می دهم گردن یک یهودی یا نصرانی را بزنند، بعد با دقت تماشا می کنم، هرگز لب های خود را تکان نمی دهد، تا موقعی که می میرد و چیزی نمی گوید، که معلوم شود ایمان آورده باشد.

گفتم: خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تأویل کرده ای نیست، پرسید: پس چگونه است؟

ص: 104

1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 1، ص 57 و ج 2، ص 284؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 340، ح 64؛ بحار الانوار، ج 9، ص 195، ح 45 و ج 14، ص 349، ح 13 و ج 53، ص 50، ذیل ح 24؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 197، ح 2831؛ تفسير شريف لاهيجي، ج 1، ص 585؛ تفسير الصافي، ج 1، ص 519؛ تفسير القمّي، ج 1، ص 158؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 571، ح 662.

گفتم: حضرت عیسی (سلام الله علیه) قبل از قیامت به دنیا فرود خواهد آمد، احدی از ملّت ها، چه یهودی و چه دیگران، نمی ماند، مگر اینکه به او ایمان می آورد، و او پشت سر حضرت مهدی (سلام الله علیه)، نماز خواهد خواند.

گفت: وای بر تو! از کجا این مطلب را کشف نموده ای، و از چه کسی استفاده کرده ای؟ گفتم: این مطلب را محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (سلام الله علیهم) برایم نقل نموده، گفت: به خدا قسم! از سرچشمه پاکی گرفته ای.

کد آیه: 20/5 اسم آیه: پادشاهان رجعت

... إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ 20

... هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا»، فَقَالَ: الْأَنْبِيَاءُ، رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَإِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ وَذُرِّيَّتُهُ، وَالْمُلُوكُ، الْأَيُّمَةُ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)، قَالَ: فَقُلْتُ: وَآيُ مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: مُلْكُ الْجَنَّةِ وَ مُلْكُ الْكَرَّةِ. (1)

از محمد بن سلیمان دیلمی نقل است که از قول پدرش گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) تفسیر این فرمایش خداوند (عز و جل): «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا»، را پرسیدم: حضرت فرمودند: مقصود از انبیاء، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابراهیم (سلام الله علیه) و اسماعیل (سلام الله علیه) و ذریه او هستند، و منظور از پادشاهان، ائمه اطهار (سلام الله علیهم) می باشند.

عرض کردم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا می کند؟ فرمودند: سلطنت بهشت، و

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 273؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 363، ح 115؛ بحار الأنوار، ج: 53، ص 45، ح 18؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 266، ح 3010؛ مختصر البصائر، ص 119، ح 97.

سلطنت زمان رجعت را.

ص: 107

کد آیه: 28 و 27/6 اسم آیه: آرزوی کفار

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 27 بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْذَرُونَ مِنْ قَبْلُ * وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ 28

و اگر ببینی حال آن ها را هنگامی که بر آتش دوزخشان بازدارند که در آن حال (با نهایت حسرت) گویند: ای کاش ما را به دنیا باز می گردانیدند تا دیگر آیات خدا را تکذیب نکرده و ایمان می آوردیم! (27) بلکه آنچه پیش از این پنهان می داشتند بر آن ها آشکار شده و اگر بار دیگر هم (به دنیا) برگردند باز همان اعمال زشتی را که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد، و آنان دروغ می گویند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (رضی الله عنه)، قَالَ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله عليه) وَهُوَ خَارِجٌ مِنَ الْكُوفَةِ، فَتَبِعْتُهُ مِنْ وَرَائِهِ حَتَّى صَارَ إِلَى جَبَانَةِ الْيَهُودِ وَوَقَفَ فِي وَسْطِهَا وَنَادَى: يَا يَهُودُ! فَاجَابُوهُ مِنْ جَوْفِ الْقُبُورِ: لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! مُطَاعٌ يَعْنُونَ بِذَلِكَ يَا سَيِّدَنَا!

فَقَالَ: كَيْفَ تَرَوْنَ الْعَذَابَ؟ فَقَالُوا: بِعَصَا يَأْتِيْنَا لَكَ كَهَارُونَ، فَنَحْنُ وَمَنْ عَصَاكَ فِي الْعَذَابِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ صَاحَ صَوْتٌ كَادَتْ السَّمَاوَاتُ يَنْقَلِبْنَ، فَوَقَعَتْ مَغْشِيًّا عَلَى وَجْهِهِ مِنْ هَوْلٍ مَا رَأَيْتُ.

فَلَمَّا أَفْقَتْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى سَرِيرٍ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنَ الْجَوْهَرِ وَعَلَيْهِ حُلٌّ خَضَرٌ وَصَفَرٌ وَوَجْهُهُ كَدَارَةِ الْقَمَرِ، فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! هَذَا مُلْكٌ

عَظِيمٌ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا جَابِرُ! إِنَّ مُلْكَنَا أَعْظَمُ مِنْ مُلْكِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانَنَا أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ، ثُمَّ رَجَعَ وَ دَخَلْنَا الْكُوفَةَ وَ دَخَلْتُ خَلْفَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَجَعَلَ يَخْطُو خُطَوَاتٍ وَ هُوَ يَقُولُ: لَا، وَ اللَّهُ! لَا فَعَلْتُ، لَا، وَ اللَّهُ! لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! لِمَنْ تُكَلِّمُ وَ لِمَنْ تُخَاطِبُ وَ لَيْسَ أَرَى أَحَدًا، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! كُشِفَ لِي عَنْ بَرَهوتَ فَرَأَيْتُ سَلَامَةَ نَبِيِّهِ وَ حَبِيرَ، وَ هُمَا يُعَذِّبَانِ فِي جَوْفِ تَابُوتٍ فِي بَرَهوتَ، فَنَادَيْتَنِي: يَا أَبَا الْحَسَنِ! يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا نَقْرَأَ بِفَضْلِكَ وَ نَقْرَأَ بِالْوَلَايَةِ لَكَ؛ فَقُلْتُ: لَا، وَ اللَّهُ! لَا فَعَلْتُ، لَا، وَ اللَّهُ! لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، يَا جَابِرُ! وَ مَا مِنْ أَحَدٍ خَالَفَ وَصِيَّ نَبِيِّ إِلَّا حُسِرَ أَعْمَى يَتَكَبَّكَبُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ. (1)

از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که گفت: حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را خارج کوفه دیدم، به دنبال آن حضرت رفتم تا اینکه رسیدند به قبرستان یهودیان، در وسط قبرستان صدا زدند: ای یهود! از درون قبور جواب دادند: لیبیک! لیبیک! ای سرور ما!

حضرت فرمودند: عذاب را چگونه دیدید؟ جواب دادند: به خاطر مخالفت ما با تو، مانند مخالفتی که ما با هارون کردیم، و هر کسی مخالف تو باشد تا روز قیامت در عذاب است، سپس حضرت فریادی زدند، که نزدیک بود آسمان زیر و رو شود، من از ترس بیهوش شدم.

تا به هوش آمدم، دیدم امیر المؤمنین (سلام الله علیه) بر تختی از یاقوت قرمز نشسته اند، و بر سر تاجی از جواهر دارند، و لباس های عالی سبز و زرد پوشیده، و چهره ایشان مثل

ص: 109

1- بحار الأنوار، ج 27، ص 306، ح 11 و ج 41، ص 222، ح 33؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 412، ح 3447؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص 168؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 4، ص 313؛ مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج 2، ص 98، ح 422.

ماه می درخشد؛ عرض کردم: آقا این سلطنت بزرگی است! حضرت فرمودند: آری، ای جابر! قدرت و فرمانروائی ما از سلیمان بن داود بزرگتر است، و سلطنت ما از سلطنت او بالاتر.

پس از آن با امیر المؤمنین (سلام الله علیه) برگشتیم و داخل کوفه شدیم، من پشت سر آن حضرت وارد مسجد شدم، امام (سلام الله علیه) هر گام بر می داشتند می فرمودند: نه به خدا انجام نمی دهم، نه به خدا چنین کاری هرگز نخواهد شد.

عرض کردم: ای سرورم! با چه کسی صحبت می کنید و حرف می زنید، من که کسی را نمی بینم؟

حضرت فرمودند: ای جابر! برهوت برایم آشکار شد، «شنبویه» و «حبترا» را دیدم که در درون تابوت در عذاب بودند، مرا صدا زدند که: ای ابا الحسن! ای امیر المؤمنین! اگر ما را به دنیا برگردانید، اقرار به برتری تو می کنیم، و ولایت تو را می پذیریم، گفتیم: نه، به خدا! نخواهم کرد، هرگز چنین کاری نخواهد شد، بعد، این آیه را تلاوت فرمودند: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، ای جابر! هیچ کس با وصی پیامبری مخالفت نکرد، مگر آنکه کور برانگیخته می شود، و در عرصه های قیامت با صورت بر زمین می افتد.

کد آیه: 96/7 اسم آیه: رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام حسین (سلام الله علیه)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ 96

و اگر مردم شهر و روستاها ایمان می آوردند و خداترس و پرهیزکار می شدند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم. ولی آنان حقایق را تکذیب کردند، ما نیز آن ها را به کيفر اعمالشان گرفتار ساختیم.

عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه) قَالَ: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ (سلام الله علیه) لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! إِنَّكَ سَ تُسَاقُ إِلَى الْعِرَاقِ وَ هِيَ أَرْضٌ قَدْ التَّقَىٰ بِهَا النَّبِيُّونَ وَ أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ، وَ هِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عَمُورًا، وَ إِنَّكَ لَتُسْتَشْهَدُ بِهَا، وَ يُسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِّنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ، وَ تَلَا: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (1)،

تَكُونُ الْحَرْبُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ بَرْدًا وَ سَلَامًا، فَأَبْشِرُوا، فَوَ اللَّهُ! لَنُ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَىٰ نَبِيِّنَا، ثُمَّ أَمَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ تَشْتَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأَخْرُجُ خَرَجَةً يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرَجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه) وَ قِيَامَ قَائِمِنَا وَ حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)، ثُمَّ لَيَنْزِلَنَّ عَلَيَّ وَ قَدْ مَنَ السَّمَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمْ يَنْزِلُوا إِلَى الْأَرْضِ قَطُّ، وَ لَيَنْزِلَنَّ إِلَيَّ جِبْرِيلُ وَ ميكائيلُ وَ إِسْرَافيلُ وَ جُنُودُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ لَيَنْزِلَنَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ أَزْمَا وَ أَخِي وَ جَمِيعٌ مِّنَ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي حُمُولَاتٍ مِّنْ حُمُولَاتِ الرَّبِّ خَيْلٌ بُلُقٍ مِّنْ نُورٍ لَمْ يَرْكَبْهَا مَخْلُوقٌ، ثُمَّ لَيَهْزَنَنَّ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: 111

لِوَأَهْ وَ لِيَدْفَعَنَّهُ إِلَى قَائِمِنَا مَعَ سَيْفِهِ، ثُمَّ إِنَّا نَمُكِّثُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ، ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامَ الله عليه) يَدْفَعُ إِلَيَّ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَيَنْعِثُنِي إِلَى الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ، وَ لَا آتِي عَلَى عَدُوٍّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ، وَ لَا أَدْعُ صَنْمًا إِلَّا أَحْرَقْتُهُ، حَتَّى أَقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحَهَا، وَ إِنَّ دَانِيَالَ وَ يُوشَعَ يَخْرُجَانِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامَ الله عليه) يَقُولَانِ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، وَ يَبْعَثُ مَعَهُمَا إِلَى الْبَصْرَةِ سَبْعِينَ رَجُلًا فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلَتَهُمْ، وَ يَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الرُّومِ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ، ثُمَّ لَا قَتْلَ كُلِّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ، وَ أَعْرِضْ عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ سَائِرِ الْمِلَلِ وَ لَا خَيْرَ لَهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَ السَّيْفِ، فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ، وَ مَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ.

وَ لَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شَيْعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسَحُ عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ، وَ يُعْرِفُهُ أَرْوَاحُهُ وَ مَنَازِلُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَ لَا مُقْعَدٌ وَ لَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ.

وَ لَتَنْزِلَنَّ الْبَرَكَةُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَنْفَصِفُ بِمَا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ، وَ لَتُؤْكَلَ ثَمَرَةُ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ، وَ ثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهَبُ لِشَيْعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ مِنَ الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْلَمُونَ. (1)

ص: 112

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 352، ح 95؛ بحار الأنوار، ج 45، ص 80، ح 6 و ج 53، ص 61، ح 52؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 848، ح 63؛ مختصر البصائر، ص 139، ح 107؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص 286، ح 5.

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) فرمودند: امام حسین (سلام الله علیه) قبل از اینکه به شهادت برسند، به اصحاب خود می فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمودند: ای پسر عزیزم! توبه زودی به سوی عراق رانده خواهی شد، زمین عراق همان زمینی است که پیامبران و اوصیای آنان، در آن با یکدیگر ملاقات کردند، آن زمین را عمور می خوانند، و تو در آن زمین شهید خواهی شد، و گروهی که با تو شهید می شوند، درد نیزه و شمشیر را احساس نمی کنند، سپس این آیه را تلاوت کردند: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»، جنگ برای تو و یارانت سرد و سلامت خواهد شد.

سپس امام حسین (سلام الله علیه) به اصحاب خود فرمودند: مژده باد شما را! گر چه دشمنان، ما را می کشند، ولی ما بر پیامبران وارد خواهیم شد، سپس من به قدری که خدا بخواهد مکث خواهم نمود! سپس اول کسی که زمین برایش شکافته خواهد شد، و او خارج می شود، من خواهم بود.

پس من با خروج حضرت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) و قیام حضرت قائم (سلام الله علیه)، و زنده شدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، خروج خواهم کرد، سپس افرادی از آسمان از طرف خدا نزد من می آیند، که هرگز در زمین نازل نشده اند؛ جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و گروهی از ملائکه بر من نازل خواهند شد، سپس حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (سلام الله علیه) و من و برادرم و جمیع آن افرادی که خدا بر آنان مِت نهاد، به وسیله شترانی از نور، که احدی از مخلوقین بر آن ها سوار نشده، فرود می آئیم، پس از این جریان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم خود را به اهتزاز در می آورد، و آن را با شمشیر خود به قائم ما (سلام الله علیه) تحویل می دهد.

سپس ما به اندازه ای که خدا بخواهد مکث می نمائیم، بعداً خدای متعال چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر، از مسجد کوفه خارج می کند، پس از این جریان، امیر المؤمنین (سلام الله علیه) شمشیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به من می دهند، و مرا به سوی

مشرق و مغرب زمین می فرستند، پس من به هیچ یک از دشمنان خدا بر نمی خورم، مگر اینکه خون او را می ریزم، هیچ بُتی را نمی بینم مگر اینکه آن را می سوزانم، تا اینکه به هند می رسم، و آن را فتح می نمایم، دانیال و یوشع خارج می شوند، و به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می گویند: خدا و رسول، راست گفته اند، سپس ایشان با تعداد هفتاد مرد، به سوی بصره می روند، و دشمنان خود را می کشند، گروهی به جانب روم اعزام می شوند، و خدای توانا پیروزی را نصیب آنان می نماید.

سپس من هر حیوانی که خداوند گوشت آن را حرام کرده را می کشم، تا اینکه در روی زمین غیر از گوشت طیب و طاهر چیزی نباشد. من بر یهودی و نصارا و سائر ملل، اسلام را عرضه می کنم، و آنان را بین اسلام و شمشیر مخیر می نمایم، هر کسی که اسلام بیاورد، منت بر او می گذارم، و هر کس که از اسلام بیزار باشد، خداوند خون او را خواهد ریخت.

هیچ مردی از شیعیان ما روی زمین نیست، مگر اینکه خدا ملکی می فرستد تا خاک را از روی او پاک نماید، و همسران و مقام و منزلت او را در بهشت به وی معرفی نماید، در روی زمین شخص کور و زمین گیر و مبتلای نخواهد بود، مگر اینکه خدا به وسیله ما اهل بیت (سلام الله علیهم)، بلا را از او بر طرف می نماید.

به قدری برکت از آسمان به زمین نازل می شود، که شاخه درخت، از زیادی میوه می شکند! میوه زمستانی در تابستان، و میوه تابستانی در زمستان خورده می شود، و این همان سخن خدای متعال است که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، سپس خدای متعال کرامتی به شیعیان ما عطا می کند، که چیزی در زمین بر آنان پنهان نخواهد بود. تا آنجا که مردی از ایشان تصمیم می گیرد، که علم اهل بیت خود را بداند، پس خداوند او را از آنچه آن ها می دانند آگاه می نماید.

کد آیه: 157/7 اسم آیه: یاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ 157

کسانی که پیروی کنند از آن رسول و پیامبر امی ... پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزّت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

في تفسير القمي: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، يَعْنِي بِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، «وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، «أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، فَأَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَنْ يُخْبِرُوا أُمَّهَمُ وَيَنْصُرُوهُ، فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَأَمَرُوا أُمَّهَمُ بِذَلِكَ، وَسَيَرْجِعُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَيَرْجِعُونَ وَيَنْصُرُونَهُ فِي الدُّنْيَا. (1)

در تفسیر قمی روایت است که: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، مقصود، کسانی هستند که ایمان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورند، «وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ»، یعنی از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) پیروی و تبعیت کنند، «أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، آن ها رستگاران هستند، خداوند درباره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از پیامبران پیمان گرفت که به امت های خود خبر دهند و او را یاری نمایند، آن ها نیز او را به گفتار یاری نمودند و به امت های خود این دستور را دادند در آینده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برمی گردد، آن ها نیز برمی گردند و او را در دنیا یاری می کنند.

ص: 115

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 341؛ بحار الأنوار، ج 23، ص 309، ح 9؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 594، ح 4008؛ تفسير القمي، ج 1، ص 242.

کد آیه: 159/7 اسم آیه: رجعت عده ای از یهودیان مؤمن

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ 159

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می نمایند.

1_ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: يَخْرُجُ الْقَائِمُ (سلام الله عليه) مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَ وَعِشْرُونَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (عليه السلام)، الَّذِينَ كَانُوا «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»، وَسَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَيُوشَعَ بْنِ نُونٍ، وَسَلْمَانَ، وَأَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَالْمِقْدَادُ، وَمَالِكُ الْأَشْثَرِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَحُكَّامًا. (1)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه حضرت قائم (سلام الله عليه) خروج می کنند، که پانزده نفر آنان از قوم حضرت موسی (سلام الله عليه) می باشند، و به حق هدایت می کنند و بدان دادگری می نمایند، و هفت تن آنان اصحاب کهف، و یوشع بن نون، و سلمان فارسی، و ابودجانه انصاری، و مقداد، و مالک اشتر، می باشند، پس این ها یاران و حکمرانان او هستند.

2_ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم)

ص: 116

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 249، ح 27؛ بحار الانوار، ج 53، ص 90، ح 95؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 620، ح 6635؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 238؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 8، ص 43؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 252، ح 40؛ كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 2، ص 466.

اِنَّهُ تَخْرَجُ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى، الَّذِينَ يَقْضُونَ «بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»، وَ سَبْعَةً مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ وَصِيِّ مُوسَى (عليه السلام)، وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ مَالِكَ الْأَشْثَرِ. (1)

از جناب مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: هنگامی که حضرت قائم آل محمد (سلام الله عليهم) قیام کند، بیست و هفت تن را (از قبرهایشان) در پشت کعبه بیرون می کشد که پانزده تن آن ها از قوم حضرت موسی (عليه السلام) می باشند، همان کسانی که به حق و عدالت داوری می کنند، و هفت تن از اصحاب کهف، و یوشع وصی حضرت موسی (عليه السلام)، و مؤمن آل فرعون، و سلمان فارسی، و ابودجانه انصاری، و مالک اشتر.

ص: 117

-
- 1- _ إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج 5، ص 173، ح 555؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 346، ح 92؛ تفسیر العیاشی، ج 2، ص 32، ح 90؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 5، ص 210؛ تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 85، ح 306.

کد آیه: 33/9 اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ 33

او خدایی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان جهان برتری بخشد، هر چند مشرکان را خوش آیند نباشد.

1_ عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: إِنَّ لِعَلِيِّ (سلام الله عليه) فِي الْأَرْضِ كَرَّةً مَعَ الْحَسَنِ ابْنِهِ (سلام الله عليهما)، يُقْبَلُ بِرَأْيِهِ حَتَّى يَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَمُعَاوِيَةَ وَآلِ مُعَاوِيَةَ وَمَنْ شَهِدَ حَرْبَهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ بِأَنْصَارِهِ يَوْمُنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ ثَلَاثِينَ أَلْفًا، وَمِنْ سَائِرِ النَّاسِ سَبْعِينَ أَلْفًا، فَيُلْقَاهُمْ بِصِفِّينِ مِثْلَ الْمَرَّةِ الْأُولَى، حَتَّى يَقْتُلَهُمْ وَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرًا، ثُمَّ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيُدْخِلُهُمْ أَشَدَّ عَذَابِهِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَآلِ فِرْعَوْنَ.

ثُمَّ كَرَّةٌ أُخْرَى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَتَّى يَكُونَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ، وَتَكُونَ الْأَيَّامُ (سلام الله عليهم) عُمَالَهُ وَحَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَلَانِيَةً، فَتَكُونَ عِبَادَتُهُ عَلَانِيَةً فِي الْأَرْضِ، كَمَا عَبْدَ اللَّهُ سِرًّا فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ قَالَ: إِي، وَاللَّهِ! وَأَضَّ عَافَ ذَلِكَ، ثُمَّ عَقَدَ بِيَدِهِ أَضَّ عَافًا يُعْطِي اللَّهُ نَبِيَّهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) مُلْكَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مُنْذُ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ يُفْنِيهَا، حَتَّى يُنْجِزَ لَهُ مَوْعُودَهُ فِي كِتَابِهِ، كَمَا قَالَ: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (1).

ص: 118

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 363، ح 118؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 74، ح 75؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 507، ح 6262؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 366؛ مختصر البصائر، ص 121، ح 99؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، ص 289، ح 8.

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: حضرت علی (سلام الله علیه) دو رجعت دارند، یکی با امام حسین (سلام الله علیه)، که با پرچم خویش بیایند، و از بنی امیه و معاویه و آل معاویه و تمام آنان که شاهد جنگ با آن حضرت بودند، انتقام گیرند، سپس خداوند سی هزار یاور از کوفه، و هفتاد هزار نفر از جاهای دیگر برای ایشان بفرستد، در «صفین» مثل مرتبه اول جنگ کنند، و طوری دشمنان را نابود کنند که یک نفر هم از آنان نماند تا سرگذشت جنگ را تعریف کند، سپس در روز قیامت هم خداوند آنان را برانگیخته و با فرعون و آل فرعون، به شدیدترین عذاب ها گرفتار می سازد.

سپس در رجعت دیگر همراه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر می گردند، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پادشاه روی زمین می شوند و سایر ائمه (سلام الله علیهم) فرمانداران او خواهند بود، و به عکس روز نخست، این بار آشکارا مبعوث می گردد و خدا را آشکارا عبادت می کند.

سپس حضرت صادق (سلام الله علیه) فرمودند: آری، به خدا سوگند! امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دوبار به دنیا رجعت می کند، و با دست اشاره کردند که چندبار آن حضرت رجعت خواهند کرد، خداوند سلطنت تمام اهل عالم را از روز آفرینش دنیا تا روز فنای جهان به پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) می دهد، تا وعده ای که در قرآن به او داده، مصداق پیدا کند، چنان که فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

2_ عَنْ أَبِي الْمِقْدَامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)، وَقَالَ: فِي خَبَرٍ آخَرَ

عَنْهُ (سلام الله عليه) قَالَ: لِيُظْهِرَهُ اللَّهُ فِي الرَّجْعَةِ (1).

از ابو مقداد نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) در باره این سخن خدای متعال: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، فرمودند: هیچ کس باقی نمی ماند، مگر اینکه اقرار به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می کند.

و در خبر دیگری که از آن حضرت است، فرمودند: خداوند او (حضرت مهدی (سلام الله عليه)) را در رجعت غالب و پیروز می گرداند.

ص: 120

1- _ بحار الأنوار، ج 52، ص 346، ح 93؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 770، ح 4520 و 4521؛ تفسير الصافي، ج 2، ص 338؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 87، ح 50 و 51.

کد آیه: 111/9 اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ * يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ * وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ * وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ * فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ * وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ 111

خدا، جان و مال مردم با ایمان را در مقابل بهشتی که نصیب آنان خواهد کرد، پیش خرید می کند. این مردم با ایمان در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است که خدا در هر سه کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد کرده است. وفادارتر از خدا به عهد خود کیست؟ شما را به داد و ستدی که با وی انجام داده اید، بشارت باد، سعادت و پیروزی بزرگ همین است.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ)، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»، إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، فَقَالَ: ذَلِكَ فِي الْمِيثَاقِ، ثُمَّ قَرَأْتُ: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ): لَا تَقْرَأْ هَكَذَا، وَلَكِنْ أَقْرَأْ: «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَعِدَّةَ ذَلِكَ هُمْ الَّذِينَ اشْتَرَى مِنْهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ يَعْني فِي الرَّجْعَةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ): مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ مِئْتَةٌ وَقَتْلَةٌ مِنْ مَاتَ بُعِثَ حَتَّى يُقْتَلَ وَمَنْ قُتِلَ بُعِثَ حَتَّى يَمُوتَ. (1)

ص: 121

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 293، ح 117؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 71، ح 70؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 857، ح 4760؛ تفسير الصافي، ج 2، ص 382؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 112، ح 140؛ مختصر البصائر، ص 99، ح 69.

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) پرسیدم، حضرت فرمودند: این میثاق و معامله در عالم ذر بوده، سپس آیه بعد را خواندم: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»، (یعنی مؤمنان عبارت اند از توبه کنندگان و عبادت کنندگان)

حضرت فرمودند: چنین بخوان: «التائبين العابدین» آنگاه فرمودند: هرگاه این توبه کنندگان و عبادت کنندگان را دیدی، بدان همان هاینده که خدا جان و مالشان را خریده، یعنی در زمان رجعت، سپس حضرت فرمودند: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه مردنی دارد، و کشته شدنی، پس هرکه بمیرد، زنده شود تا کشته گردد، و هرکه کشته شود، زنده گردد تا بمیرد.

کد آیه: 39/10 اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ * كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ * فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ 39

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آن ها نیز همین گونه تکذیب کردند پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

1_ عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرَّجْعَةِ وَآلِهَا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِي تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ يَجِئْ أَوَانُهُ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ». (1)

از زرارہ نقل است کہ گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در بارہ رجعت و امثال این امور مهم سؤال کردم، حضرت فرمودند: همانا این را کہ می پرسى هنوز وقتش نرسیدہ است، و بہ تحقیق خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: بلکه آن ها آنچه را کہ با علم خود بہ آن احاطہ نداشتند، دروغ پنداشتند در صورتی کہ (دروغ نیست) و هنوز (موقع) تأویل آن نرسیدہ است.

ص: 123

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 278، ح 89؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 40، ح 4؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 31، ح 4898؛ تفسير الصافي، ج 2، ص 403؛ مختصر البصائر، ص 108، ح 80.

2_ في تفسير القمي: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، أَي لَمْ يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِي الرَّجْعَةِ، كَذَّبُوا بِهَا أَيَّ أَنْهَا لَا تَكُونُ، ثُمَّ قَالَ: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ».(1)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، بعد از ذکر این آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: چیزی را که علم آن ها به آن احاطه ندارد، تکذیب کردند، در صورتی که هنوز تأویل آن برای آن ها نیامده است، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، و بدین گونه پیشینیان را نیز تکذیب نمودند، این آیه در باره رجعت نازل شده، بی دینان وقوع رجعت را تکذیب می کنند و می گویند: رجعتی نخواهد بود، سپس فرمود: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ».

ص: 124

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 51، ح 25؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 31، ح 4895؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 312؛ تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 305، ح 67.

کد آیه: 54/10 اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ* وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ* وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ* وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ 54

و اگر هر چه در روی زمین است، متعلق بکسی باشد که بسیار ظلم کرده است و بخواهد همه آن را فدا کند از او پذیرفته نخواهد شد و چون عذاب را مشاهده کنند، پشیمانی خود را نهان می دارند و میان آن ها به عدالت حکم می شود و ستمی به آنان نخواهد شد.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ»، آل محمد (سلام الله عليهم) حَقَّهُمْ، «مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً لَافْتَدَتْ بِهِ»، في ذَلِكَ الْوَقْتِ يَعْنِي الرَّجْعَةَ. (1)

در تفسیر قمی، در باره این سخن خدای متعال: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ»، می فرماید: هر کس در حق آل محمد (سلام الله عليهم) ظلمی کرده باشد، حاضر است تمام آنچه را که در روی زمین است، اگر مالک باشد، همه را بدهد تا از کیفر روز رجعت نجات یابد.

ص: 125

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 286؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 51، ح 26؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 34، ح 4911؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 6، ص 66؛ تفسير القمي، ج 1، ص 313؛ تفسير نور الثقلين، ج 2، ص 306، ح 76.

کد آیه: 5/14 اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

... وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ 5

و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!

1_ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (سلام الله عليه) يَقُولُ: «أَيَّامُ اللَّهِ»، ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ، يَوْمُ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (1)

از مشای حنات نقل است که گفت: شنیدم از حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) که می فرمودند: روزهای خداوند (عز و جل) سه روزند، روزی که حضرت قائم (سلام الله عليه) قیام می کنند، و روز رجعت، و روز قیامت.

2_ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، أَنَّهُ قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (2)

ص: 126

-
- 1- _ اثبات الهداة، ج 5، ص 185، ح 623؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 1، ص 68 و ج 2، ص 291؛ بحار الانوار، ج 7، ص 61 و ج 51، ص 50؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 286، ح 5671؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 80؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 29؛ تفسير نور الثقلين، ج 2، ص 526؛ الخصال، ج 1، ص 108، ح 75.
- 2- _ احقاق الحق، ج 13، ص 348؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 1، ص 90؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 28، ح 9739؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 558؛ تفسير شريف لاهيجي، ج 4، ص 118؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 153.

از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) نقل است که فرمودند:

روزهایی که مورد امید و آرزو هستند، سه روز هستند: روز قیام حضرت قائم (سلام الله علیه)، و روز رجعت، و روز قیامت.

توضیح: با این که همه روزها از آن خداوند می باشند، ولی خدای متعال در کتاب خودش، برخی از آن ها که از ویژگی خاصی برخوردار هستند را، «ایام الله» نامیده است و انتساب آن ها به خدای متعال به خاطر وقایع و حوادثی است که در آن روزهای خاص اتفاق می افتد، و به نوعی خداوند در آن روزها قدرت نمایی می کند.

یکی از مهم ترین و باشکوه ترین آن روزها، روز «رجعت» می باشد، که در آن روز خداوند (عزّ و جلّ) با اراده و قدرت بی منتهای خودش، جلوه ای از روز قیامت (زنده شدن مردگان) را به جهانیان نشان می دهد.

ص: 127

کد آیه: 2/15 اسم آیه: رجعت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و شیعان نشان

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ²

کافران چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند!

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ... إِلَى أَنْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (سلام الله علیه): قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، قَالَ: هُوَ أَنَا، إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَشِيعَتِي، وَخَرَجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَشِيعَتُهُ، وَنَقُتِلُ بَنِي أُمَيَّةَ، فَعِنْدَهَا «يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»⁽¹⁾.

از جابر بن یزید نقل است که گفت: در روایتی طولانی حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) فرمودند: وجود مقدس امیرمؤمنان علی (سلام الله علیه) در تفسیر این فرمایش خداوند (عز و جل): «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم، آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

ص: 128

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 64، ح 55؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 721، ذیل ح 2912 و ج 3، ص 331؛ مختصر البصائر، ص 89، ذیل ح 55؛ مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، ج 3، ص 98، ح 758.

کد آیه: 38/15 اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ 38

تا روزی که وقت آن نزد ما معلوم و مشخص است.

1_ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، قَالَ: يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، يَوْمٌ يَذْبَحُهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در بارة فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فرمودند: «يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، روزی است که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)، شیطان را بر صخره ای در بیت المقدس ذبح می کنند.

2_ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه) يَقُولُ: إِنَّ إِبْلِيسَ «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (2)، فَأَبَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ظَهَرَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ

ص: 129

1- _ بحار الأنوار، ج 11، ص 154، ح 31 و ج 60، ص 244، ح 96؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 365، ح 5863؛ تفسیر الصافی، ج 3، ص 113؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 245؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 129؛ تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 472، ح 94.

2- _ سورة اعراف (7)، آیه 14.

اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَشْيَاغِهِ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهِيَ آخِرُ كَرَّةٍ يَكْرُهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، فَقُلْتُ: وَإِنَّهَا لَكَرَّاتٌ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهَا لَكَرَّاتٌ وَكَرَّاتٌ، مَا مِنْ إِمَامٍ فِي قَرْنٍ إِلَّا وَكَرَّرَ مَعَهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ فِي دَهْرِهِ، حَتَّى يُدِيلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ.

فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، كَرَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) فِي أَصْحَابِهِ، وَجَاءَ إِبْلِيسُ فِي أَصْحَابِهِ، وَيَكُونُ مِيقَاتُهُمْ فِي أَرْضٍ مِنْ أَرْضِي الْفُرَاتِ، يُقَالُ لَهَا: الرُّوحَاءُ قَرِيبٌ مِنْ كُوفَتِكُمْ، فَيَقْتَتِلُونَ قِتَالًا لَمْ يُقْتَتَلْ مِثْلُهُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى أَصْحَابِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَدْ رَجَعُوا إِلَى خَلْفِهِمُ الْقَهْقَرَى مِائَةَ قَدَمٍ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَقَدْ وَقَعَتْ بَعْضُ أَرْجُلِهِمْ فِي الْفُرَاتِ.

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْبِطُ الْجَبَّارُ عَزَّ وَجَلَّ «فِي ظُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» (1)، رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَمَامَهُ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ مِنْ نُورٍ، فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ رَجَعَ الْقَهْقَرَى نَاكِصًا عَلَى عَقَبَيْهِ، فَيَقُولُونَ لَهُ أَصْحَابُهُ: أَيْنَ تُرِيدُ وَقَدْ ظَفِرْتَ؟ فَيَقُولُ: «إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ...» (2)، «...إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (3)، فَيُلْحَقُهُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَيَطْعُنُهُ طَعْنَةً بَيْنَ كَتِفَيْهِ، فَيَكُونُ هَلَاكُهُ وَهَلَاكُ جَمِيعِ أَشْيَاغِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُعْبَدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْئًا.

وَيَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) أَزْبَعًا وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يَلِدَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) أَلْفَ وَلَدٍ مِنْ صُلْبِهِ ذَكَرًا، فِي كُلِّ سَنَةٍ ذَكَرًا، وَعِنْدَ ذَلِكَ تَظْهَرُ الْجَنَّتَانِ

ص: 130

1- سورة بقره (2)، آية 210.

2- سورة انفال (8)، آية 48.

3- سورة حشر (59)، آية 16.

از عبد الکریم بن عمرو خثعمی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) شنیدم که می فرمودند: همانا ابلیس به خداوند عرض کرد: مرا تا روز قیامت مهلت ده، خدای سبحان خواسته او را نپذیرفت و فرمود: تا روز وقت معلوم مهلت داری، زمانی که روز وقت معلوم فرا رسد، ابلیس که لعنت خدا بر او باد، با تمام هوادارانش، از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) انجام می دهند، به آن حضرت عرض کردم: مگر رجعت، چند بار صورت می گیرد؟

حضرت فرمودند: آری، رجعت چندین و چند بار است، هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی نیست، مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسان های تبهکار زمان خودش، با او رجعت می کنند، تا اینکه خداوند به وسیله مؤمن، از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با یاران خودشان رجعت دارند، و ابلیس و هوادارانش نیز می آیند، و میعادگاه آنان در زمینی از زمین های فرات است که به آن (روحاء) می گویند، و آن نزدیک کوفه شما است، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می کنند، که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده، بی سابقه بوده است.

گویا به یاران امیرالمؤمنین علی (سلام الله علیه) می نگرم، که صد گام به عقب بر می گردند، (عقب نشینی می کنند) و گویا می بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلی خدای جبار (عز و جل)، «به وسیله قطعه به هم پیوسته ای از ابر

ص: 131

1- بحار الأنوار، ج 53، ص 42، ح 12؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 448، ح 1098 و ج 3، ص 365، ح 5864؛ مختصر البصائر، ص 115، ح 91؛ مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج 3، ص 101، ح 764؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص 290، ح 9.

و فرشتگان، فرود می آید، و وعده عملی می شود».

آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سلاحی از نور در دست دارند، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می نگرد، به عقب بر می گردد، و عقب می نشیند. یارانش به او می گویند: کجا می خواهی بروی، تو پیروز شده ای؟

پس ابلیس می گوید: «چیزی را که من می بینم شما نمی بینید»، «من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم»، در اینجا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با او درگیر می شوند و حربه ای به میان کتف او فرود می آورند، که هلاکت ابلیس و کلیه هوادارانش را در پی خواهد داشت، در این زمان خداوند (عزّ و جلّ) (به حقّ) عبادت می شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی شود، و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مدّت چهل و چهار هزار سال حکومت می کنند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو آن حضرت، هزار فرزند پسر به وجود آید، که در هر سال یک پسر، و در این زمان دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن، آنگونه که خداوند بخواهد، پدیدار می گردد.

توضیح: یکی از شاگردان معروف حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه)، ابو جعفر محمد بن علی بن نعمان، معروف به مؤمن الطاق) است. او مردی سخنور و حاضر جواب و شیرین زبان، و از متکلمین شیعه به شمار می آید، و به همین جهت، بزرگان و دانشمندان اهل تسنّن، از وی حساب می بردند.

بعضی گفته اند: علّت اینکه او را، مؤمن الطاق، می گفتند، این است که، وی در کوفه دگانی در محل معروف به (طاق المحامل) داشته، و در آن زمان سگه های تقلّبی شیوع یافته، که تشخیص آن، از پول اصلی برای مردم مشکل بود، و تنها مؤمن الطاق بود که به خوبی سگه های تقلّبی را تشخیص می داده است، از این جهت اهل تسنّن

ابو جعفر مؤمن الطاق با ابو حنیفه که بزرگترین دانشمند اهل تسنن و فقیه نامی آن ها بود، داستان های شیرین و حکایت های لطیفی دارد، که همه حاکی از ظرافت طبع و سرعت انتقال و لطافت بیان او است، به عنوان مثال توجه شما را به یکی از آن داستان ها جلب می نمایم:

قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ لِمُؤْمِنِ الطَّاقِ وَقَدْ مَاتَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهما): يَا أَبَا جَعْفَرٍ! إِنَّ إِمَامَكَ قَدْ مَاتَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: لَكِنَّ إِمَامَكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

وقتی که حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) به شهادت رسیدند، ابو حنیفه، به مؤمن الطاق گفت: ای ابو جعفر! امام توفوت شد! مؤمن الطاق در جواب گفت: آری، امام من به شهادت رسید، ولی امام تو (شیطان) زنده است، تا روزی که خداوند برای او معین کرده است!

مرحوم شیخ بهائی (قدس سرّه)، در کتاب کشکولش نوشته است که مهدی خلیفه عباسی از سخن مؤمن الطاق خندید و امر کرد که ده هزار درهم به او بدهند! [\(1\)](#)

ص: 133

کد آیه: 22/16 اسم آیه: کفر منکران رجعت

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ 22

معبود شما خداوند یگانه است اما کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دلهایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند.

1_ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ)، يَقُولُ: فِي قَوْلِهِ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ، «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ»، يَعْنِي أَنَّهَا كَافِرَةٌ. (الحدِيث) (1)

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) شنیدم که درباره این فرمایش خدای متعال: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، می فرمودند: یعنی کسانی که به آخرت ایمان نیاورند، آن ها به رجعت هم اعتقادی ندارند که البته رجعت حق است، و مقصود از: «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ»، یعنی دل هایشان به انکار خو گرفته و آن ها کافرند.

2_ فِي تَفْسِيرِ الْعِيَّاشِيِّ: عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سَلامَ اللهِ عَلَيْهِ)، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَمْوَاتٌ غَيْرُ

ص: 134

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 253، ح 33؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 104، ح 46؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 411، ح 5997؛ تفسير القمي، ج 1، ص 383؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 195؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 47، ح 54.

أَحْيَاءٍ» (1)، يَعْنِي كُفَّاراً غَيْرَ مُؤْمِنِينَ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ» (2)، فَإِنَّهُ يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَأَنَّهُمْ يُشْرِكُونَ، «إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ»، فَإِنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»، فَإِنَّهُ يَعْنِي لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ. (3)

در تفسیر عیاشی: از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در باره این سخن خدای متعال: «أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ»، فرمودند: یعنی آن مردگان کافراند، چراکه مؤمن نیستند، و اما مقصود از: «وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ»، یعنی آنان ایمان نمی آورند و همانا آن ها مشرکند، و: «إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ»، همان گونه که خداوند فرموده، معبود یگانه است، و مقصود از: «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» یعنی به رجعت ایمان نمی آورند همانا آن، حق است.

ص: 135

1- _ سورة نحل (16)، آیه 21.

2- _ همان.

3- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 118، ح 147؛ تفسیر العیاشی، ج 2، ص 256، ح 14؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 195؛ تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 47، ح 53.

کد آیه: 34/16 اسم آیه: عذاب در رجعت

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ³⁴

و سرانجام بدی های اعمالشان به آن ها رسید و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد.

روی علی بن ابراهیم، فی قوله تعالى: «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»، قَالَ: مِنَ الْعَذَابِ فِي الرَّجْعَةِ (1).

جناب علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر این سخن خدای متعال: «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»، می فرماید: مقصود از عذابی که مسخره می کردند، عذاب در رجعت است.

ص: 136

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 253، ح 34؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 419، ح 6016؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 134؛ تفسير القمی، ج 1، ص 385؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 206.

کد آیه: 39 و 38/16 اسم آیه: کافران این امت

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ*بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ 38 لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الْاِذَى يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ 39

آن ها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست ، ولی بیشتر مردم نمی دانند! (38) تا آنچه در آن اختلاف داشتند بر آنان آشکار گردد و کافران از سخنان دروغ آمیز و افکار نادرست خود کاملاً آگاه شوند. (39)

1_ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ الْمُشْرِكِينَ يَزْعُمُونَ وَيَحْلِفُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَنَّ اللَّهَ لَا يَبْعَثُ الْمَوْتَى.

قَالَ: فَقَالَ: تَبَّ لِمَنْ قَالَ هَذَا، سَلُّهُمْ هَلْ كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ أَمْ بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَوْجَدْنِيهِ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا قُبَاعَ سَيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا، فَيَقُولُونَ: بُعِثَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ، وَهُمْ مَعَ الْقَائِمِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ عَدُوِّنَا، فَيَقُولُونَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! مَا أَكْذَبَكُمْ هَذِهِ دَوْلَتُكُمْ وَأَنْتُمْ تَقُولُونَ فِيهَا الْكَذِبَ، لَا، وَاللَّهِ! مَا عَاشَ

هَؤُلَاءِ وَلَا يَعْشُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَحَكَى اللَّهُ قَوْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ».(1)

از ابو بصير نقل است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) عرض کردم که در باره این فرمایش خدای تبارک و تعالی: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، برای من بفرمایید، حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! مردم در باره این آیه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: مشرکان می گفتند خدا مردگان را زنده نمی کند و برای اثبات این مدعی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قسم می خوردند.

حضرت فرمودند: مرگ بر کسانی که آیه را این چنین تفسیر می کنند، از اینان پرس: مشرکان به خدا قسم می خوردند، یا به «لات و عزی»؟ عرض کردم: فدایتان شوم! پس آن را برایم معلوم و روشن فرمایید.

حضرت به من فرمودند: ای ابو بصیر! هنگام قیام قائم ما خداوند جمعی از شیعیان ما را در حالی که قبضه شمشیرشان را بر دوش نهاده اند، زنده می کند، از طرفی، وقتی این خبر به شیعیان ما، که در آن وقت زنده اند، می رسد، به یکدیگر بشارت می دهند که: فلانی و فلانی و فلانی، از قبرهایشان برخاسته اند، و در رکاب حضرت قائم (سلام الله عليه) هستند، از طرف دیگر، تا این خبر به عده ای از دشمنان ما می رسد، می گویند: ای گروه شیعه! شما چه قدر دروغ می گوید؟! این دوران دولت شما است، که در آن دروغ می گوید؟ نه،

ص: 138

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 247، ح 24؛ بحار الانوار، ج 53، ص 92، ح 102؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 420، ح 6020؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 258؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 135؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 209؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 54، ح 83؛ الكافي، ج 8، ص 51، ح 14؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 25، ص 110، ح 14.

به خدا! اینها زنده نشده اند، و تا قیامت هم زنده نشوند، لذا خدای متعال در اینجا سخن آن ها را حکایت کرده است که می فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ».

2_ عَنْ سِيرِينَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، إِذْ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا قِيَامَةَ وَلَا بَعْثَ وَلَا نُشُورَ، فَقَالَ: كَذَّبُوا، وَاللَّهِ! إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) وَكَرَّرَ مَعَهُ الْمُكْرُونَ.

فَقَالَ أَهْلُ خِلَافِكُمْ: قَدْ ظَهَرَتْ دَوْلَتُكُمْ، يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! وَهَذَا مِنْ كَذِبِكُمْ، تَقُولُونَ: رَجَعَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ، لَا، وَاللَّهِ! «لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»، أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ قَالُوا: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»، كَانَتْ الْمُسْرِكُونَ أَشَدَّ تَعْظِيمًا لِلَّاتِ وَالْعُزَّى مِنْ أَنْ يُقْسِمُوا بِغَيْرِهَا، فَقَالَ اللَّهُ: «...بَلَى وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».(1)

از سیرین نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) بودم، حضرت فرمودند: مردم درباره این آیه چه می گویند: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ گفتم: می گویند: یعنی نه قیامت است، نه رستاخیز و نه روز محشر، حضرت فرمودند: به خدا قسم! دروغ می گویند، همانا این امر مربوط به ظهور حضرت قائم (سلام الله عليه) است، هنگامی که قیام می ... کند و رجعت کنندگان، همراه او

ص: 139

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 293، ح 116؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 71، ح 69؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 421، ح 6024؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 136؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 259، ح 28؛ تفسير كنز الدقائق وبحر الغرائب، ج 7، ص 208؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 53، ح 81.

رجعت می کنند، مخالفین شما می گویند: ای شیعیان! دولت شما برپا شده و اینکه می گوید: فلانی و فلانی زنده شده اند، از دروغ های شماست، نه، به خداسوگند! خدا مردگان را زنده نمی کند، و آیا نمی بینی که خداوند فرموده است: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»؟ مشرکان، لات و عزی را بسیار بزرگ می دانستند و جز به آن دو سوگند نمی خوردند، پس خدای متعال فرموده است: «...بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لَيَبِينَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

3- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي الْكُفَّارِ، قَالَ: إِنَّ الْكُفَّارَ كَانُوا لَا يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ، وَإِنَّمَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم).

قِيلَ لَهُمْ: تَرْجِعُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَبْلَ الْقِيَامَةِ، فَحَلَفُوا إِنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: «لَيَبِينَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، يَعْنِي فِي الرَّجْعَةِ يَرْدُّهُمْ فَيَقْتُلُهُمْ وَيُشْفِي صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ فِيهِمْ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: مردم درباره این آیه چه می گویند؟ عرض شد: می گویند که این آیه درباره کفار نازل شده، حضرت فرمودند: هیچ وقت کفار به خدا، قسم نمی خورند، این آیه درباره جمعی از امت حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) نازل شده، که چون به آن ها گویند: بعد از مرگ، پیش از قیامت به دنیا برمی گردید، آن ها قسم

ص: 140

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 287؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 253، ح 35؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 420، ح 6021؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 135؛ تفسير القمي، ج 1، ص 385؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 209؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 54، ح 84.

می خورند که بر نمی گردند، پس خدای متعال سخن آنان را ردّ کرده، می فرماید: «لَيَسِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، (چرا بر می گردند) تا آنچه در آن اختلاف دارند بر ایشان بیان کند، و آن ها که کافر شدند بدانند دروغ گو بوده اند، یعنی در زمان رجعت، خداوند آنان را بر می گرداند، و می کشد، تا دلهای مؤمنان از این واقعه شاد و مسرور گردد.

کد آیه: 5/17 اسم آیه: رجعت جناب سلمان

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ *وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا 5

پس هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، بندگان سرسخت و خشن را بر شما می فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند حتی برای به دست آوردن مجرمان) خانه ها را جستجو می کنند، و این وعده ای است قطعی.

عَنْ زَادَانَ، عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَوْمًا فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ، قَالَ: يَا سَلْمَانُ فَهَلْ عَرَفْتَ مَنْ نَقَبَائِي الْإِثْنَا عَشَرَ، الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ!

قَالَ: يَا سَلْمَانُ! خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صَفْوَةِ نُورِهِ، وَدَعَانِي فَأَطَعْتُهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِي نُورَ عَلِيِّ (سلام الله عليه)، فَدَعَاهُ إِلَى طَاعَتِهِ فَأَطَاعَهُ، وَخَلَقَ مِنْ نُورِي وَنُورِ عَلِيِّ فَاطِمَةَ (سلام الله عليها)، فَدَعَاَهَا فَأَطَاعَتْهُ، وَخَلَقَ مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، فَدَعَاَهُمَا فَأَطَاعَاهُ، فَسَمَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ، فَاللَّهُ مُحَمَّدٌ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ، وَ اللَّهُ الْعَلِيُّ وَ هَذَا عَلِيٌّ، وَ اللَّهُ فَاطِرٌ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ، وَ اللَّهُ ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ، ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا وَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ (سلام الله عليه) تِسْعَةَ أَيْمَةٍ (سلام الله عليهم)، فَدَعَاَهُمْ فَأَطَاعُوهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، أَوْ أَرْضاً مَدْحِيَّةً، أَوْ هَوَاءً وَ مَاءً وَ مَلَكاً أَوْ بَشَرًا، وَ كُنَّا بِعِلْمِهِ أَنْوَارًا نُسَبِّحُهُ وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِيعُ.

فَقَالَ سَلْمَانُ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي! مَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: يَا سَلْمَانُ! مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ وَاقْتَدَى بِهِمْ، فَوَالِي وَلِيَّهِمْ وَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَهُوَ وَاللَّهُ! مِنَّا يَرِدُ حَيْثُ نَرُدُّ وَ يَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ.

قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَهَلْ يَكُونُ إِيمَانُ بِهِمْ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ؟ فَقَالَ: لَا، يَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِي لِحَبَابِهِمْ؟ قَالَ: قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحَسَنِ (سلام الله عليه)، قَالَ: ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (سلام الله عليهما)، ثُمَّ وَلَدُهُ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهما)، لِسَانُ اللَّهِ الصَّادِقُ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (سلام الله عليهما)، الْكَاطِمُ غَيْظُهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (سلام الله عليهما)، الرِّضَا لِأَمْرِ اللَّهِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، الْجَوَادُ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهما)، الْهَادِي إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، الصَّامِتُ الْأَمِينُ عَلَى دِينِ اللَّهِ الْعَسَ كَرِيٍّ، ثُمَّ ابْنُهُ حُجَّةُ اللَّهِ فَلَانُ، سَمَاءُهُ بِأَسْمِهِ ابْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيُّ (سلام الله عليه)، وَ النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللَّهِ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَبَكَيْتُ، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِسَلْمَانَ بِإِدْرَاكِهِمْ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَأَمْثَالُكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ، قَالَ سَلْمَانُ: فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي مُوجِلٌّ إِلَى عَهْدِهِمْ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! أَفَرَأُ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»، «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بُكَائِي وَشَوْقِي وَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِعَهْدٍ مِنْكَ؟ فَقَالَ: إِي، وَ الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا! إِنَّهُ لَبِعَهْدٍ مِنِّي وَبِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ تِسْعَةِ أَئِمَّةٍ، وَ كُلٌّ مِنْ هُوَ مِنَّا وَ مَظْلُومٌ فِينَا، إِي، وَ اللَّهِ! يَا سَلْمَانُ! ثُمَّ لِيَحْضُرَنَّ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ وَ كُلٌّ مِنْ مَحْضِ الْإِيمَانِ مَحْضًا، وَ مَحْضِ الْكُفْرِ مَحْضًا، حَتَّى يُؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ وَ الثَّارَاتِ

«وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»⁽¹⁾، وَيَحَقِّقُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»⁽²⁾.

قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَمَا يُبَالِي سَلْمَانُ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ أَوْ لَقِيَهُ.⁽³⁾

از زاذان نقل است که گفت: جناب سلمان (علیه السلام) فرمود: روزی محضر مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شدم، چون نظرشان به من افتاد، فرمودند: ای سلمان! خداوند (عز و جل)، هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده، جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار داده، عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته ام، حضرت فرمودند: ای سلمان! آیا می دانی آن دوازده تن که خداوند بعد از من برای پیشوایی برگزیده است، چه کسانی هستند؟ عرض کردم: خدا و پیامبرش بهتر می دانند!

حضرت فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از نور پاک خود آفرید، مرا خواند پس اطاعت کردم، و از نور من، علی را آفرید، او را نیز خواند پس او اطاعت کرد، سپس از نور من و علی، فاطمه (سلام الله علیها) را خلق نمود، و او را نیز خواند پس اطاعت کرد، آنگاه از نور من و علی و فاطمه، حسن و حسین (سلام الله علیهما) را آفرید، آن دو را نیز به بندگی و اطاعت خود

ص: 144

1- _ سورة كهف (18)، آیه 49.

2- _ سورة قصص (28)، آیه 5 و 6.

3- _ بحار الأنوار، ج 25، ص 6، ح 9 و ج 53، ص 142، ح 162؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 503، ح 6249 و ج 4، ص 252، ح 8096؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله علیهم)، ج 6، ص 358، ح 3؛ دلائل الإمامة، ص 448، ح 424؛ مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص 6؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص 128، ح 26؛ الهدایة الکبری، ص 375.

فراخواند پس آن ها نیز اطاعت کردند، پس خداوند (عزّ و جلّ) ما را به پنج اسم خود موسوم نمود، خدا محمود است و من محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم، خدا علی است، این هم علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) است، خدا فاطر السموات و الارض است، این هم فاطمه (سلام الله علیها) است، خداوند صاحب احسان است، این هم حسن (سلام الله علیه) است، و خداوند محسن است، این نیز حسین (سلام الله علیه) است.

از آن پس از نور ما و نور حسین (سلام الله علیه)، بقیّه امامان نه گانه را آفرید و آن ها را به پیروی از خود دعوت نمود، آن ها نیز پیش از آنکه آسمانی درست شود و زمینی پهن گردد و هوایی و آبی و فرشته ای و بشری باشد، پذیرفتند و خدا را اطاعت کردند، پس ما با علم خداوند، انواری بودیم، که او را پاک و منزّه می دانستیم و از او اطاعت می کردیم.

سلمان گفت: عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایتان! کسی که ایشان را بشناسد چه ثواب و پاداشی دارد؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! هر کس ایشان را بشناسد و به حقیقت به آنان معرفت پیدا نماید و از آنان پیروی کند، و دوستان آن ها را دوست بدارد، و از دشمنان آنان بیزاری بجوید، به خدا قسم! با ما خواهد بود، هر جا ما وارد شویم، آن ها نیز وارد می شوند و هر جا مسکن کنیم، آن ها نیز ساکن می شوند.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا بدون شناختن نام های ایشان، ایمان به آن ها کافی است؟ فرمودند: نه، ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا! پس آن ها را به من معرفی فرمایید، حضرت فرمودند: آن ها را تا حسین دانستی (یعنی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و امام حسن (سلام الله علیه)) بعد از حسین (سلام الله علیه)، آقای عبادت کنندگان، علی بن الحسین (سلام الله علیهما)، و بعد از او فرزندش محمّد بن علی (سلام الله علیهما)، شکافنده علم اوّلین و آخرین از پیامبران و مرسلین، بعد از او فرزندش جعفر بن محمّد (سلام الله علیهما)، زبان صادق و گویای خداوند، بعد از او موسی بن جعفر (سلام الله علیهما)، فرو نشاننده غیظ و غضب خود به بردباری و صبر در راه خدای متعال، بعد

از او علی بن موسی (سلام الله علیهما)، راضی به امر پروردگار، بعد از او محمد بن علی (سلام الله علیهما)، برگزیده خلق خدا، بعد از او علی بن محمد (سلام الله علیهما)، راهنمای خلق به سوی خدا، بعد از او حسن بن علی (سلام الله علیهما)، صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، و بعد از او فرزندش مهدی (سلام الله علیه)، ناطق و قائم بر حق خداوند (عز و جل) است.

سلمان گفت: پس من گریستم و عرض کردم: ای رسول خدا! سلمان کجاست که آن ها را درک کند؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! تو و امثال تو، و هر کس که آنان را حقیقتاً و با معرفت، دوست بدارد، ایشان را درک خواهید کرد.

سلمان گفت: خدا را بسیار شکر کردم و سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من تا زمان آن ها خواهم بود؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! این آیه را بخوان: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»، «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

سلمان گفت: گریه من از روی شوق شدت یافت و عرض کردم: ای رسول خدا! آیا این، در زمان شما خواهد بود؟ فرمودند: آری، سوگند به خدایی که محمد را فرستاده! در آن زمان، من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام دیگر (سلام الله علیهم)، و هر که از ما است و به خاطر ما به او ستم شده، همه یک جا جمع خواهیم شد.

آری، به خدا سوگند! ای سلمان! سپس شیطان و لشکریانش، و همچنین هر مؤمن خالص، و هر کافر واقعی، بیایند تا قصاص و انتقام ظلم ها و خون ها گرفته شود، و خداوند به هیچ کس ستم نکند، و ماییم تاویل این آیه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»، سلمان گوید: از محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستم و باکی نداشتم که چه زمانی به استقبال مرگ بروم و یا مرگ مرا ملاقات نماید.

کد آیه: 6/17 اسم آیه: رجعت امام حسین (سلام الله علیه)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا⁶

سپس شما را بر آن ها چیره می کنیم و شما را به وسیله دارایی ها و فرزندان کمکی خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.

1_ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه)، ... فِي قَوْلِهِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، خُرُوجُ الْحُسَيْنِ (سلام الله علیه) فِي سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ، الْمُدَّهَبُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَانِ، الْمُؤَدُّونَ إِلَى النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحَسَنَ (سلام الله علیه) قَدْ خَرَجَ حَتَّى لَا يَسُدَّكَ الْمُؤْمِنُونَ فِيهِ، وَأَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَالٍ وَلَا شَيْطَانٍ، وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ، فَإِذَا اسْتَبَقَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحَسَنُ (سلام الله علیه)، جَاءَ الْحُجَّةُ الْمَوْتُ، فَيَكُونُ الَّذِي يُغَسِّلُهُ وَيُكْفِنُهُ وَيَحْنُطُهُ وَيَلْحَدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ⁽¹⁾.

از عبد الله بن قاسم بطل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: ... و مقصود از این سخن خدای متعال: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، رجعت

ص: 147

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 309، ح 11؛ بحار الانوار، ج 53، ص 93، ح 103؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 503، ح 6248؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص 272؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 179؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 361؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 138، ح 77؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 362، ح 5؛ الكافي، ج 8، ص 206، ح 250؛ مختصر البصائر، ص 164، ح 138.

امام حسین (سلام الله علیه) است، که همراه با هفتاد تن از یاران وفادار خود، کلاه خودهای زرّین بر سر دارند، که از هر دور و طلاست، آن ها به مردم خبر می دهند که این شخص، امام حسین (سلام الله علیه) است که رجعت نموده و بیرون آمده، تا هیچ مؤمنی در باره آن حضرت شک و تردید نکند، و بدون تردید، او دجال و شیطان نیست، و هنوز حجت بن الحسن (سلام الله علیهما) میان مردم است، و چون در دل مؤمنان استوار شود که او امام حسین (سلام الله علیه) است، اجل امام دوازدهم، که حجت خدا است، فرا می رسد، پس امام حسین (سلام الله علیه) خواهد بود، که او را غسل می دهد و کفن و حنوط می کند، و به خاکش می سپارد، چرا که عهده دار تجهیز جنازه وصی نشود، مگر وصی و امام.

2_ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه): إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما) وَأَصْحَابُهُ، وَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَأَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَدُّو الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه): «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (1).

از رفاعه بن موسی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) فرمودند: اول کسی که به دنیا برمی گردد، حضرت حسین بن علی (سلام الله علیهما) و اصحاب او هستند، و یزید و یارانش نیز بر می گردند، آنگاه بدون ذره ای کم و زیاد از آنان انتقام می گیرد، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ

ص: 148

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 294، ح 118؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 76، ح 78؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 506، ح 6256؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 179؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 282، ح 23؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 362؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 140، ح 83؛ حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 369، ح 18.

3- عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ وَزَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَا: سَمِعْنَاهُ يَقُولُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا)، وَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ. (1)

از معلی بن خنیس و زید شحام نقل است که گفتند: ما شنیدیم که حضرت امام جعفر صادق (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) می فرمودند: همانا اول کسی که در رجعت بر می گردد، حضرت امام حسین (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) است، و چهل سال در دنیا می ماند، تا ابروهایش روی چشمانش را بگیرد.

ص: 149

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 358، ح 105؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 64، ح 54؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 506، ح 6257؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِم)، ج 6، ص 367، ح 13؛ مختصر البصائر، ص 91، ح 58.

کد آیه: 72/17 اسم آیه: رجعت کوردلان

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا 72

اما کسی که در این جهان نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا (سلام الله عليهما)، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ. (1)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه)، یا حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه)، درباره این فرمایش خداوند (عز و جل): «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»، فرمودند: این مربوط به رجعت است.

ص: 150

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 274، ح 81؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 67، ح 61؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 560، ح 6484؛ تفسير العياشي، ج 2، ص 306، ح 131؛ مختصر البصائر، ص 96، ح 65.

کد آیه: 12/18 اسم آیه: رجعت اصحاب كهف

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ۚ

پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه، مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد.

رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: يُخْرَجُ الْقَائِمُ (سلام الله عليه) مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (عليه السلام)، الَّذِينَ كَانُوا «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (1)، وَ سَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَيُوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ الْمُقْدَادَ، وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا. (2)

از جناب مفصل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه با حضرت قائم (سلام الله عليه) بیرون می آیند، پانزده نفر از آنان، از قوم حضرت موسی (سلام الله عليه) می باشند، همان کسانی که «به حق هدایت می کنند و به حق داوری می نمایند»، و هفت نفر آنان، از اصحاب

ص: 151

1- _ سورة اعراف (7)، آیه 159.

2- _ الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 386؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 250، ح 27؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 90، ح 95؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 620، ح 6635؛ تفسیر الصافی، ج 3، ص 238؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 8، ص 43؛ تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 252، ح 40؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج 2، ص 266؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 2، ص 466.

کَهَفِ هَسْتَنْد، و یوشع بن نون، و سلمان، و ابو دجانه انصاری، و مقداد، و مالک اشتر، می باشند، که در دولت او، یاوران و حکمرانان او هستند.

توضیح: مرحوم علامه شیخ مفید (قدّس سرّه) در کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» می فرماید: ... صبح روز بعد ابن زیاد (لعنت خدا بر او باد) دستور داد که سر مقدّس امام حسین (سلام الله علیه) را، در همه کُچه های کوفه و میان قبائل بگردانند؛ پس نقل است که زید بن ارقم گفت:

مُرَّ بِهِ عَلَيَّ وَ هُوَ عَلَى رُوحٍ وَ أَنَا فِي غُرْفَةٍ، فَلَمَّا حَازَانِي سَمِعْتُهُ يَقْرَأُ: «أُمَّ حَسَيْتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، فَقَفَّ، وَ اللَّهُ! شَعْرِي وَ نَادَيْتُ: رَأْسُكَ وَ اللَّهُ! يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَعْجَبُ وَ أَعْجَبُ.

سر امام حسین (سلام الله علیه) را، از نزدیک منزل من عبور دادند، در حالی که بالای نیزه قرار داشت، و من در آن وقت در میان اطاق نشسته بودم، هنگامی که سر مقدّس آن حضرت، مقابل من رسید، شنیدم که این آیه مبارکه را قرائت می فرمودند:

«أُمَّ حَسَيْتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، به خداوند قسم! از شنیدن این آیه موهای بدنم راست شد، و گفتم: ای پسر رسول خدا! به خدا قسم! داستان سر مبارک شما، عجیب تر و عجیب تر است. (1)

ص: 152

1- _ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 2، ص 117؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 473؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص 214، ح 11؛ بحار الأنوار، ج 45، ص 121؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 2، ص 67؛ مدينة معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج 4، ص 135، ح 1136.

مرحوم شیخ حرّ عاملی (قدّس سرّه) می فرماید: این از رجعت هم عجیب و غریب تر است، زیرا برگشتن روح در همه بدن، بسیار اتفاق افتاده، اما برگشتن روح به سر و زنده شدن سر، به تنهایی، بی سابقه است، پس هیچگاه اصل اعتقاد به رجعت را نباید بعید شمرد. [\(1\)](#)

ص: 153

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 214، ذیل ح 11.

کد آیه: 83/18 اسم آیه: ذوالقرنین این امت

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ * قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا 83

و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او برای شما خواهم خواند.

1_ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه): إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ كَانَ مَلِكًا عَادِلًا، فَأَحَبَّهُ اللَّهُ وَ نَاصَحَ لِلَّهِ فَنَصَحَهُ اللَّهُ، أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ بِالسَّيْفِ، فَغَابَ عَنْهُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِمْ فَدَعَاهُمْ إِلَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ الْآخَرَ بِالسَّيْفِ، فَذَلِكَ قَرْنَاهُ، وَفِيكُمْ مِثْلُهُ يَعْنِي نَفْسَهُ، لِأَنَّهُ ضَرَبَ عَلَى رَأْسِهِ ضَرْبَتَيْنِ، أَحَدَهُمَا يَوْمَ الْخَنْدَقِ، وَ الثَّانِي ضَرْبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ. (1)

حضرت امیرالمؤمنین علی (سلام الله علیه) فرمودند: همانا ذوالقرنین پادشاهی عادل بود، از این رو خداوند او را دوست می داشت، او برای رضای خدا مردم را موعظه نمود، خداوند هم خیرخواه او بود، قوم خود را به پرهیزگاری و ترس از خدا فرمان داد، ولی آن ها با شمشیر به یک طرف پیشانیش زدند، که بر اثر آن مدتی از ایشان دور شد، سپس نزد آنان بازگشته و آنان را به پرستش خدای متعال دعوت نمود، ولی ضربت دیگری با شمشیر به طرف دیگر پیشانیش زدند، و دو فرق او این دو بود (ذوالقرنین، یعنی صاحب دو شاخ)، و در بین شما نیز، نظیر او هست، که منظور آن حضرت،

ص: 154

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 335، ح 54؛ بحار الأنوار، ج 39، ص 43، ح 14؛ مناقب آل أبي طالب (سلام الله عليهم) (لابن شهر آشوب)، ج 3، ص 87.

خودشان بود، که دو ضربت بر فرق مبارکشان وارد شد؛ یک ضربت در جنگ خندق، و دیگری ضربت ابن ملجم که لعنت خدا بر او باد.

2_ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ: إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا، جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَصَدَّ رِبُّهُ عَلَى قَرْيَةٍ، فَغَاب عَنْهُمْ زَمَانًا، حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ، ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَصَدَّ رِبُّهُ عَلَى قَرْيَةٍ الْآخَرِ، وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكِّنَ لِذِي الْقُرْنَيْنِ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيلًا وَبَلَغَ الْمَغْرِبَ وَالْمَشْرِقَ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي، فَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُ لٌ وَلَا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطَنُهُ ذُو الْقُرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنَهُ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا، وَيُنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. (1)

از جناب جابر بن عبد الله انصاری نقل است که گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمودند: ذو القرنین یکی از بندگان صالح بود، که خداوند (عز و جل) او را برای بندگان حجت قرار داده بود، او قوم خود را به سوی خداوند دعوت نمود و آن ها را به تقوی فرمان داد، ولی آنان به پیشانی او ضربتی زدند، پس او هم مدتی از آن ها پنهان شد، تا جایی که گفتند: او مرده یا هلاک شده، آیا به کدام وادی رفته؟

ص: 155

1- _ إثبات الهداة، ج 5، ص 96، ح 181؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 2، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 195، ح 19 و ج 52، ص 323، ح 31؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 662، ح 6758؛ تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 294، ح 204؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 2، ص 527؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 394، ح 4.

پس از مدّتی، بار دیگر ظاهر شد، و به میان قومش مراجعت کرد، ولی این بار به طرف دیگر پیشانی او ضربه زدند.

آگاه باشید! که در میان شما هم کسی هست که مانند او خواهد بود، خداوند (عزّ و جلّ) به ذو القرنین قدرت فوق العاده ای داد، و سلطنت او تا شرق و غرب عالم پیش رفت، و خداوند تبارک و تعالی همین سنّت را در قائم (سلام الله علیه)، که از فرزندان من است، جاری خواهد نمود، و سلطنت او را هم به شرق و غرب عالم خواهد رسانید، و هر جا که مورد تصرّف ذو القرنین بوده، به تصرّف او هم خواهد رسید، خدای متعال گنج ها و معادن زمین را برای او ظاهر می کند، و او را با رعب و ترس، یاری می نماید، و زمین را پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، آکنده از عدل و داد می سازد.

توضیح: با توجّه به روایاتی که می فرمایند: «هرچه در امتّهای گذشته بوده، در این امت هم هست»، و با توجّه به حکایت ذو القرنین و امثال آن، می توان بر اثبات رجعت، استدلال نمود.

ص: 156

كد آيه: 54/19 اسم آيه: وعده رجعت به اسماعيل بن حزقيل (سلام الله عليهما)

وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ * إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا 54

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبر بود!

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»، أَكَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)؟ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ.

فَقَالَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): إِنَّ إِسْمَاعِيلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِيمَ، وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ حُجَّةً لِلَّهِ كُلَّهَا قَانِمًا صَاحِبَ شَرِيعَةٍ، فَإِلَى مَنْ أُزِيلَ إِسْمَاعِيلُ إِذَنْ؟

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ كَانَ؟ قَالَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): ذَاكَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَزْقِيلَ النَّبِيِّ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ، فَكَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَسَلَخُوا وَجْهَهُ، فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَيْهِمْ، فَوَجَّهَ إِلَيْهِ أَسَدَ طَاغُتَيْلَ مَلِكِ الْعَذَابِ، فَقَالَ لَهُ: يَا إِسْمَاعِيلُ! أَنَا أَسَدُ طَاغُتَيْلَ مَلِكِ الْعَذَابِ وَجَّهَنِي إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأَعَذِّبَ قَوْمَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتُ، فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: فَمَا حَاجَتُكَ يَا إِسْمَاعِيلُ؟ فَقَالَ: يَا رَبِّ! إِنَّكَ أَخَذْتَ الْمِيثَاقَ لِنَفْسِكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَلِأَوْصِيَاءِهِ بِالْوَلَايَةِ وَ أَخْبَرْتَ خَيْرَ خَلْقِكَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسْنِ بَيْنَ بَنِي عَلِيٍّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهَا، وَإِنَّكَ وَعَدْتَ

الْحُسَيْنَ (سلام الله عليه) أَنْ تَكُرَّهَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ، فَحَاجَتِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ! أَنْ تَكُرَّنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أَنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي كَمَا تَكُرُّ الْحُسَيْنَ (سلام الله عليه)، فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ حَزْقِيلَ ذَلِكَ، فَهُوَ يُكْرَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ (سلام الله عليه). (1)

از برید بن معاویه العجلی نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مرا از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»، خبر دهید، آیا مقصود، اسماعیل بن ابراهیم (سلام الله علیهما) است، همان طور که مردم این گونه می پندارند، که او اسماعیل بن ابراهیم (سلام الله علیهما) می باشد؟

حضرت (سلام الله عليه) فرمودند: اسماعیل (سلام الله عليه)، قبل از حضرت ابراهیم (سلام الله عليه) از دنیا رفت، و جناب ابراهیم (سلام الله عليه) حجت قائم حق تعالی، و صاحب شریعت بود، و با این حال، اسماعیل (سلام الله عليه) با چنین موقعیتی، به جانب چه کسانی می توانست مبعوث شده باشد؟! راوی می گوید: عرض کردم: پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند: او، اسماعیل پسر حزقیل پیامبر می باشد، که خدای متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود، و آن ها وی را تکذیب کرده و کشتند، و سپس پوست صورتش را کردند، پس خداوند به ایشان غضب نمود، و اسطاطیل را، که فرشته عذاب است، بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطاطیل فرشته عذاب هستم، پروردگار (عزّ و جلّ) مرا نزد تو فرستاده، تا اگر بخواهی قوم تو را با انواع عذاب ها، عذاب نمایم، اسماعیل (سلام الله عليه) به او فرمود: ای اسطاطیل! به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

ص: 158

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 328، ح 42؛ بحار الأنوار، ج 13، ص 390، ح 6 و ج 44، ص 237، ح 28 و ج 53، ص 105، ح 132؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 720، ح 6901؛ کامل الزیارات، ص 65، ح 3؛ مختصر البصائر، ص 431، ح 509.

پس حق تعالی به او وحی نمود: ای اسماعیل! حاجت تو چیست؟ اسماعیل عرض کرد: پروردگارا! تو برای خودت پیمان ربوبیت گرفتی و برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان نبوت و برای اوصیایش پیمان ولایت گرفتی، و مردم را به آنچه امت پیامبرت پس از او با حسین بن علی (سلام الله علیه) انجام می دهند، خبر دادی و به حسین (سلام الله علیه) وعده دادی که او را به دنیا برگردانی تا اینکه به دست خود از کسانی که با او آن رفتار را داشتند، انتقام بگیرد. پروردگارا! حاجت من از تو این است که مرا به دنیا برگردانی تا من نیز از کسی که آن مصیبت را بر من وارد نمود، انتقام بگیرم، همان گونه که حسین (سلام الله علیه) رجعت خواهد نمود.

پس خدای متعال به اسماعیل بن حزقیل (علیهما السلام)، وعده داد، که او را با حضرت حسین بن علی (سلام الله علیهما) به دنیا برگرداند.

کد آیه: 124/20 اسم آیه: رجعت ناصبيان

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى 124

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می کنیم!

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «إِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، قَالَ: هِيَ، وَاللَّهُ! النَّصَابُ، قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ رَأَيْنَاهُمْ دَهْرَهُمْ الْأَطْوَلَ فِي كِفَايَةٍ حَتَّى مَاتُوا، قَالَ: ذَلِكَ، وَاللَّهُ! فِي الرَّجْعَةِ، يَأْكُلُونَ الْعَذْرَةَ. (1)

از معاویه بن عمار نقل است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) عرض کردم: مقصود این سخن خدای متعال: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، چیست؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه در باره نواصب (و دشمنان ما) است.

عرض کردم: فدایتان شوم! ما که آن ها را همواره در ناز و نعمت دیده و می بینیم و بدین گونه هم می میرند، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این، در هنگام رجعت

ص: 160

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 255، ح 37؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 51، ح 28؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 785، ح 7068 و ح 7069؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 325؛ تفسير القمي، ج 2، ص 65؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 8، ص 369؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 405، ح 168؛ مختصر البصائر، ص 91، ح 59.

خواهد بود، که در آن زمان آن ها نجاست می خورند.

توضیح: مرحوم طبرسی (قدس سرّه) در کتاب (الاحتجاج) خود می نویسد: مؤمن الطاق، را با ابو حنیفه حکایات بسیاری است، از جمله اینکه روزی ابو حنیفه از مؤمن الطاق پرسید:

إِنَّكُمْ تَقُولُونَ بِالرَّجْعَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي الْآمَنَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، حَتَّى أُعْطِيَكَ أَلْفَ دِينَارٍ، إِذَا رَجَعْنَا، قَالَ الطَّاقِيُّ لِأَبِي حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي كَفِيلًا، بِأَنَّكَ تَرْجِعُ إِنْسَانًا، وَلَا تَرْجِعُ خِنْزِيرًا. (1)

ای ابو جعفر! آیا شما به رجعت عقیده دارید؟ گفت: آری، ابو حنیفه از روی تمسخر گفت: پس، از این کیسه خود، هزار درهم به من قرض بده، تا وقتی من و تو در رجعت دوباره به دنیا برگشتیم، من به تو هزار دینار بپردازم! مؤمن الطاق به سرعت در جواب گفت: تو یک ضامن بیاور تا برایت ضمانت کند که تو به صورت آدم به دنیا برمی گردی، تا من این مبلغ را به تو بدهم، چون من می ترسم که تو به شکل خوک برگردی، و من نتوانم طلب خود را وصول نمایم!

ص: 161

1- _ الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 2، ص 381؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 66؛ بحار الأنوار، ج 47، ص 399؛ مختصر البصائر، ص 478، ح 527.

کد آیه: 35/21 اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ * وَتَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً * وَالنَّاسُ تُرْجَعُونَ 35

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید و شما را با شر و خیر مورد آزمایش قرار می دهیم و همه شما به سوی ما بازگشت می کنید.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ قَتْلَةٌ وَمَوْتَةٌ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ نَشِرَ حَتَّى يَمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ نَشِرَ حَتَّى يُقْتَلَ، ثُمَّ تَلَوْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) هَذِهِ الْآيَةَ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، فَقَالَ: وَ مَنْشُورَةٌ، قُلْتُ: قَوْلُكَ وَ مَنْشُورَةٌ، مَا هُوَ؟ فَقَالَ: هَكَذَا نَزَلَ بِهَا جَبْرِئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ): «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ - مَنْشُورَةٌ»، ثُمَّ قَالَ: مَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ إِلَّا وَ يُنْشَرُ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرُونَ إِلَى قَرَّةٍ أَعْيُنِهِمْ، وَ أَمَّا الْفَجَّارُ فَيُنْشَرُونَ إِلَى خِزْيٍ اللَّهِ إِيَّاهُمْ. (الحديث) (1)

از جناب جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) فرمودند: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یک کشته شدن دارد و یک مرگ، همانا کسی که کشته شود، برمی گردد تا بمیرد و کسی که بمیرد، برمی گردد تا کشته شود، جابر بن یزید می گوید: سپس من این آیه را برای حضرت خواندم که فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، پس حضرت فرمودند: «و منشوره»، پرسیدم: منظور شما از عبارت «و منشوره» چیست؟

ص: 162

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 272، ح 76؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 64، ح 55؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 721، ح 2012 و ج 4، ص 400، ح 8500؛ مختصر البصائر، ص 88، ح 55.

فرمودند: جبرئیل این آیه را این چنین بر حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل نمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورَةٌ.» سپس فرمودند: در این امت هیچ نیکوکار و بدکاری نیست، مگر اینکه برمی گردد، اما مؤمنان باز می گردند تا چشمشان روشن شود، ولی کفار باز می گردند تا دچار عذاب الهی شوند.

تذکر: البته شما می توانید در این زمینه، به کُدهای: 144/3 و 185/3 نیز مراجعه فرمائید.

ص: 163

کد آیه: 95/21 اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ 95

و حرام است بر شهرها و آبادی هایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند) آن ها هرگز باز نخواهند گشت!

فَقَالَ الصَّادِقُ (سلام الله عليه): كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ، وَأَمَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحْضُوا الْإِيمَانَ مَحْضًا، وَغَيْرُهُمْ مِمَّنْ لَمْ يَهْلِكُوا بِالْعَذَابِ وَ مَحْضُوا الْكُفْرَ مَحْضًا يَرْجِعُونَ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: هر شهری که خداوند اهلش را به عذاب هلاک کرده است، در رجعت باز نمی گردند، اما در قیامت برمی گردند، و در رجعت مؤمن خالص، و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده اند، برمی گردند.

نکته: اگر خوب دقت کنید، متوجه خواهید شد که این آیه شریفه، یکی از بزرگترین دلایل، اثبات رجعت است، چون هیچ مسلمانی منکر آن نیست که در قیامت همه مردم زنده می شوند، چه هلاک شده باشند و چه نشده باشند، پس

ص: 164

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 247، ح 23؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 61 و ص 49؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 91 و ج 3، ص 840، ذیل ح 7199؛ تفسير القمی، ج 1، ص 25؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 8، ص 471؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 458، ح 167؛ مختصر البصائر، ص 150، ذیل ح 115.

اینکه می فرماید: «کسانی که هلاک شده اند برنمی گردند»، یعنی آن ها در رجعت برنمی گردند، ولی هلاک شدگان حتماً در قیامت برمی گردند تا به حسابشان رسیدگی شود و سپس در دوزخ، کیفر اعمال زشت خود را ببینند و به عذاب الهی دچار شوند.

ص: 165

کد آیه: 105/21 اسم آیه: وارثان زمین در رجعت

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ 105

و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

1_ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم). (1)

از ابو الورد نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، فرمودند: مقصود از عباد صالح در این آیه، آل محمد (سلام الله عليهم) هستند.

2_ مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، وَكَانَتْ عِنْدَنَا مِنْهُ نُسْخَةٌ قَدِيمَةٌ، قَالَ: أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي كِتَابِهِ مَا يُصِيبُ أَهْلَ بَيْتِهِ بَعْدَهُ مِنَ الْقَتْلِ وَالْغُصْبِ وَالْبَلَاءِ، ثُمَّ يَرُدُّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا وَيَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ وَيَمْلِكُهُمُ الْأَرْضَ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، وَقَوْلُهُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (2)، الْآيَةُ. (3)

ص: 166

1- _ بحار الأنوار، ج 24، ص 358، ح 78؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 847، ح 7217؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 326؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 8، ص 483.

2- _ سورة نور (24)، آیه 55.

3- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 277؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 390، ح 175، بحار الأنوار، ج 53، ص 117، ح 143.

مرحوم علامه مجلسی (قدس سرّه) از کتاب «علل الشرائع»، تألیف: محمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم (قمی)، (فرزند صاحب تفسیر قمی) که نسخه قدیمی آن نزد ایشان موجود بوده است، می نویسد: خداوند در قرآن به پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر داد که اهل بیتش بعد از او مبتلای به کشته شدن، و غصب حقّشان، و گرفتاری هایی می شوند، و آنگاه خداوند آن ها را به دنیا برمی گرداند، و آن ها دشمنان خود را به مجازات اعمال و کردارشان می رسانند، و سپس خداوند زمین را در اختیار آن ها قرار می دهد، و این همان فرمایش خدای متعال است که فرمود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، و این که فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ».

کد آیه: 77/23 اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین (سلام الله علیه)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ 77

تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان به کلی مأیوس گردند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، قَالَ: ... وَقَوْلُهُ: «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله علیه) إِذَا رَجَعَ فِي الرَّجْعَةِ (1).

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خدای متعال: «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، فرمودند: او حضرت علی بن ابی طالب (سلام الله علیهما) است، هنگامی که در زمان رجعت، برمی گردد.

ص: 168

1- بحار الأنوار، ج 53، ص 64، ح 55؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 721، ذیل ح 2012 و ج 4، ص 32، ح 7514؛ مختصر البصائر، ص 88، ذیل ح 55.

کد آیه: 4/26 اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ 4

ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار (ایمان به) آن فرود آرند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، قَالَ: تَخَضَّعَ لَهَا رِقَابُ بَنِي أُمَيَّةَ، قَالَ: ذَلِكَ بَارِزٌ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: وَ ذَاكَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله عليه)، يَبْرُزُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ سَاعَةً حَتَّى يَبْرُزَ وَجْهُهُ، وَيَعْرِفُ النَّاسُ حَسَبَهُ وَ نَسَبَهُ؛ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا إِنْ بَنِي أُمَيَّةَ لِيَخْتَبِينَ الرَّجُلَ مِنْهُمْ إِلَى جَنْبِ شَجَرَةٍ، فَتَقُولُ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ فَأَقْتُلُوهُ. (1)

از ابو بصیر نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: گردن های بنی امیه در برابر آن آیه خاضع

ص: 169

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 382، ح 151؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 109، ذیل ح 138؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 168، ح 7880 و ص 169، ح 7883؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 294، ح 9؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 9، ص 458؛ مختصر البصائر، ص 482، ح 533.

می شود، سپس فرمودند: آن آیه و نشانه، هنگام زوال خورشید آشکار می گردد، و آن آیه، علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) است که هنگام زوال خورشید، ساعتی بالای سر مردم آشکار می گردد، به گونه ای که صورت مبارکش هویدا می شود و مردم حسب و نسب او را می شناسند.

سپس فرمودند: آگاه باشید! که در آن ایام، بنی امیه آنقدر خوار می شوند که اگر یکی از آن ها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که: اینجا یک نفر اموی است، او را بکشید.

ص: 170

کد آیه: 82/27 اسم آیه: جنبنده زمین

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ 82

و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده ای از زمین بیرون آریم که با آنان تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی گروند.

1- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: انْتَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه) وَهُوَ نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ، قَدْ جَمَعَ رَمَلًا وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَيْهِ، فَحَرَّكَهُ، فَقَالَ: قُمْ، يَا دَابَّةَ اللَّهِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ أَصْحَابِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيْسَمِّي بَعْضُنَا بَعْضًا بِهَذَا الْإِسْمِ؟ فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ! مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةٌ، وَهُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ».

ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ، أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ، وَمَعَكَ مِيسَمٌ تَسِمُ بِهِ أَعْدَاءُكَ. (الحديث) (1)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: رسول

ص: 171

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 342، ح 72؛ بحار الأنوار، ج 39، ص 243، ح 31 و ج 53، ص 52، ح 30؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 228، ح 8043؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 401؛ تفسير القمي، ج 2، ص 130؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 98، ح 104؛ مختصر البصائر، ص 152، ح 118.

خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیر مؤمنان (سلام الله علیه) رسیدند در حالی که در مسجد خوابیده و مقداری رمل و خاک جمع کرده و به عنوان بالش زیر سر گذاشته بودند، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را با پای خود تکان دادند و سپس فرمودند: برخیز، ای جنبنده خدا! پس مردی از اصحاب گفت: ای رسول خدا! آیا ما نیز می توانیم یکدیگر را به این نام بخوانیم؟

حضرت فرمودند: نه، به خدا قسم! این نام مخصوص علی (سلام الله علیه) است، او همان جنبنده ای است که خدای متعال در کتابش فرموده: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ».

سپس فرمودند: ای علی! در آخر الزمان، خداوند تو را به بهترین صورت بیرون می آورد، در حالی که به وسیله آهنی که در دست داری، دشمنانت را داغ و نشان خواهی زد.

2_ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله علیه): قَالَ رَجُلٌ لِّعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى قَدْ أَفْسَدَتْ قَلْبِي وَشَكَّكْتَنِي، قَالَ عَمَّارٌ: وَآيَةُ آيَةٍ هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ»، الْآيَةُ، فَأَيَّةُ دَابَّةٍ هَذِهِ؟

قَالَ عَمَّارٌ: وَاللَّهِ! مَا أَجْلِسُ وَلَا أَكُلُ وَلَا أَشْرَبُ حَتَّى أُرِيكَهَا، فَجَاءَ عَمَّارٌ مَعَ الرَّجُلِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه) وَهُوَ يَأْكُلُ تَمْرًا وَزُبْدًا، فَقَالَ: يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! هَلَمْ، فَجَلَسَ عَمَّارٌ وَأَقْبَلَ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْهُ، فَلَمَّا قَامَ عَمَّارٌ، قَالَ الرَّجُلُ: سَبِّحَانَ اللَّهِ! يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! حَلَفْتَ أَنَّكَ لَا تَأْكُلُ وَلَا تَشْرَبُ وَلَا تَجْلِسُ حَتَّى تَرِيَهَا، قَالَ عَمَّارٌ: قَدْ أَرَيْتُكَهَا إِنْ كُنْتَ تَعْقِلُ. (1)

ص: 172

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 336، ح 59؛ بحار الأنوار، ج 39، ص 242، ح 30 و ج 53، ص 53، ذيل ح 30؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 228، ح 8045؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 74؛ تفسير القمي، ج 2، ص 131؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 9، ص 591؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 98، ح 105؛ مختصر البصائر، ص 153، ح 119.

جناب علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) روایت کرده که حضرت فرمودند: فرمود: مردی به عمار یاسر گفت: ای ابا یقظان! آیه ای در قرآن است که دلم را فاسد کرده و مرا به تردید و شک واداشته، عمار گفت: کدام آیه؟ گفت: این سخن خدای متعال: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»، این کدام جنبنده است؟ عمار گفت: به خدا قسم! نمی نشینم و نمی خورم و نمی آشامم، تا او را به تونشان دهم.

پس عمار همراه آن مرد به محضر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شرفیاب شد، در حالی که حضرت مشغول تناول خرما و کره بودند، پس فرمودند: ای ابا یقظان! جلو بیا (بفرما)، پس عمار نشست و همراه آن حضرت شروع به خوردن کرد، پس آن مرد از کار عمار تعجب کرد، وقتی عمار برخاست، مرد به او گفت: سبحان الله! ای ابا یقظان! تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و نشینی تا او را به من نشان بدهی، عمار گفت: اگر خوب فکر می کنی می فهمی که من او را به تونشان دادم.

کد آیه: 83/27 اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ 83

آن روز از هر امتی جمعی را که منکر آیات ما بودند، محشور می سازیم و آن ها باز داشته می شوند.

1_ عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ: إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ، قَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، أَيْحْشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ، إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (1). (الحديث) (2)

از حمّاد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: مردم درباره این آیه: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند این آیه درباره قیامت است، حضرت فرمودند: چنین نیست! به راستی این آیه درباره رجعت است، آیا خداوند در روز قیامت فقط گروهی از هر امتی را محشور می کند، و بقیه را رها می سازد؟ آیه ای که به قیامت مربوط است، این است که می فرماید: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»، (و همه آنان (انسان ها) را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد).

ص: 174

1- _ سورة كهف (18)، آیه 47.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 246؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 60؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 90 و ج 4، ص 228؛ تفسير القمی، ج 1، ص 24؛ مختصر البصائر، ص 150.

2_ عَنْ الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، قَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا وَيَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ، وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا، وَ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا. (1)

از جناب مفَضَّل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، فرمودند: هر کدام از مؤمنین که کشته شده باشد، در زمان رجعت برمی گردد، تا به مرگ عادی و طبیعی بمیرد، و رجعت مختص مؤمن محض و کافر محض است.

3_ تَفْسِيرُ التُّعْمَانِيِّ، فِيَمَا رَوَاهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، قَالَ: وَ أَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ، فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، أَيْ إِلَى الدُّنْيَا، فَأَمَّا مَعْنَى حَشْرِ الْآخِرَةِ، فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (الحديث) (2)

مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) به نقل از تفسیر نعمانی روایتی را از امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) آورده که حضرت می فرمایند: اما رد قول منکرین رجعت این آیه است که خداوند (عز و جل) فرموده: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، (و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان نگاه

ص: 175

-
- 1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 258، ح 44 و ص 343، ح 73؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 53، ذیل ح 30؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 228، ح 8045؛ تفسیر الصافی، ج 4، ص 76؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 131؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 9، ص 595؛ تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 100، ح 113؛ مختصر البصائر، ص 153، ح 119.
- 2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 377، ح 142؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 118، ح 149.

داشته می شوند تا همه به هم بیوندند)، یعنی در دنیا محشور می شوند، اما حشر در آخرت در این آیه است که خداوند (عز و جل) فرموده: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»، (و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی کنیم).

4_ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ يُعْنِي أَبَا بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (سلام الله عليه): يُنْكِرُ أَهْلُ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، الآية. (1)

از ابو محمد یعنی ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) به من فرمودند: آیا اهل عراق، رجعت را انکار می کنند؟ عرض کردم: آری، حضرت فرمودند: مگر قرآن نمی خوانند که می فرماید: «و روزی که از هر امتی دسته ای را محشور می کنیم».

5_ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ الْعَزِيزِ، قَالَ: وَ أَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ، فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا». (2)

از علی بن ابراهیم بن هاشم نقل است از تفسیر قرآن کریم، که گفت: و اما رد قول کسی که منکر رجعت است، پس این فرمایش خداوند (عز و جل): «و یوم نحشر من کل امة فوجا»، می باشد.

ص: 176

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 278، ح 91؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 40، ح 6؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 231، ح 8056؛ مختصر البصائر، ص 110، ح 83.

2- _ مختصر البصائر، ص 149، ذیل ح 114.

کد آیه: 93/27 اسم آیه: شناخت ائمه (سلام الله علیهم) در رجعت

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيَّرَ بِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا* وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ 93

بگو: حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست!

فِي تَفْسِيرِ الْقُمِّي: ... قَوْلُهُ: «سَيَّرَ بِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا»، قَالَ: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ (سلام الله عليهم)، إِذَا رَجَعُوا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْآيَاتِ هُمْ الْأَئِمَّةُ (سلام الله عليهم) قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه): وَ اللَّهِ! مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي، فَإِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ فِي الدُّنْيَا. (1)

در تفسیر علی بن ابراهیم در باره این آیه: «سَيَّرَ بِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا»، می گوید: منظور از «آیات»، امیرالمؤمنین و امامان (سلام الله عليهم) هستند، هنگامی که امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين (سلام الله عليهم) به دنیا رجعت می کنند، دشمنانی که آن ها را می بینند، آنان را می شناسند، و دلیل بر اینکه این «آیات» ائمه (سلام الله عليهم) می باشند، این فرمایش امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) است که فرمودند: به خدا قسم! خدا را آیتی بزرگ تر از من نیست، پس وقتی که آن ذوات مقدسه به دنیا باز گشتند، دشمنان آن ها، آنان را می شناسند.

ص: 177

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 53؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 236؛ ح 8079؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 132؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 9، ص 607؛ تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 106؛ مختصر البصائر، ص 154، ح 120.

کد آیه: 6/28 اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ⁶

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آن ها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم!

رُويَ عَنِ الْبَاقِرِ، وَ الصَّادِقِ (سلام الله عليهما): أَنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ، هُنَا هُمَا شَخْصَانِ مِنْ جَبَابِرَةِ قُرَيْشٍ، يُحْيِيهِمَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم) فِي آخِرِ الزَّمَانِ، فَيَنْتَقِمُ مِنْهُمَا بِمَا أَسْلَفَا. [\(1\)](#)

از حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) و حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) روایت است که در باره آیه: «فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ»، فرمودند: مقصود از «فرعون و هامان»، در این آیه، دو مرد جبّار و ظالم از قریش است، که خداوند آن دورا، هنگام قیام قائم آل محمد (سلام الله عليهم)، در آخر الزّمان، زنده می گرداند، تا به خاطر ظلمها و جنایاتشان، از آن دو انتقام می گیرد.

ص: 178

1- _ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 254، ح 8100؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 280، ح 6.

کد آیه: 61/28 اسم آیه: تحقق وعده الهی در رجعت

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ 61

آیا کسی که ما برای او وعده نیک دادیم و البته به آن خواهد رسید، همانند کسی است که او را از متاع زندگانی دنیا برخوردار کنیم؟ و روز قیامت از حاضران در عذاب گردد؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ»، قَالَ: الْمُوْعُودُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله عليه)، وَعَدَهُ اللَّهُ أَنْ يَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فِي الدُّنْيَا، وَوَعَدَهُ الْجَنَّةَ لَهُ وَلِأَوْلِيَائِهِ فِي الْآخِرَةِ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ»، فرمودند: آن موعودی که این وعده به او داده شده، حضرت علی بن ابی طالب (سلام الله عليه) است، که خداوند به او وعده داده است که در دنیا (رجعت) از دشمنانش انتقام بگیرد، و در آخرت نیز به او و دوستانش وعده بهشت داده است.

ص: 179

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 295، ح 119؛ بحار الأنوار، ج 24، ص 163، ح 2 و ج 36، ص 151، ح 129 و ج 53، ص 76، ح 79؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 280، ح 8178؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 414؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، ص 88.

کد آیه: 85/28 اسم آیه: رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (سلام الله علیهم)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأٰ ذٰكَ إِلَىٰ مَعَادٍ * قُلْ رَبِّيَ - أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ 85

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاهت باز می گرداند، بگو پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است.

1_ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابُلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (سلام الله عليهما)، فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأٰ ذٰكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، قَالَ: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه) وَ الْأَئِمَّةُ (سلام الله علیهم). (1)

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام سجاد (سلام الله علیه)، درباره این فرمایش خدای متعال: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأٰ ذٰكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، فرمودند: مقصود، زمانی است که پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه (سلام الله علیهم)، به سوی شما باز می گردند.

2_ عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، قَالَ: سُئِلَ عَنْ جَابِرٍ، فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ جَابِرًا! بَلَغَ مِنْ فِقْهِهِ أَنَّهُ كَانَ يَعْرِفُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأٰ ذٰكَ

ص: 180

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 343، ح 75؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 291، ح 8194؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 107؛ تفسير القمي، ج 2، ص 147؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، ص 108؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 144، ح 126.

از حمّاد، از حریز نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه)، درباره جابر سؤال شد؟ حضرت فرمودند: خداوند جابر را رحمت فرماید! علمش به جائی رسیده بود، که تأویل این آیه را می دانست: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، یعنی می دانست که این آیه مربوط به رجعت است.

3_ عَنْ أَبِي مَرْوَانَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، قَالَ: فَقَالَ لِي: لَا، وَاللَّهِ! لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا وَلَا تَذْهَبُ حَتَّى يَجْتَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَعَلِيٌّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) بِالثُّوَيَّةِ، فَيَلْتَقِيَانِ وَيَبْنِيَانِ بِالثُّوَيَّةِ مَسْجِدًا لَهُ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَابٍ، يَعْنِي مَوْضِعًا بِالْكُوفَةِ. (2)

از ابو مروان نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) درباره این فرمایش خداوند (عز و جل): «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ» پرسیدم؛ حضرت به من فرمودند: نه، به خدا قسم! دنیا تمام نمی شود و عمر آن به سر نمی رسد، تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (سلام الله علیه) در منطقه «ثویه» جمع شده و در آن جا مسجدی بنا

ص: 181

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 343، ح 74؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 99، ح 53؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 291، ح 8193؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 416؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 107؛ تفسير القمي، ج 1، ص 25 و ج 2، ص 147؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 144، ح 125؛ مختصر البصائر، ص 151، ح 117 و ص 155، ح 121.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 386، ح 162؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 113؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 292، ح 8200؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص 416؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، ص 109؛ مختصر البصائر، ص 490، ح 550.

می کنند که دوازده هزار درب دارد، و «ثویّه» نام منطقه ای در کوفه است.

4_ عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ، قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، قَالَ: نَبِيُّكُمْ (صلی الله علیه و آله و سلم) رَاجِعٌ إِلَيْكُمْ. (1)

از معلی بن خنیس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) به من فرمودند: نخستین کسی که به دنیا باز می گردد، حسین بن علی (سلام الله علیهما) است، پس او آن قدر سلطنت می کند که از پیری، ابروانش به روی دیدگانش می افتد، سپس حضرت صادق (سلام الله علیه) فرمودند: در باره این سخن خداوند (عز و جل): «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، مقصود، پیامبر شما (صلی الله علیه و آله و سلم) است که به دنیا بر می گردد.

5_ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، قَالَ: وَأَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ ... وَقَوْلُهُ سَبْحَانَهُ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، أَيْ رَجْعَةَ الدُّنْيَا. (الحديث) (2)

از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایت است که فرمودند: و اما کسی که رجعت را انکار کند این کلام خدا آن را رد می کند که خدای سبحان فرموده: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، یعنی بازگشت و رجعت به دنیا.

ص: 182

-
- 1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 363، ح 116 و ح 117؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 46، ح 19؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 507، ح 6261 و ج 4، ص 292، ح 8197 و ح 8198؛ مختصر البصائر، ص 120، ح 98.
- 2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 378، ح 142؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 119، ح 149.

کد آیه: 21/32 اسم آیه: رجعت، عذابى نزدیک

وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ 21

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند!

1_ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ (سلام الله عليه): هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنتَظِرِ الْمَهْدِيِّ (سلام الله عليه) مِنْ وَقْتٍ مُوقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: حَاشَ لِلَّهِ! أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا ... إِلَى أَنْ قَالَ:

قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ! إِنَّ مِنْ شَيْعَتِكَ مَنْ لَا يَقُولُ بِرَجْعَتِكَ، فَقَالَ (سلام الله عليه): إِنَّمَا سَمِعُوا قَوْلَ جَدِّنَا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) وَ نَحْنُ سَائِرُ الْأَيْمَةِ، نَقُولُ: «وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ الصَّادِقُ (سلام الله عليه): الْعَذَابُ الْأَدْنَىٰ عَذَابُ الرَّجْعَةِ، وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ عَذَابُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي: «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (1). (الحديث) (2)

مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) روایتی طولانی را از جناب مفصل بن عمر نقل نموده که

ص: 183

1- _ سورة ابراهيم (14)، آیه 48.

2- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 224؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 287، ح 109؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 24؛ حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 6، ص 397، باب 46، ح 1.

مفصل در آن، از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره حضرت مهدی (سلام الله علیه) و نحوه ظهور و قیام و یاران ایشان و اخبار آخر الزمان پرسش هایی نموده که این روایت اینگونه شروع می شود که مفصل گفت: از آقایم حضرت صادق (سلام الله علیه) پرسیدم: آیا مأموریت حضرت مهدی (سلام الله علیه) وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: حاشا! که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند ... تا آن جا که مفصل گفت: عرض کرد: آقای من! بعضی از شیعیان شما به رجعت شما عقیده ندارند، حضرت فرمودند: آیا آن ها سخن جدّ ما پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و گفته ما ائمه را نشنیده اند که می گوئیم: «وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی: به جای عذاب بزرگ تر، عذاب نزدیک تر به آن ها می چشانیم تا شاید برگردند.

ای مفصل! عذاب نزدیک تر، رجعت آل محمد (سلام الله علیهم)، و عذاب بزرگ تر عذاب روز قیامت است، همان روزی که خدا می فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»، یعنی: روز قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند.

2_ فِي تَفْسِيرِ الْقُمِّي، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ: الْعَذَابُ الْأَذْنَى عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ، وَ مَعْنَى قَوْلِهِ: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، أَيَّ يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ حَتَّى يُعَذَّبُوا. (1)

ص: 184

1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 290؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 56، ح 34؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 158؛ تفسير القمي، ج 2، ص 170؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، ص 303؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 231، ح 44.

در تفسیر قمی، جناب علی بن ابراهیم در باره این فرمایش خدای متعال: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، می فرماید: عذاب نزدیک، عذاب رجعت می باشد که با شمشیر است، و منظور از: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی در رجعت برمی گردند، تا عذاب شوند.

ص: 185

کد آیه: 27/32 اسم آیه: زمین رجعت

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ* أَفَلَا يُبْصِرُونَ 27

مگر نمی بینند که ما آب را در زمین خشک جاری می سازیم و با آن کشت را به ثمر می رسانیم، تا از محصول آن چهار پایان آن ها و هم خودشان تغذیه کنند؟ آیا باز هم نمی بینند؟

فِي تَقْسِيرِ الْقَمِّي، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ»، قَالَ: الْأَرْضُ الْخَرَابِ، وَهُوَ مَثَلُ ضَرْبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الرَّجْعَةِ وَالْقَائِمِ (سلام الله عليه)، فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِخَبَرِ الرَّجْعَةِ، قَالُوا: «مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (1). (2)

در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ»، می فرماید: زمین ویران، مثلی است که خداوند درباره رجعت و حضرت قائم (سلام الله عليه)، زده است، چون هنگامی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) قضیه رجعت را به آنان خبر دادند، آنان گفتند: «اگر راست می گوئید این فتح و پیروزی در چه زمانی روی می دهد؟»

ص: 186

1- _ سورة سجده (32)، آیه 28.

2- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 290؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 402، ح 8510؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 160؛ تفسير القمي، ج 2، ص 171؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، ص 308؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 233، ح 51.

کد آیه: 13 و 14/36 اسم آیه: نمونه ای از رجعت در اتمهای پیشین

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ 13 إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ 14

برای این مردم حال آن قریه را مثل بزنی که رسولان حق برای هدایت آن ها آمدند. (13) که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سوم برای مدد و نصرت، مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده ایم.

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ»، «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ»، فَقَالَ: بَعَثَ اللَّهُ رَجُلَيْنِ إِلَى أَهْلِ مَدِينَةِ أَنْطَاكِيَّةَ، فَبَجَاءَهُمَا بِمَا لَا يَعْرِفُونَهُ، فَعَلَّظُوا عَلَيْهِمَا فَأَخَذُوهُمَا وَحَبَسُوهُمَا فِي بَيْتِ الْأَصْدَنَامِ، فَبَعَثَ اللَّهُ الثَّالِثَ فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: أَرْشِدُونِي إِلَى بَابِ الْمَلِكِ.

قَالَ: فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ الْمَلِكِ، قَالَ: أَنَا رَجُلٌ كُنْتُ أَتَعَبَّدُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ وَقَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَعْبُدَ إِلَهَ الْمَلِكِ، فَأُبَلِّغُوا كَلَامَهُ الْمَلِكِ، فَقَالَ: أَدْخِلُوهُ إِلَى بَيْتِ الْإِلَهِةِ، فَأَدْخَلُوهُ فَمَكَثَ سَنَةً مَعَ صَاحِبِيهِ، فَقَالَ لَهُمَا: بِهَذَا نَنْقُلُ قَوْمًا مِنْ دِينٍ إِلَى دِينٍ لَا بِالْخَرْقِ أَفَلَا رَفَقْتُمَا، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: لَا تُقَرَّانِ بِمَعْرِفَتِي.

ثُمَّ أَدْخَلَ عَلَى الْمَلِكِ، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَعْبُدُ إِلَهِي، فَلَمْ أَزَلْ وَأَنْتَ أَخِي فَسَدِّ لَنِي حَاجَتَكَ، قَالَ: مَا لِي حَاجَةٌ، أَيُّهَا الْمَلِكُ! وَ لَكِنْ رَجُلَيْنِ رَأَيْتُهُمَا فِي

قَالَ الْمَلِكُ: هَذَانِ رَجُلَانِ أَتَيْنِي يُضِلَّانِ عَنْ دِينِي وَيَدْعُوَانِ إِلَى إِلَهٍ سَمَاوِيِّ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! فَمُنَاطَرَةٌ جَمِيلَةٌ، فَإِنْ يَكُنِ الْحَقُّ لَهُمَا اتَّبَعْنَاهُمَا، وَإِنْ يَكُنِ الْحَقُّ لَنَا دَخَلَا مَعَنَا فِي دِينِنَا، فَكَانَ لَهُمَا مَا لَنَا وَعَلَيْهِمَا مَا عَلَيْنَا.

قَالَ: فَبَعَثَ الْمَلِكُ إِلَيْهِمَا، فَلَمَّا دَخَلَا إِلَيْهِ، قَالَ لَهُمَا صَاحِبُهُمَا: مَا الَّذِي جِئْتُمَانِي بِهِ؟

قَالَا: جِئْنَا نَدْعُو إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَيَخْلُقُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ وَيُصَوِّرُ كَيْفَ يَشَاءُ وَأَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَالثَّمَارَ وَأَنْزَلَ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُمَا: إِلَهُكُمَا هَذَا الَّذِي تَدْعُوَانِ إِلَيْهِ وَإِلَى عِبَادَتِهِ إِنْ جِئْتَا كَمَا بِأَعْمَى يَقْدِرُ أَنْ يَرُدَّهَ صَحِيحًا؟

قَالَا: إِنْ سَأَلْنَاهُ أَنْ يَفْعَلَ فَعَلَّ إِنْ شَاءَ.

قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى لَا يُبْصِرُ قَطُّ، قَالَ: فَأْتِي بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: ادْعُوا إِلَهُكُمَا أَنْ يَرُدَّ بَصَرَ هَذَا، فَقَامَا وَصَلَّيَا رُكْعَتَيْنِ، فَإِذَا عَيْنَاهُ مَفْتُوحَتَانِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى آخَرَ، فَأْتِي بِهِ، قَالَ: فَسَجَدَ سَجْدَةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَإِذَا الْأَعْمَى بَصِيرٌ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! حُجَّةٌ بِحُجَّةٍ عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ، فَأْتِي بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: مِثْلَ ذَلِكَ فَصَلَّيَا وَدَعَا اللَّهَ، فَإِذَا الْمُقْعَدُ قَدْ أُطْلِقَتْ رِجْلَاهُ وَقَامَ يَمْشِي.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ آخَرَ، فَأْتِي بِهِ، فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ أَوَّلَ مَرَّةٍ، فَانْطَلَقَ الْمُقْعَدُ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! قَدْ أَتَيْنَا بِحُجَّتَيْنِ وَأَتَيْنَا بِمِثْلِهِمَا، وَلَكِنْ بَقِيَ شَيْءٌ وَاحِدٌ، فَإِنْ

كَانَ هُمَا فَعَلَاءَهُ، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا.

ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! بَلَّغْنِي أَنَّهُ كَانَ لِلْمَلِكِ ابْنٌ وَاحِدٌ وَمَاتَ، فَإِنْ أَحْيَاهُ إِلَهُهُمَا، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: وَأَنَا أَيْضاً مَعَكَ، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: قَدْ بَقِيَتْ هَذِهِ الْخَصْلَةُ الْوَاحِدَةُ، قَدْ مَاتَ ابْنُ الْمَلِكِ فَادْعُوا إِلَهُكُمَا أَنْ يُحْيِيَهُ.

قَالَ: فَخَرّاً سَاجِدِينَ لِلَّهِ وَأَطَالَا السُّجُودَ، ثُمَّ رَفَعَا رَأْسَيْهِمَا، وَقَالَا لِلْمَلِكِ: ابْعَثْ إِلَى قَبْرِ ابْنِكَ، تَجِدْهُ قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ فَوَجَدُوهُ قَدْ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يُنْفِضُ رَأْسَهُ مِنَ التُّرَابِ، قَالَ: فَأَتَيْتُ بِهِ إِلَى الْمَلِكِ، فَعَرَفَ أَنَّهُ ابْنُهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا حَالُكَ يَا بُنَيَّ!؟

قَالَ: كُنْتُ مَيِّتاً، فَرَأَيْتُ رَجُلَيْنِ بَيْنَ يَدَيَّ السَّاعَةَ سَاجِدَيْنِ، يَسْأَلَانِي أَنْ يُحْيِيَنِي فَأَخْبَانِي، قَالَ: يَا بُنَيَّ! فَتَعَرَّفُوهمَا إِذَا رَأَيْتَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَأَخْرَجَ النَّاسَ جُمْلَةً إِلَى الصَّحْرَاءِ، فَكَانَ يَمُرُّ عَلَيْهِ رَجُلٌ رَجُلٌ، فَيَقُولُ لَهُ أَبُوهُ: أَنْظُرْ، فَيَقُولُ: لَا، لَا، ثُمَّ مَرَّ عَلَيْهِ بِأَحَدِهِمَا بَعْدَ جَمْعٍ كَثِيرٍ، فَقَالَ: هَذَا أَحَدُهُمَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ مَرَّ أَيْضاً بِقَوْمٍ كَثِيرِينَ، حَتَّى رَأَى صَاحِبَهُ الْآخَرَ، فَقَالَ: وَهَذَا الْآخَرُ.

قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ صَاحِبُ الرَّجُلَيْنِ: أَمَّا أَنَا فَقَدْ آمَنْتُ بِإِلَهُكُمَا، وَعَلِمْتُ أَنَّ مَا جِئْتُمَا بِهِ هُوَ الْحَقُّ، فَقَالَ الْمَلِكُ: وَأَنَا أَيْضاً آمَنْتُ بِإِلَهُكُمَا، وَآمَنَ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ كُلُّهُمْ. (1)

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) در پاسخ به سؤال از آیه «و برای آنان مثل بز ن داستان مردم آن شهری را که رسولان بدان جا آمدند»،

ص: 189

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 140، ح 35؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 240، ح 20؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 570، ح 8911؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 247؛ تفسير القمي، ج 2، ص 213؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 11، ص 64؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 379، ح 30.

«آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ولی آن دو را دروغگو خواندند تا با فرستادهٔ سوّمین آنان را تأیید کردیم. پس رسولان گفتند: ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم»، فرمودند: خداوند دو مرد به سوی مردم شهر انطاکیه فرستاد، و آنان برای مردم چیزهایی (سخنانی) آوردند که برایشان ناآشنا و بیگانه بود، لذا بر آن دو خشم گرفتند و آن ها را دستگیر و در بتکده زندانی کردند.

آنگاه خداوند فرستادهٔ سوّمی را به سوی آنان فرستاد، و او وارد شهر شد و گفت: مرا به کاخ پادشاه راهنمایی کنید، وقتی بر درگاه پادشاه ایستاد، گفت: من مردی هستم که روزگار خود را در بیابانی به عبادت می گذراندم، امّا علاقه مند شدم که خدای پادشاه را پرستم.

سخن او را به گوش پادشاه رساندند، شاه گفت: او را به خانهٔ خدایان (بتکده) ببرید، آن مرد را به آن جا بردند، او یک سال با دو یار خود در آن جا ماند و به آن دو گفت: با مهارت و هوشیاری است که می توان مردی را از دینی به دین دیگر درآورد، چرا از راه مدارا وارد نشدید! سپس به آنان گفت: چنان وانمود کنید که مرا نمی شناسید.

آنگاه او را به حضور پادشاه بردند، پادشاه به او گفت: شنیده ام که تو خدای مرا می پرستیدی، از این پس تو برادر من هستی، حالا بگو چه می خواهی؟

مرد گفت: پادشاه! من حاجتی ندارم، امّا در معبد خدایان، دو مرد دیدم، آن ها چه کرده اند؟

پادشاه گفت: این دو مرد نزد من آمده اند و می گویند دین من باطل است و مرا به سوی خدایی آسمانی دعوت می کنند.

مرد گفت: پادشاه! مناظره ای نیکو (منطقی) ترتیب دهید، تا اگر حق با آن دو بود ما پیرو آنان شویم، و اگر حق با ما بود، آن ها به دین و آیین ما درآیند.

پادشاه در پی آن دو نفر فرستاد، چون بر او وارد شدند، دوست آن دو به ایشان گفت: شما برای چه آمده اید؟

گفتند: آمده ایم تا شما را به عبادت و پرستش خداوندی دعوت کنیم که آسمان ها و زمین را آفریده و در رحم مادران آنچه را بخواهد می آفریند و آن گونه که بخواهد شکل می دهد و درختان و میوه ها را می رویاند و از آسمان باران می فرستد.

او به آن دو نفر گفت: آیا این خدای شما که به او و عبادتش دعوت می کنید، اگر نابینایی را بیاوریم می تواند بینایش گرداند؟

گفتند: اگر از او تقاضا کنیم که این کار را بکند، و او بخواهد، البته چنین می کند.

آن مرد گفت: پادشاه! شخص نابینایی را که هیچگاه بینایی نداشته است، برایم بیاورید، چنین شخصی را آوردند، به آن دو گفت: از خدایتان بخواهید بینایی این مرد را به او برگرداند.

آن دو برخاستند و دو رکعت نماز خواندند، ناگهان هر دو چشم آن نابینا باز شد، و به آسمان می نگریست.

آن مرد گفت: پادشاه! بگو نابینای دیگری بیاورند، پس نابینای دیگری آوردند، خود آن مرد سجده ای کرد و سپس سر از سجده برداشت، ناگهان آن نابینا، بینا شد.

آن مرد گفت: پادشاه! این هم حجّتی از ما بود در برابر حجّت آنان، اکنون شخصی زمین گیر و فلج را نزد من بیاورید، چنین کردند و دوباره از آن دو خواست که سلامتی این شخص را نیز به او بازگردانند، پس نماز گزاردند و خداوند را خوانند، به یک باره پاهای شخص زمین گیر آزاد شدند و او برخاست و به راه افتاد.

او گفت: ای پادشاه! زمین گیر دیگری را نزد من بیاورید، آورده شد و آن مرد با او چنان کرد که بار پیش کرده بود، پس زمین گیر به راه افتاد، آن مرد گفت: ای پادشاه!

دو دلیل آوردند و ما نیز مانندشان را آوردیم، ولی یک چیز باقی مانده است که اگر آن دو انجام دهند، با هم به کیش و آئین شان در خواهیم آمد.

سپس گفت: ای پادشاه! مرا خبر رسیده که شما تک پسری داشته اید که وفات نموده، پس اگر خدای این دو شخص او را زنده گرداند همراه آنان دینشان را خواهیم پذیرفت، پادشاه به او گفت: من نیز با تو هم عقیده ام، آن گاه به آن دو گفت: یک هدف باقی مانده است، پسر پادشاه وفات نموده است، پس خدای خویش را بخوانید تا او را زنده گرداند.

پس آن دو مرد سجده کنان به درگاه خداوند بر زمین افتادند و سجده ای طولانی انجام دادند، سپس سرشان را از سجده برداشتند و به پادشاه گفتند: شخصی را به سوی مزار پسر ت روانه دار این شاءالله او را خواهی یافت که از مزارش برخاسته است.

پس مردم خارج شدند و می نگریستند، آن گاه پسر پادشاه را مشاهده کردند که از قبر خارج شده و گرد و خاک را از سرش می تکاند، آن پسر را نزد پادشاه آوردند و او پی برد که واقعاً پسرش است، پس به او گفت: ای پسر! حال تو چگونه است؟

گفت: من مرده بودم، و اکنون دو مرد را مشاهده کردم که در مقابل پروردگارم به سجده افتادند در حالی که از او می خواستند که مرا زنده گرداند، پس خداوند مرا زنده گرداند.

پادشاه گفت: ای پسر! اگر آن دو را ببینی آن ها را می شناسی؟ گفت: بله، پس پادشاه تمام مردم را به سوی صحرا خارج کرد، و یک یک مردان آن قوم از مقابل پسر پادشاه عبور می کردند و پدرش به او می گفت: بنگر، و پسر می گفت: نه، نه، بعد از آمدن جمع کثیری از مردان، یکی از آن دو مرد بر پسر گذر کرد، پس گفت: این یکی از آن دو مرد است و با دستش به او اشاره کرد، آن گاه تعداد زیادی از مردان بر او گذشتند تا اینکه پسر پادشاه دوست دیگر آن مرد را نیز مشاهده کرد و گفت: و این، مرد دیگر است.

در این هنگام، آن پیامبری که دوست آن دو مرد بود گفت: اینک من به خداوند شما دو تن ایمان آوردم و دانستم که آنچه به ارمغان آورده اید حقّ است، پادشاه نیز گفت: من هم به خدای شما دو نفر ایمان آوردم، و تمام مردم سرزمین او نیز ایمان آوردند.

ص: 193

کد آیه: 52/36 اسم آیه: صبر تا زمان رجعت

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا* هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ 52

و خواهند گفت: وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاه ابدی خود برانگیخت؟ این همان وعده خدای رحمان است و پیامبران حقیقت را برای ما می گفتند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْوَاسِطِيِّ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (سلام الله عليه) أَشْكُو جَفَاءَ أَهْلِ وَاسِطٍ، وَ حَمْلَهُمْ عَلَيَّ، وَ كَانَتْ عِصَابَةً مِنَ الْعُثْمَانِيَةِ تُؤْذِنِي، فَوَقَعَ بِحُطَّهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» (1)، فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا: «يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (2).

از حسن بن شاذان واسطی نقل است که گفت: به امام هشتم، حضرت امام رضا (سلام الله عليه) نامه ای نوشتم، و از ستم مردم واسط و حملاتی که به من وارد می کردند، به آن حضرت شکایت کردم، و آن ها گروهی از طرفداران عثمان بودند، که به من آزار

ص: 194

1- _ سورة قلم (68)، آیه 48.

2- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 290؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 295، ح 121؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 89، ح 87؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 579، ح 8934؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 11، ص 85؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 388، ح 62؛ الكافي، ج 8، ص 247، ح 346.

می رساندند. آن حضرت (سلام الله علیه) به خط شریف خود به من این گونه نوشتند:

همانا خدای تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته، که در دوره حکومت باطل، صبر پیشه کنند، پس در برابر حکم پروردگارت شکیبا باش، و آن گاه که سرور خلائق ظهور کند (و زمان رجعت فرا رسد) آن ها خواهند گفت: «یا ویلنا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْفَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».

ص: 195

کد آیه: 43/38 اسم آیه: رجعت فرزندان حضرت ایوب (سلام الله علیه)

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِأُولَى الْأَلْبَابِ 43

و ما اهل و فرزندانى كه از او مردند، و به مقدار آن ها هم علاوه به او عطا كرديم، تا در حق او لطف و رحمتى كنيم و تا صاحبان عقل متذكر شوند.

1- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، قُلْتُ: وَلَدُهُ كَيْفَ أُوتِيَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؟ قَالَ: أَحْيَا لَهُ مِنْ وَلَدِهِ الَّذِينَ كَانُوا مَاتُوا قَبْلَ ذَلِكَ بِأَجَالِهِمْ مِثْلَ الَّذِينَ هَلَكُوا يَوْمَئِذٍ. (1)

از ابوبصير نقل است كه گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) درباره اين فرمايش خداوند (عز و جل): «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، پرسيدم كه چگونه خداوند، مانند آن ها را، به ايوب (سلام الله عليه) داد؟ حضرت فرمودند: خداوند، چه آن فرزندان را، كه قبلاً مرده بودند، و چه آنان كه در واقعه امتحان مردند، همه را با هم زنده نمود.

2- قال الشيخ الطبرسي (قدس سره): قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ: رَدَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ الَّذِينَ هَلَكُوا بِأَعْيَانِهِمْ، وَ أَعْطَاهُ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، وَ كَذَلِكَ رَدَّ عَلَيْهِ أَمْوَالُهُ وَ مَوَاسِيَهُ

ص: 196

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 125، ح 10؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 347، ح 7؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 3 ص 833، ح 7181؛ تفسير الصافي، ج 3، ص 351 و ج 4، ص 301؛ تفسير نور الثقلين، ج 3، ص 448، ح 132؛ الكافي، ج 8، ص 252، ح 354.

مرحوم طبرسی (قدس سرّه) در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه: «وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، روایتی را از ابن عباس و ابن مسعود نقل نموده، که: خداوند، فرزندان حضرت ایوب (علیه السلام) را که مرده بودند، به او برگرداند، و مثل آنان نیز به او عطا نمود، و همچنین اموال و چارپایانش را نیز، دو برابر به او برگرداند.

سپس مرحوم طبرسی (قدس سرّه) از قول ابن یسار می نویسد: فرزندان حضرت ایوب (علیه السلام)، هفت پسر، و هفت دختر بودند، که از دنیا رفته بودند، و سپس خداوند آن ها را زنده نمود.

توضیح: همان طور که بیان شد، خداوند اموال و فرزندان حضرت ایوب (علیه السلام) را عیناً به او بازگرداند و مثل آن ها را نیز به وی ارزانی داشت، بنا بر این وقتی ثابت شود که در امت های گذشته، مثل فرزندان حضرت ایوب (علیه السلام)، بازگشت پس از مرگ به دنیا، اتفاق افتاده و ده ها روایت صحیح از ائمه اطهار (سلام الله علیهم) نیز، این مسأله را تأیید کند، دیگر چه مانعی می تواند از اعتقاد به رجعت جلوگیری نماید؟!

ص: 197

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 136، ح 29؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 346، ذیل ح 6؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 7، ص 94؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 26، ص 230.

کد آیه: 11/40 اسم آیه: حیات دو باره در رجعت

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاٰحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ۝۱۱

آن ها می گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟

1_ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاٰحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ»، قَالَ الصَّادِقُ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاٰحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ»، (خداوند! ما را دو بار می رانیدی و دو بار زنده کردی)، گفت: حضرت امام جعفر صادق (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) فرمودند: این آیه در باره رجعت است.

2- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَامٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَ

ص: 198

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 258، ح 46؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 56، ح 36؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 749، ح 9327؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 336؛ تفسير القمي، ج 2، ص 256؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 11، ص 365؛ تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 513، ح 19؛ مختصر البصائر، ص 157، ح 124.

أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، قَالَ (سلام الله عليه): هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَيَجْرِي فِي الْقِيَامَةِ، «فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (1). (2)

از محمد بن سلام نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) در باره این فرمایش خدای متعال: «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، فرمودند: فرمود: این آیه مخصوص اقوامی است که پس از مرگ رجعت می کنند و در خصوص قیامت هم جاری می شود، «پس رحمت خدا از ستمکاران دور باد».

3_ مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) می فرماید: و من به خط بعضی از بزرگان، به خط شهید اول (قدس سره) دیدم که فرمود: صفوانی با اسنادش در کتابش روایت کرده: سَدَّيْلَ الرِّضَا (سلام الله عليه) عَنْ تَفْسِيرِ: «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، قَالَ: وَاللَّهِ! مَا هَذِهِ الْأَيَّةُ إِلَّا فِي الْكَرَّةِ. (3)

از حضرت امام رضا (سلام الله عليه) از تفسیر این آیه: «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، سؤال شد، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه تنها در مورد رجعت، تحقق خواهد یافت.

توضیح: یکی از مواردی که خداوند مرده، زنده می کند، در رجعت است، و دیگری در قیامت، پس یکی از مرگ ها، در دنیا است، و دیگری در رجعت می باشد.

ص: 199

1- _ سورة مؤمنون (23)، آیه 41.

2- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 291؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 298، ح 127؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 116، ح 139؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 749، ح 9328؛ مختصر البصائر، ص 463، ح 519.

3- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 291؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 144.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ 51

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم!

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، قَالَ: ذَلِكَ، وَاللَّهِ! فِي الرَّجْعَةِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يُنْصَرَوْا فِي الدُّنْيَا وَقُتِلُوا، وَالْأَيْمَةُ قَدْ قُتِلُوا وَلَمْ يُنْصَرَوْا، فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

از جمیل بن درّاج نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خداوند (عزّ و جلّ): «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است، مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران الهی در دنیا یاری نشدند، بلکه کشته شدند، و ائمه (سلام الله علیهم) هم کشته شدند، و کسی آن ها را یاری نکرد؟ پس این نصرت و یاری در زمان رجعت خواهد بود.

2_ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه): فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ

ص: 200

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 65، ح 57؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 764، ح 9370؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 11، ص 398؛ تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 526، ح 69؛ مختصر البصائر، ص 92، ح 60.

الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»⁽¹⁾، قَالَ: «الرَّاجِفَةُ»، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما)، وَ «الرَّادِفَةُ»، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله عليهما)، وَ
أَوَّلُ مَنْ يَنْقُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سلام الله عليهما) فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ هُوَ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ
آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»⁽²⁾.

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خدای متعال: «يَوْمَ تَرْجُفُ
الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، فرمودند: مقصود از «الرَّاجِفَةُ»، حضرت حسین بن علی (سلام الله عليهما) هستند، و مقصود از «الرَّادِفَةُ»،
حضرت علی بن ابی طالب (سلام الله عليهما) می باشند، و اولین کسی که (در رجعت) گرد و خاک از سرش پاک می کند، حضرت
حسین بن علی (سلام الله عليهما) هستند، که با هفتاد و پنج هزار نفر برانگیخته می شوند، و این همان سخن خداوند (عزّ و جلّ) است:
«ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم»، «روزی که
عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آن ها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

ص: 201

1- _ سورة نازعات (79)، آیه 6 و 7.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 382، ح 150؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 106، ح 134؛ البرهان في تفسير القرآن، ج
5، ص 575، ح 11361؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 737؛ تفسير فرات الكوفي، ص 537، ح 689؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج
14، ص 115؛ مختصر البصائر، ص 492، ح 554.

کد آیه: 81/40 اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ 81

خداوند آیات خود را برای شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات خدا را انکار توانید کرد؟

في تفسیر القمی، قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ: «وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةَ (سلام الله عليهم) فِي الرَّجْعَةِ فَإِذَا رَأَوْهُمْ، «قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ» (1)، أَيْ جَحَدْنَا بِمَا أَشْرَكْنَاهُمْ، «فَلَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَا سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (2). (3)

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ»، می فرماید: مقصود این است که خداوند، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه معصومین (سلام الله عليهم) را در رجعت به دشمنان آن ها نشان می دهد، پس چون آن ها را دیدند، «گفتند: ما فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می گردانیدیم کافریم»، یعنی: به آنچه قبلاً شرک می ورزیدیم، کافر شدیم، «ولی هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمان شان برای آن ها سودی نداد، این سنت خداست که همیشه در میان بندگان جریانی داشته و در این مورد کافران زیانکارند».

ص: 202

1- _ سورة غافر (40)، آیه 84.

2- _ سورة غافر (40)، آیه 85.

3- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 344، ح 78؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 56، ح 37؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 261؛ مختصر البصائر، ص 158، ح 126.

کد آیه: 44/42 اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ * وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ 44

و کسی را که خدا گمراه کند ولی و یاورى بعد از او نخواهد داشت، و ستمگران را مى بینى هنگامى که عذاب را مشاهده مى کنند، مى گویند: آیا راهى به سوى بازگشت وجود دارد؟

في تفسير القمّي، في قوله تعالى: «وَتَرَى الظَّالِمِينَ»، آل مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم) حَقَّهُمْ، «لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ»، وَ عَلِيٍّ (سلام الله عليه) هُوَ الْعَذَابُ فِي هَذَا الْوَجْهِ، «يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ»، فَنُؤَالِي عَلِيًّا. (1)

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «وَتَرَى الظَّالِمِينَ»، می فرماید: مقصود، ستمگران در حق آل محمد (سلام الله عليهم) است، «لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ»، و اینجا مقصود از عذاب، حضرت علی (سلام الله عليه) هستند، یعنی چون آن ستمکاران (در رجعت) چشمشان به حضرت علی (سلام الله عليه) می افتد، می گویند: آیا راهی برای بازگشت هست؟ تا ولایت حضرت علی (سلام الله عليه) را بپذیریم.

ص: 203

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 258، ح 47؛ بحار الأنوار، ج 31، ص 580، ذیل ح 14؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 830، ذیل ح 9542؛ تفسیر الصافی، ج 4، ص 380؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 278؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 11، ص 535.

کد آیه: 10/44 اسم آیه: دود آشکار در رجعت

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ 10

پس در انتظار روزی باش که دودی آشکار از آسمان پدید آید.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «فَارْتَقِبْ»، أَيِ اصْبِرْ، «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، قَالَ: ذَلِكَ إِذَا خَرَجُوا فِي الرَّجْعَةِ مِنَ الْقَبْرِ، «يَغْشَى النَّاسَ»، كُلَّهُمُ الظُّلْمَةُ، فَيَقُولُوا: «هَذَا عَذَابُ أَلِيمٍ»، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، فَقَالَ اللَّهُ رَدًّا عَلَيْهِمْ: «أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى»، فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، «وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ»، أَيِ رَسُولٌ قَدْ بَيَّنَّ لَهُمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ، «وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، قَالَ: قَالُوا: ذَلِكَ لَمَّا نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَخَذَهُ الْغَشْيُ، فَقَالُوا: هُوَ مَجْنُونٌ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»، يَعْنِي إِلَى الْقِيَامَةِ، وَ لَوْ كَانَ قَوْلُهُ: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، فِي الْقِيَامَةِ لَمْ يَقُلْ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بَعْدَ الْآخِرَةِ وَالْقِيَامَةِ حَالَةٌ يَعُودُونَ إِلَيْهَا، ثُمَّ قَالَ: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى»، يَعْنِي فِي الْقِيَامَةِ، «إِنَّا مُنْتَقِمُونَ» (1). (2)

ص: 204

1- آياتی که در این روایت است، مربوط به سورة دخان (44)، از آیه 10 تا 16، می باشد.

2- بحار الأنوار، ج 53، ص 57، ح 39؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 13، ح 9696؛ تفسیر الصافي، ج 4، ص 406؛ تفسیر القمي، ج 2، ص 290؛ تفسیر نور الثقلين، ج 4، ص 627، ح 26؛ مختصر البصائر، ص 158، ح 127.

در تفسیر قمی، ذیل آیه: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، یعنی منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار می آورد، می گوید: این هنگامی است که مردم در رجعت از قبر بیرون آمده به دنیا باز می گردند، و ظلمت و تاریکی همه مردم را فرا می گیرد، به همین دلیل خواهند گفت: این است عذاب دردناک، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، خدایا! این عذاب را از ما برطرف کن، ما ایمان آوردیم.

خداوند جواب رد به آن ها می دهد، و می فرماید: «أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ»، یعنی: چه شده است که در آن روز ایمان می آورند، در حالی که قبلاً پیامبری برای آن ها آمده بود تا حقیقت را آشکار نماید، «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، سپس از او روی برتافتند و گفتند: او چیزهایی را آموخته و دیوانه است.

وقتی وحی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل می شد، آن حضرت از هیبت وحی الهی از هوش می رفتند، آن ها می گفتند: پیامبر دیوانه شده است.

سپس علی بن ابراهیم این آیه را ذکر می کند: «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»، یعنی: اندکی از عذاب را برطرف می کنیم، زیرا شما به قیامت برخواهید گشت، اگر منظور از: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، آن بود که این امر در قیامت اتفاق خواهد افتاد، خداوند در پایان آن نمی فرمود: شما بازگشت خواهید نمود، زیرا بعد از آخرت و قیامت حالتی وجود ندارد که مردگان بازگشت به آن کنند.

سپس علی بن ابراهیم می گوید: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ»، روزی که باز خواست بزرگ را از مردم می نمائیم، ما انتقام از آن ها می گیریم، که البته این انتقام و بازخواست در قیامت است.

کد آیه: 14/45 اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ 14

به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام الله ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد.

رُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، أَنَّهُ قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ (سلام الله عليه)، وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (1)

از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) روایت است که فرمودند: روزهای خدا که مورد امید و آرزو هستند سه روزند: روز قیام حضرت قائم (سلام الله عليه)، و روز رجعت، و روز قیامت.

تذکر: البته شما می توانید در این زمینه، به کُد: 5/14 نیز مراجعه فرمائید.

1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 1، ص 90؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 28، ح 9739؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص 558؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 153.

كد آيه: 15/46 اسم آيه: خبر رجعت امام حسين (سلام الله عليه)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا* حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا* 15...

و ما انسان را بر احسان و نيکی در حق پدر و مادر سفارش بسيار کرديم، مادرش با رنج و زحمت بار حمل کشيده و با درد و رنج وضع حمل نموده.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»، إِنَّمَا عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (سلام الله عليهما)، ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ (سلام الله عليه)، فَقَالَ: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَبَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ (سلام الله عليه) قَبْلَ حَمَلِهِ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ يَكُونُ فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَالْمُصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ، ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ، وَأَعْلَمَهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ، ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَيَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ. (الحديث) (1)

در تفسير جناب على بن ابراهيم قمي، ذيل آيه: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»، مى فرمايد: منظور، امام حسن و امام حسين (سلام الله عليهما) هستند، سپس بر امام حسين (سلام الله عليه) عطف توجه نموده و فرمود: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»، (مادرش با تحمل رنج

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 345، ح 81؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 246، ح 21 و ج 53، ص 102، 126؛ تفسير القمي، ج 2، ص 297؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 11، ح 12؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 179؛ مختصر البصائر، ص 159، ح 128.

به او باردار شد و با تحمّل رنج او را به دنیا آورد) زیرا خدای علیم، قبل از انعقاد نطفه امام حسین (سلام الله علیه)، رسول گرامی خود را به وجود حسین (سلام الله علیه) و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان او خواهد شد، بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که دچار حسین (سلام الله علیه) و فرزندانش می شود، آگاه نمود، سپس مقام امامت را، در عوض آن مصائب، به فرزندانش خواهد داد، و پیامبر خود را خبر داد که حسین (سلام الله علیه) کشته خواهد شد، سپس خداوند او را به دنیا باز می گرداند و او را یاری می کند تا دشمنان خود را به مجازات برساند.

ص: 208

کد آیه: 42/50 اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ * ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ 42

آن روز همه مخلوقات، آن صیحه آسمانی را قطعاً خواهند شنید که (می گوید) امروز، روز خروج از قبرهاست.

1_ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، (روزی که مردم صدای حق را می شنوند، آن روز روز قیام است)، فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.

2_ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (2)، قَالَ: ذَلِكَ، وَ اللَّهُ! فِي الرَّجْعَةِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّةَ قَدْ قُتِلُوا وَ

ص: 209

1_ _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 259، ح 51؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 152، ح 10100؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 65؛ تفسير القمي، ج 2، ص 327؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 400؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 119، ذیل ح 59؛ مختصر البصائر، ص 160، ح 129.

2_ _ سورة غافر (40)، آیه 51.

لَمْ يُنْصَرُوا، فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، قُلْتُ: «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»، «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ. (1)

از جمیل بن درّاج نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خداوند (عزّ و جلّ): «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است، مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران الهی در دنیا یاری نشدند، بلکه کشته شدند، و ائمه (سلام الله علیهم) هم کشته شدند، و کسی آن ها را یاری نکرد؟ بنا بر این، یاری آنان در رجعت خواهد بود.

جمیل درّاج گوید، عرض کردم: مقصود از: «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»، «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، چیست؟ حضرت فرمودند: این رجعت است.

ص: 210

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 65، ح 57؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 151، ح 10098؛ مختصر البصائر، ص 92، ح 60؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدين (للفیض)، ص 281، ح 3.

کد آیه: 44/50 اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا* ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ 44

روزی که زمین سریعاً شکافته و از وجود آنان خالی گردد، آن روز، روز حشر است و اینکار برای ما بسیار آسان است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ (1).

علی بن ابراهیم در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»، (روزی که زمین به سرعت از آنان جدا و شکافته می شود) می فرماید: یعنی در رجعت چنین می شود.

ص: 211

-
- 1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 292؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 95، ح 53 و ص 260، ح 52؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 58، ح 40؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 152، ح 10101؛ تفسير القمي، ج 2، ص 327؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 401؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 119، ح 59؛ مختصر البصائر، ص 160، ح 130.

کد آیه: 13/51 اسم آیه: امتحان رجعت

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ¹³

همان روزی است که آن ها را بر آتش می سوزانند!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، قَالَ: يُكْسَرُونَ فِي الْكُرَّةِ كَمَا يُكْسَرُ الذَّهَبُ، حَتَّى يَرْجَعَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شِبْهِهِ، يَعْنِي إِلَى حَقِيقَتِهِ. (1)

حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در بارة این فرمایش خداوند (عز و جل): «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، فرمودند: مقصود این است که در رجعت، شکسته می شوند، همان گونه که طلا شکسته می شود (و نا خالصی آن از اصلش جدا می گردد)، تا اینکه هر چیزی به شکل و شبیه خودش درآید، یعنی به حقیقت خود بازگردد.

ص: 212

1- _ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ج 2، ص 292؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 44، ح 15؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 159، ح 10117؛ مختصر البصائر، ص 117، ح 94؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص 285، ح 19.

کد آیه: 22/51 اسم آیه: اخبار رجعت

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ 22

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود.

فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»، قَالَ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، فَتُخْرَجُ بِهِ أَقْوَاتُ الْعَالَمِ مِنَ الْأَرْضِ، «وَمَا تُوعَدُونَ»، مِنْ أَخْبَارِ الرَّجْعَةِ وَالْقِيَامَةِ، وَالْأَخْبَارِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ. (1)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «روزی شما و آنچه به شما وعده داده می شود، در آسمان است»، روایت می کند که: منظور از روزی، بارانی است که از آسمان می آید، و به وسیله آن رزق عالم از زمین خارج می شود، و منظور از «ما توعدون»، یعنی آنچه که از اخبار رجعت و قیامت، وعده می دهند، و آن ها اخباری است که در آسمان است.

ص: 213

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 292؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 260، ح 53؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 161، ح 10126؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 71؛ تفسير القمي، ج 2، ص 330؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 417؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 124، ح 25.

کد آیه: 47/52 اسم آیه: عذاب در رجعت

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ 47

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی دانند.

1_ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (سلام الله عليه): نَزَلَ جِبْرِيلُ بِهِ آيَةُ هَكَذَا: فَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم) حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، يَعْنِي عَذَابًا فِي الرَّجْعَةِ. (1)

حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) فرمودند: جبرئیل این آیه را این چنین نازل کرد: همانا برای ظالمین در حق آل محمد (سلام الله عليهم)، عذابی دیگر است، ولی بیشترشان نمی دانند (که آن عذاب چیست) و منظور عذاب در رجعت است.

2_ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا»، آلَ مُحَمَّدٍ (سلام الله عليهم) حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ»، قَالَ: عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ. (2)

ص: 214

-
- 1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 298، ح 128؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 117، ح 144 و ج 89، ص 64.
 - 2- _ بحار الأنوار، ج 9، ص 239، ح 138 و ج 53، ص 103، ح 127؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 180، ح 10173؛ تفسير القمي، ج 2، ص 333؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 12، ص 462؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 143، ح 38؛ مختصر البصائر، ص 160، ح 131.

جناب علی بن ابراهیم قمی، در باره این سخن خدای متعال: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا» می فرماید: مقصود از ستمگران، کسانی هستند که در حق آل محمد (سلام الله علیهم) ظلم و ستم کردند، «عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ»، و مقصود از عذاب دیگر، عذاب در رجعت است که به وسیله شمشیر خواهد بود.

ص: 215

کد آیه: 53/53 اسم آیه: شهر واژگون شده

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ 53

و نیز شهرهای زیر و رو شده، را فرو کوبید.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ»، قَالَ: الْمُؤْتَفِكَةُ الْبَصَرَةُ، وَالدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): يَا أَهْلَ الْبَصَرَةِ! وَيَا أَهْلَ الْمُؤْتَفِكَةِ! يَا جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَاتِّبَاعَ الْبَهِيمَةِ! رَغَا فَاجْتَبْتُمْ، وَعُقِرَ فَهَرَبْتُمْ، مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ، وَأَحْلَامُكُمْ دِقَاقٌ وَفِيكُمْ خَتْمُ التَّفَاقِ، وَلُعْنَتُمْ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَخْبَرَنِي أَنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَهُ، أَنَّهُ طَوَى لَهُ الْأَرْضَ فَرَأَى الْبَصَرَةَ أَقْرَبَ الْأَرْضِينَ مِنَ الْمَاءِ، وَأَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ وَفِيهَا تِسْعَةُ أَعْشَارِ الشَّرِّ وَالِدَاءِ الْعُضَالِ، الْمُقِيمُ فِيهَا مُذْنِبٌ، وَالْخَارِجُ مِنْهَا بِرَحْمَةٍ، وَقَدْ اثْتَفَكْتَ بِأَهْلِهَا مَرَّتَيْنِ، وَعَلَى اللَّهِ تَمَامُ الثَّالِثَةِ، وَتَمَامُ الثَّالِثَةِ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود، در باره این فرمایش خدای متعال: «وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ»، می فرماید: شهر واژگون شده، همان شهر بصره است، به دلیل خطبه امیرالمؤمنین (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) که فرمودند:

ص: 216

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 292، ح 39؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 260، ح 55؛ بحار الأنوار، ج 32، ص 226، ح 176؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 209، ح 10247؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 97؛ تفسير القمي، ج 2، ص 339؛ تفسير كنز الدقائق وبحر الغرائب، ج 12، ص 520؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص: 172، ح 105.

ای مردم بصره! ای سپاهیان زن! و ای پیروان چهارپائی که زوزه کشید و شما او را اجابت کردید! و زمانی که پی شد، فرار کردید! آب شما تلخ، دین شما سطحی است، و در دل هایتان نفاق است، شما از با زبان هفتاد پیامبر الهی، نفرین شده اید.

همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر داد که: جبرئیل (سلام الله علیه) او را آگاه ساخته است که: زمین برای او در هم پیچیده شد و او بصره را دید که نزدیک ترین سرزمین ها به آب، و دورترین آن ها به آسمان است، نُه دهم شرّ و بیماری سخت در آن قرار دارد، هر که در آن بماند، اهل معصیت است، و هر که از آن خارج شود، به رحمت الهی دست یافته است.

این شهر، دوبار بر اهلش واژگون گشته، و بر خداست که سوّمین بار نیز آن را واژگون نماید، و مرتبه سوّم در زمان رجعت است.

کد آیه: 8/54 اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ * يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ 8

در حالی که به سوی این دعوت کننده گردن می کشند، کافران می گویند: امروز روز سخت و دردناکی است!

قالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ»، إِذَا رَجَعَ، فَيَقُولُ: ارْجِعُوا، «يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ». (1)

جناب علی بن ابراهیم قمی در در باره این سخن خدای متعال: «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ»، (شتابان به سوی دعوت کننده می کشانند)، می فرماید: هنگامی که در رجعت، به آنان می گویند: برگردید، «و کافران می گویند: این روز سخت و دشواری است».

ص: 218

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 261، ح 56؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 218؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 100؛ تفسير القمي، ج 2، ص 341.

کد آیه: 13/60 اسم آیه: یأس کفار در رجعت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئْسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ 13

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند!

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَمَّنْ سَمِعَ عَلِيًّا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، يَقُولُ: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ! فَقَامَ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا هَذَا الْعَجَبُ الَّذِي لَا تَزَالُ تَعَجَّبُ مِنْهُ؟

فَقَالَ: ثَكَلْتُكَ أُمُّكَ! وَآيُّ عَجَبٍ أَعْجَبَ مِنْ أَمْوَاتٍ يَصَدُّ رَبُّونَ كُلَّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ، وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئْسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»، فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ، قُلْتُمْ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَوْ آيٌّ وَادٍ سَلَكَ، وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ آمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (1). (2)

از ابو جارود نقل است که گفت: از قول کسی که از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شنیده

ص: 219

1- _ سورة اسراء (17)، آیه 6.

2- _ الزام الناصب، ج 1، ص 94؛ بحار الانوار، ج 53، ص 60، ح 48؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 360، ح 10676؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص 659؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 13، ص 217.

است، که آن حضرت می فرمودند: عجب و همه عجب بین جمادی و رجب است!

مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! این چه امر شگفت آوری است که دائماً از آن تعجب می فرمایید؟ حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! چه تعجبی از این بالاتر که مردگانی، هر کس را که دشمن خدا و رسول و اهل بیتش باشد، گردن می زنند! و آن تأویل این آیه است که خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُوءُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُوءُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»، پس وقتی کشتار بالا گرفت، خواهید گفت: او مُرد یا هلاک شد؟ یا در کدام وادی پای نهاد؟ و آن تأویل این سخن خدای متعال است که فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»، (پس دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و نفرات شما را بیشتر می گردانیم).

ص: 220

کد آیه: 16/68 اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت

سَنَسِيْمُهُ عَلَى الْخُرْطُوْمِ 16

(ولی) ما به زودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم!

في تفسير القمي: قَوْلُهُ تَعَالَى: «سَنَسِيْمُهُ عَلَى الْخُرْطُوْمِ»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ إِذَا رَجَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَ يَرْجِعُ أَعْدَاؤُهُ، فَيَسِيْمُهُمْ بِمِيسَمٍ مَعَهُ، كَمَا تُوسَمُ الْبَهَائِمُ عَلَى الْخَرَاطِيمِ الْأَنْفُ وَالشَّفَتَانِ. (1)

در تفسیر قمی روایت است که: در باره این سخن خدای متعال: «سَنَسِيْمُهُ عَلَى الْخُرْطُوْمِ»، فرمود: این داغ نهادن در رجعت است، هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علی (سلام الله علیه) رجعت فرمایند و دشمنانشان نیز رجعت کنند، آن حضرت با داغی که همراه خود دارند، بر آن ها داغ می زنند، پس همان گونه که بر بینی و لب های چهارپایان، داغ می زنند، بر بینی و لب های دشمنانشان داغ می زنند.

ص: 221

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 293؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 346، ح 83؛ بحار الأنوار، ج 30، ص 166 و ج 53، ص 103، ح 128؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 459، ح 10977؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 210؛ تفسير القمي، ج 2، ص 381؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 13، ص 384؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 394، ح 45؛ مختصر البصائر، ص 161، ح 132.

کد آیه: 4/70 اسم آیه: روز پنج هزار ساله

تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ 4

فرشتگان و روح (فرشته مقرب خداوند) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، أَنَّهُ قَالَ: حِينَ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى مِقْدَارَهُ فِي الْقُرْآنِ: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، وَهِيَ كَرَّةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَيَكُونُ مُلْكُهُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَيَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه) فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعَةً وَارْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. (1)

از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) روایت است که فرمودند: وقتی تفسیر روزی که خدای متعال مقدار آن را در قرآن در آیه: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، ذکر کرده از آن حضرت پرسیدند، فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا است، که مدت سلطنت شان پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کنند.

ص: 222

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 294؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 368، ح 125؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 104، ذیل ح 130؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 487، ح 11074؛ مختصر البصائر، ص 167، ح 143.

کد آیه: 24/72 اسم آیه: ضعف کفار در رجعت

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفُ نَاصِرًا وَأَقْلُ عَدَدًا 24

(این کارشکنی کفار همچنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آن ها وعده داده شده ببینند، آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است!

علی بن ابراهیم: قوله تعالى: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»، قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليهما) فِي الرَّجْعَةِ، «فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفُ نَاصِرًا وَأَقْلُ عَدَدًا»، قَالَ: هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه) لِزُفَرٍ، وَ اللَّهُ! يَا ابْنَ صَهَّاءٍ! لَوْ لَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ «كِتَابُ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ» (1)، لَعَلِمْتَ أَيَّنَا أَضَعُفُ نَاصِرًا وَأَقْلُ عَدَدًا، قَالَ: فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ، قَالُوا: مَتَى يَكُونُ هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ: «قُلْ - يَا مُحَمَّدٌ - إِنَّ أَذْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا». (الحديث) (2)

جناب علی بن ابراهیم در باره این فرمایش خدای متعال: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»، می فرماید: مقصود، وعده دیدن حضرت قائم و امیرالمؤمنین (سلام الله عليهما) در رجعت است، آیه:

ص: 223

1- _ سورة انفال (8)، آیه 68.

2- _ الزام الناصب، ج 1، ص 97 و ج 2، ص 294؛ بحار الانوار، ج 53، ص 58، ح 41؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 513، ح 11149؛ تفسیر الصافی، ج 5، ص 238؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 391؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 13، ص 488؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 441، ح 47؛ مختصر البصائر، ص 161، ح 133.

«فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُ نَصِيرًا وَأَقَلَّ عَدَدًا»، (آنگاه دریابند که یاورِ چه کسی ضعیف تر و کدام یک شماره اش کمتر است) این سخن امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به عمر است که به او فرمودند: ای پسر صهاک! به خدا قسم! اگر پیمانم با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و عهدی که با خدا بسته ام نبود، می فهمیدی کدام یک از ما یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، علی بن ابراهیم می گوید: وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردم را از اخبار رجعت آگاه نمودند، گفتند: چه زمانی رجعت اتفاق می افتد؟ خدا فرمود: ای محمد! «قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا»، (بگو: نمی دانم آنچه را که وعده داده شده اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟)

کد آیه: 26/72 اسم آیه: اسرار رجعت

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا 26

عالم بر غیب تنها اوست و هیچ دانایی بر غیب او آگاه نیست.

في تفسير القمي، ... وَقَوْلُهُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»، «إِلَّا مَنْ أَرْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»، قَالَ: يُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْتَضِيهِ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ وَمَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ أَخْبَارِ الْقَائِمِ (سلام الله عليه) وَالرَّجْعَةِ وَالْقِيَامَةِ. (1)

جناب علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»، «إِلَّا مَنْ أَرْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»، (دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند)، (جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که برای او از پیش رو و از پشت سرش نگهبانانی بر خواهد گماشت) می فرماید: خدا به پیامبر برگزیده اش اخبار وقایع قبل از او را می رساند و اخبار وقایع پس از او که مربوط به حضرت قائم (سلام الله علیه) و رجعت و قیامت است را، خبر می دهد.

ص: 225

-
- 1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 294؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 262؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 58، ح 41؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 513، ح 11149؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 238؛ تفسير القمي، ج 2، ص 391؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 13، ص 493؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 445، ح 63.

کد آیه: 2 و 1/74 اسم آیه: قیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت

یا- ایَّهَا الْمُدَّثِّرُ 1 قُمْ فَأَنْذِرْ 2

ای جامه به خود پیچیده! (1) برخیز و انداز کن (و عالمیان را بیم ده) (2)

1- عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ»، «قُمْ فَأَنْذِرْ»، يَعْنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ قِيَامَهُ فِي الرَّجْعَةِ يُنْذِرُ فِيهَا. (الحديث) (1)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «یا ایَّهَا الْمُدَّثِّرُ»، «قُمْ فَأَنْذِرْ»، فرمودند: مقصود از «مدثر»، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و قیام و برخاستن ایشان در زمان رجعت است که در آن، مردم را انداز می دهند.

2- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله علیه)، أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله علیه)، كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُدَّثِّرَ هُوَ كَائِنٌ عِنْدَ الرَّجْعَةِ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَحْيَاةٌ قَبْلَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ مَوْتٌ؟ قَالَ لَهُ: عِنْدَ ذَلِكَ نَعَمْ، وَاللَّهِ! لَكُفْرَةٌ مِنَ الْكُفْرِ بَعْدَ الرَّجْعَةِ أَشَدُّ مِنْ كُفْرَاتٍ قَبْلَهَا. (2)

ص: 226

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 42، ح 10؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 522، ح 11184؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 453، ح 3؛ مختصر البصائر، ص 113، ح 88.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 285، ح 106؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 42، ح 11؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 522، ح 11185؛ مختصر البصائر، ص 114، ح 89.

حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) فرمودند: هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مسئله رجعت را برای مردم بیان کردند، فرمودند: آمدن «مدّثر» در رجعت حتمی است، مردی پرسید: ای امیرمؤمنان! آیا پیش از قیامت انسان زنده می شود، و دوباره می میرد؟ حضرت به او فرمودند: آری، به خدا قسم! یک لحظه کفر بعد از رجعت سخت تر از چند کفر قبل از رجعت است.

کد آیه: 36 و 35/74 اسم آیه: انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در رجعت

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ 35 نَذِيرًا لِلْبَشَرِ 36

همانا این یکی از بزرگترین آیات خداست (35) در آن پند و اندرز آدمیان است (36)

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ... وَ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ»، «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، يُعْنَى مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله و سلم) نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فِي الرَّجْعَةِ. (1)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر (سلام الله علیه) در تفسیر آیات سوره مدثر فرمودند: ... تا اینکه در باره این سخن خدای متعال: «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ»، «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، فرمودند: مقصود، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، که در رجعت به دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا، بر حذر می دارند.

ص: 228

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 42، ح 10؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 522، ح 1184؛ مختصر البصائر، ص 114، ح 88.

کد آیه: 18/78 اسم آیه: اولین رجعت کننده

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا 18

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج می آیید!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، سَدَّيْلَ عَنِ الرَّجْعَةِ أَ حَقٌّ هِيَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقِيلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ (سلام الله عليه)، يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ (سلام الله عليه)، قُلْتُ: وَمَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟ قَالَ: لَا، بَلْ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»، قَوْمًا بَعْدَ قَوْمٍ. (1)

از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) سؤال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمودند: آری، عرض شد: اول کسی که از قبر بیرون می آید، کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت امام حسین (سلام الله عليه) است، که پس از قیام حضرت قائم (سلام الله عليه) خارج می شود، گفته شد: مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند: نه، چنانکه خداوند می فرماید: دسته دسته بیایند، به ترتیب خواهند آمد، قومی پس از قوم دیگر.

ص: 229

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 294؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 367، ح 123؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 103، ح 130؛ مختصر البصائر، ص 165، ح 139؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص 286، ح 2.

کد آیه: 7 و 6/79 اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) پس از امام حسین (سلام الله علیه)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ 6 تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ 7

آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد (6) و به دنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر) رخ می دهد.

عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، قَالَ: «الرَّاحِفَةُ» الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا)، وَ «الرَّادِفَةُ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ هُوَ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (1). (2)

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، (روزی که لرزاننده بلرزانند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید)، فرمودند: مقصود از «راجه» حضرت حسین بن علی (سلام الله علیه) است، و «رادفه» امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می باشند، و نخستین کسی که در رجعت از قبر بیرون

ص: 230

1- _ سورة غافر (40)، آیه 51 و 52.

2- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 382، ح 150؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 106، ح 134؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 575، ح 11361؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 737؛ تفسير فرات الكوفي، ص 537، ح 689؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 115؛ مختصر البصائر، ص 492، ح 554.

می آید و خاک از سر و روی خود می تکاند، حضرت حسین بن علی (سلام الله علیهما) است، که با هفتاد و پنج هزار نفر برانگیخته می شوند، چنان که خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»، (ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آن ها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است).

ص: 231

کد آیه: 13 و 12/79 اسم آیه: بازگشت زیانبار

قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ 12 فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ 13

می گویند: اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار (12) ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است. (13)

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، فَجَرَى بَيْنَهُمَا حَدِيثٌ، فَقَالَ أَبِي لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): مَا تَقُولُ فِي الْكَرَّةِ؟ قَالَ: أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَذَلِكَ أَنَّ تَفْسِيرَهَا صَارَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ هَذَا الْحَرْفُ بِخَمْسَةِ وَعَشْرِينَ لَيْلَةً، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ»، إِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا وَلَمْ يَقْضُوا دُحُولَهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَبِي: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ»، «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، أَيَّ شَيْءٍ أَرَادَ بِهَِذَا؟ فَقَالَ: إِذَا انْتَقَمَ مِنْهُمْ وَمَاتَ الْأَبْدَانُ، بَقِيَتِ الْأَرْوَاحُ سَاهِرَةً لَا تَنَامُ وَلَا تَمُوتُ. (1)

از حسین بن راشد نقل است که گفت: برای من حدیث کرد محمد بن عبد الله بن حسین، و گفت: همراه پدرم، محضر حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) وارد شدیم، پس میان آن حضرت و پدرم سخنی گذشت، سپس پدرم به ایشان عرض کرد: شما در باره رجعت چه می فرمائید؟

ص: 232

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 295؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 279، ح 93؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 44، ح 17؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 576، ح 11364؛ مختصر البصائر، ص 118، ح 96.

حضرت فرمودند: در این باره، همان را می گویم که خداوند

فرموده است، و تفسیر این آیه، بیست و پنج شب قبل از رسیدن آن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده، همان که خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «تِلْكَ إِذْ أَكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ»، (در این صورت، این برگشتی زیان آور است) و این هنگامی است که مردم به دنیا برمی گردند و خونخواهی آن ها تمام می شود، پدرم به حضرت عرضه داشت: مقصود از اینکه خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ»، «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، «پس در حقیقت، آن بازگشت، بسته به یک فریاد است و بس، و به ناگاه آنان در زمینِ هموار خواهند بود) چیست؟ حضرت فرمودند: وقتی از ستمگران انتقام بگیرند، پس بدن های آنان بمیرد و ارواح آن ها بیدار بماند، ارواح آنان بیدار است، نه می خوابد و نه می میرد.

ص: 233

کد آیه: 22/80 اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در رجعت

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ 22

سپس هرگاه بخواهد او را زنده می کند.

عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (سلام الله عليه)، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ»، قَالَ: نَعَمْ، نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، «مَا أَكْفَرَهُ» يَعْنِي بِقَتْلِكُمْ إِيَّاهُ، ثُمَّ نَسَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه)، فَنَسَبَ خَلْقَهُ وَ مَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِهِ، فَقَالَ: «مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، يَقُولُ: مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ لِلْخَيْرِ، «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ»، يَعْنِي سَبِيلَ الْهُدَى، «ثُمَّ أَمَاتَهُ»، مَيِّتَةَ الْأَنْبِيَاءِ، «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ»، قُلْتُ: مَا قَوْلُهُ: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ»، قَالَ: يَمَكُثُ بَعْدَ قَتْلِهِ فِي الرَّجْعَةِ، فَيَقْضِي مَا أَمَرَهُ. (1)

از ابو سلمه نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر (سلام الله عليه) درباره این فرمایش خداوند (عز و جل): «قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» پرسیدم، حضرت فرمودند: بله، این آیه درباره امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) نازل شده، و مقصود از: «مَا أَكْفَرَهُ» یعنی قاتلان او با کشتن حضرتش چقدر کافر شدند، سپس خداوند نسب امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) و خلقت او و کرامت خدا در حق ایشان را ذکر نموده، پس می فرماید: «مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، یعنی

ص: 234

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 348، ح 86؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 174، ذیل ح 163 و ج 53، ص 99، ذیل ح 119؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 584، ح 11387؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص 740؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 406؛ مختصر البصائر، ص 163، ح 136.

اورا از طینت انبیاء آفرید و او را در راه خیر مقلّد فرمود، «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ» یعنی راه هدایت را برایش میسر ساخت و سپس او را به مرگ انبیاء میراند و سپس وقتی که بخواهد، او را برمی انگیزد، عرض کردم: در باره این سخن خدای متعال: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ»، (سپس چون بخواهد او را برانگیزد) چه می فرمایید؟

حضرت فرمودند: پس از کشته شدنش، در رجعت مدّتی می ماند و به آنچه مأمور شده حکم می کند.

ص: 235

کد آیه: 19/84 اسم آیه: سنت امتهای گذشته

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ 19

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید.

1_ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِثْلَ غَيْبَةِ يَطُولُ أَمَدُهَا، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) فِي غَيْبَاتِهِمْ، وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ، يَا سَدِيرُ! مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، أَيْ سُنَنًا عَلَى سُنَنِ كَانَتْ قَبْلَكُمْ. (1)

از حنان بن سدیر نقل است که پدرش گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) فرمودند: برای قائم ما (سلام الله عليه) غیبتی است که مدّت آن به طول می انجامد، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟ حضرت فرمودند: زیرا خداوند (عزّ و جلّ) اراده نموده که سنتّ های پیامبران (عليهم السلام) را در غیبت هایشان در او نیز جاری نماید، به ناچار، ای سدیر! لازم است به پایان رساند مدّت غیبت تمام پیامبران (عليهم السلام) را، چنان که خداوند (عزّ و جلّ) می فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، یعنی: محققاً جاری می کند سنتّ هایی را بر طبق

ص: 236

1- _ إثبات الهداة، ج 5، ص 103، ح 211؛ إلزام الناصب، ج 1، ص 99، ح 123؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 142، ح 2 و ج 52، ص 90، ح 3؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 619، ح 11499؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 539، ح 20؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 955؛ علل الشرائع، ج 1، ص 245، ح 7؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 480، ح 6.

2_ ... فَقَالَ الْمَأْمُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟ فَقَالَ الرَّضَا (سلام الله عليه): إِنَّهَا لِحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، وَنَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، حَذَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقَدَّةَ بِالْقَدَّةِ. (1)

مرحوم شیخ صدوق (قدس سرّه) در «عیون اخبار الرضا (سلام الله عليه)» حدیثی را از حسن بن جهم نقل نموده که در مجلسی که با حضور مأمون عباسی و فقهاء و متکلمین از فرق مختلف تشکیل شده بود، مأمون سؤالاتی را از آن حضرت پرسید، ... تا آن جا که مأمون پرسید: ای ابا الحسن! شما در باره رجعت چه می فرمایید؟ امام رضا (سلام الله عليه) فرمودند: آن، به جا و حق است، و در امت های پیشین هم بوده است، و قرآن کریم هم به آن ناطق است، و رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) هم فرموده اند: هر چه در امت های سابق اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد، بی کم و کاست و طابق النعل بالنعل و بدون تفاوت.

ص: 237

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 107 و ص 304؛ بحار الأنوار، ج 25، ص 135، ح 6 و ج 53، ص 59، ح 45؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار (سلام الله عليهم)، ج 4، ص 348؛ عيون أخبار الرضا (سلام الله عليه)، ج 2، ص 201، ح 1.

کد آیه: 8/86 اسم آیه: قدرت خدا در رجعت

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ۝۸

مسلماً او، می تواند انسان را بازگرداند!

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ»، قَالَ: كَمَا خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ يَقْدِرُ أَنْ يَرُدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى الْقِيَامَةِ. (1)

در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ»، (خدا به برگرداندنش توانا است)، می فرماید: چنانکه بشر را از نطفه آفرید، می تواند او را، هم در دنیا و هم در قیامت برگرداند.

توضیح: این آیه یکی از برهان های اثبات رجعت است، چون خداوندی که توانائی دارد همه آفریدگانش را در رستاخیز بزرگ، یعنی قیامت، برگرداند، این قدرت را دارد که برخی از آنان را در رستاخیز کوچک، یعنی «رجعت» زنده نماید، و به همین دنیا باز گرداند، پس کسی که منکر رجعت است، در واقع منکر قدرت خداوند است، و چون قدرت خدا، جزء ذات اوست، هر که آن را انکار کند، کافر است، پس منکر «رجعت» کافر است.

1- _ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 262، ح 60 و ص 348، ح 87؛ بحار الأنوار، ج 7، ص 47، ح 29؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 631، ح 11533؛ تفسير الصافي، ج 5، ص 314؛ تفسير القمي، ج 2، ص 415؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 228؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 552، ح 13.

فَمَهْلٍ

الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤُودًا 17

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»، قَالَ: مَا لَهُ قُوَّةٌ يَمْوِي بِهَا عَلَى خَالِقِهِ، وَلَا نَاصِرٌ مِنَ اللَّهِ يَنْصُرُهُ إِنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، قُلْتُ: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، قَالَ: كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَكَادُوا عَلِيًّا (سلام الله عليه) وَكَادُوا فَاطِمَةَ (سلام الله عليها)، فَقَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، «وَأَكِيدُ كَيْدًا»، «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ - يَا مُحَمَّدُ - أَمَهُلُهُمْ رُؤُودًا» (1)، لَوْفَتِ بَعَثَ الْقَائِمِ (سلام الله عليه)، فَيَنْتَقِمُ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيتِ مِنْ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَسَائِرِ النَّاسِ. (2)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در بارة این فرمایش خدای متعال: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»، فرمودند: (او نه نیرویی دارد و نه یاور) اگر کسی قصد سوئی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته باشد، در برابر خداوند هیچ قدرتی ندارد که با آن قدرتمند شود و یاور نیز از سوی خدا نخواهد داشت، راوی گوید: عرض کردم: مقصود از: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، (آنان نیرنگ می کنند نیرنگی) چیست؟

ص: 239

1- سورة طارق (86)، از آیه 10 تا 17.

2- بحار الانوار، ج 23، ص 368، ح 40 و ج 51، ص 49، ح 19 و ج 53، ص 58، ح 42 و ص 120، ح 154؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 632، ح 11534؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 416؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 230؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 553، ح 19.

حضرت فرمودند: با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیرنگ نمودند، پس خداوند فرمود: ای محمد! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، (آنان نیرنگ زدند، نیرنگی) «وَأَكِيدُ كَيْدًا»، (من نیز نیرنگ می زنم نیرنگی) «فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ - يَا مُحَمَّدُ - أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا»، (ای محمد! پس به کافرین مهلت بده)، یعنی به آن ها اندکی مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم (سلام الله علیه)، تا به خاطر من از ستمگران و طاغوت های قریش و بنی امیه و سایر مردم، انتقام بگیرد.

کد آیه: 14/91 اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا 14

ولی آن ها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و کشتند) از این رو پروردگارشان آن ها را به خاطر گناهان شان در هم کوید و با خاک یکسان و صاف کرد!

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ، «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»، قَالَ: لَا يَخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ. (1)

از فضل بن عباس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در درباره این سخن خدای متعال: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»، (پروردگارشان به سزای گناهان شان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار نمود)، فرمودند: این در رجعت است، و بعد که می فرماید: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»، (و از عاقبت آن بیم ندارد)، یعنی اگر مانند آن (در رجعت) تکرار شود، نمی ترسد.

ص: 241

1- _ إلزام الناصب، ج 1، ص 102 و ج 2، ص 296؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 299، ح 130؛ بحار الأنوار، ج 24، ص 73، ح 6 و ج 53، ص 120، ح 155؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 672، ح 11664؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 777.

اشاره

شماره: 79

کد آیه: 4/93 اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ 4

و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سلام الله عليه)، فِي قَوْلِهِ: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ»، قَالَ: يُعْنِي الْكَرَّةَ هِيَ الْآخِرَةُ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، قُلْتُ: قَوْلُهُ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»، قَالَ: يُعْطِيكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَرْضَىٰ. (1)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (سلام الله عليه) در باره آیه: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ»، فرمودند: یعنی ای پیامبر! رجعت برای تو از دنیا بهتر است، عرض کردم: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»، یعنی چه؟ فرمودند: خداوند به زودی بهشت را به تو می دهد، تا خشنود گردی.

ص: 242

1- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 59، ح 43؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 682، ح 11701؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 427؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 317؛ مختصر البصائر، ص 164، ح 137.

کد آیه: 4 و 3/102 اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت

كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 3 ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 4

چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست! (3) باز چنان نیست که شما می پندارید بزودی خواهید دانست! (4)

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَجِيحِ الْيَمَانِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ): قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، قَالَ: يَعْنِي مَرَّةً فِي الْكَرَّةِ وَ مَرَّةً أُخْرَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

از عبد الله بن نجیح یمانی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره این فرمایش خداوند (عز و جل): «كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، پرسیدم: حضرت فرمودند: یک مرتبه در رجعت است، و مرتبه دیگر در قیامت.

ص: 243

1- _ إلزام الناصب، ج 2، ص 296؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص 282، ح 99؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 120، ح 156؛ البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 745، ح 11864؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص 815؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 14، ص 418.

- 1_ قرآن کریم.
- 2_ مفاتیح الجنان.
- 3_ إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات / 5 جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / اعلمی / بیروت / سال چاپ: 1425 ق.
- 4_ الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) / 2 جلدی / طبرسی، احمد بن علی / محقق: خراسان، محمد باقر / نشر مرتضی / مشهد / 1403 ق.
- 5_ احقاق الحق و ازهاق الباطل / 23 جلدی / قاضی نور الله مرعشی / مكتبة آية الله المرعشي النجفي / قم / سال چاپ: 1409 ق.
- 6_ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد / 2 جلدی / مفید، محمد بن محمد / كنزة شیخ مفید / قم / 1413 ق.
- 7_ اعتقادات الإمامية (للمصدق) / 1 جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / كنزة شیخ مفید / قم / 1414 ق.
- 8_ إعلام الوری بأعلام الهدی / 2 جلدی / طبرسی، فضل بن حسن / مؤسسة آل البيت (سلام الله علیهم) / قم / 1417 ق.
- 9_ الإقبال بالأعمال الحسنة / 3 جلدی / ابن طاووس، علی بن موسی / محقق: قیومی اصفهانی، جواد / دفتر تبلیغات اسلامی / قم / 1376 ش.

- 10_ إلزام الناصب فى إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / 2 جلدی / یزدی حایری، علی / مؤسسة الأعلمی / بیروت / سال چاپ: 1422 ق.
- 11_ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة / 1 جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / نوید / تهران / سال چاپ: 1362 ش.
- 12_ بحار الأنوار / 110 جلدی / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی / إحياء التراث العربی / بیروت / سال چاپ: 1403 ق.
- 13_ البرهان فى تفسير القرآن / 5 جلدی / بحرانی، سید هاشم / بنیاد بعثت / تهران / سال چاپ: 1416 ق.
- 14_ تأویل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة / 1 جلدی / استرآبادی، علی / مؤسسة النشر الإسلامی / قم / سال چاپ: 1409 ق.
- 15_ تفسير شريف لاهيجی / 4 جلدی / شريف لاهيجی محمد بن علی / دفتر نشر داد / تهران / سال چاپ: 1373 ش.
- 16_ تفسير الصافي / 5 جلدی / فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی / مكتبة الصدر / تهران / سال چاپ: 1415 ق.
- 17_ تفسير العياشى / 2 جلدی / عياشى، محمد بن مسعود / المطبعة العلمية / تهران / سال چاپ: 1380 ق.
- 18_ تفسير فرات الكوفی / 1 جلدی / کوفی، فرات بن ابراهيم / مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامی / تهران / سال چاپ: 1410 ق.
- 19_ تفسير قمی / 2 جلدی / قمی علی بن ابراهيم / دار الكتاب / قم / سال چاپ: 1367 ش.
- 20_ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب / 14 جلدی / قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى / تهران / سال چاپ: 1368 ش.
- 21_ تفسير نور الثقلين / 5 جلدی / عروسی حویزی عبد علی بن جمعه / انتشارات اسماعیلیان / قم / سال چاپ: 1415 ق.

- 22_ تهذيب الأحكام/ 10 جلدی/ طوسی، محمد بن الحسن/ محقق: خراسان، حسن الموسوی/ دار الكتب الإسلامية/ تهران/ 1407 ق.
- 23_ حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد و آلہ الأطهار (سلام الله علیہم)/ 5 جلدی/ علامہ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان/ مؤسسة المعارف الإسلامية/ قم/ 1411 ق.
- 24_ الخرائج و الجرائح/ 3 جلدی/ قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله/ مؤسسہ امام مهدی (سلام الله علیه)/ قم/ سال چاپ: 1409 ق.
- 25_ الخصال/ 2 جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ جامعہ مدرسین/ قم/ سال چاپ: 1362 ش.
- 26_ دلائل الإمامة/ 1 جلدی/ طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم/ بعثت/ قم/ سال چاپ: 1413 ق.
- 27_ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین/ 2 جلدی/ فتال نیشابوری، محمد بن احمد/ انتشارات رضی/ قم/ 1375 ش.
- 28_ زاد المعاد- مفتاح الجنان/ 1 جلدی/ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی/ محقق: اعلمی، علاء الدین/ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات/ بیروت/ 1423 ق.
- 29_ سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على البحار الانوار/ 8 جلدی/ قمی، حاج شیخ عباس/ اسوه/ قم، 1414 ق.
- 30_ علل الشرائع/ 2 جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ کتاب فروشی داوری/ قم/ 1385 ش.
- 31_ عیون أخبار الرضا (سلام الله علیه)/ 2 جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ محقق: لاجوردی، مهدی/ نشر جهان/ تهران/ 1378 ق.
- 32_ الفصول المختارة/ 1 جلدی/ مفید، محمد بن محمد/ محقق: میر شریفی، علی/ کنگره شیخ مفید/ قم/ 1413 ق.
- 33_ الکافی/ 8 جلدی/ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق/ دار الكتب الإسلامية/ تهران/ سال چاپ: 1407 ق.

- 34_ کامل الزیارات/ 1 جلدی/ ابن قولویه، جعفر بن محمد/ دار المرتضویة/ نجف اشرف/ سال چاپ: 1356 ش.
- 35_ کتاب الغیبة (للطوسی)/ طوسی، محمد بن الحسن/ 1 جلدی/ محقق: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد/ دار المعارف الإسلامية/ قم/ 1411 ق.
- 36_ کشف الغمة فی معرفة الأئمة (سلام الله علیهم)/ 2 جلدی/ اربلی، علی بن عیسی/ بنی هاشمی/ تبریز/ سال چاپ: 1381 ق.
- 37_ کمال الدین و تمام النعمة/ 2 جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ محقق: غفاری، علی اکبر/ اسلامیة/ تهران/ 1395 ق.
- 38_ مجمع البیان فی تفسیر القرآن/ 10 جلدی/ طبرسی فضل بن حسن/ انتشارات ناصر خسرو/ تهران/ 1372 ش.
- 39_ مختصر البصائر/ 1 جلدی/ حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد/ مؤسسة النشر الإسلامی/ قم/ سال چاپ: 1421 ق.
- 40_ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (سلام الله علیهم)/ 26 جلدی/ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی/ دار الکتب الإسلامية/ تهران/ سال چاپ: 1404 ق.
- 41_ المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقية)/ 1 جلدی/ کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی/ دار الرضی (زاهدی)/ قم/ 1405 ق.
- 42_ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد/ 1 جلدی/ طوسی، محمد بن الحسن/ مؤسسة فقه الشيعة/ بیروت/ 1411 ق.
- 43_ معانی الأخبار/ 1 جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ محقق: غفاری، علی اکبر/ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم/ قم/ 1403 ق.
- 44_ مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر/ 1 جلدی/ جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز/ انتشارات طباطبائی/ قم.

45_ مناقب آل أبي طالب (سلام الله عليهم) (لابن شهر آشوب) / 4جلدی / ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی / نشر علامه / قم / 1379 ق.

46_ من لا يحضره الفقيه / 4جلدی / ابن بابويه، محمد بن علی / محقق: غفاری، علی اکبر / دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / 1413 ق.

47_ نواذر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین / 1جلدی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی / مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی / تهران / سال چاپ: 1371 ش.

48_ الوافی / 26جلدی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی / کتابخانه امام أمير المؤمنين علی (سلام الله علیه) / اصفهان / سال چاپ: 1406 ق.

49_ وسائل الشیعة / 30جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / مؤسسة آل البيت / قم / 1409 ق.

جدول فهرست سوره های قرآن کریم

عکس

□

ص: 251

1_ کلید واژه آیات مهدوی در قرآن کریم

شامل: 240 آیه درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در 493 صفحه وزیری، انتشارات عطر عترة، سال چاپ: 1393.

2_ کلید واژه آیات علوی در قرآن کریم

شامل: 440 آیه درباره حضرت علی (سلام الله علیه)، در 2 جلد وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1398.

3_ کلید واژه آیات فاطمی در قرآن کریم

شامل: 135 آیه درباره حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، در 404 صفحه وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1399.

4_ کلید واژه آیات حسینی در قرآن کریم

شامل: 210 آیه درباره حضرت امام حسین (سلام الله علیه)، در 622 صفحه وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1400.

5_ کلید واژه آیات برائت در قرآن کریم

شامل: 135 آیه درباره برائت، در 420 صفحه وزیری، انتشارات دارالعلوم، سال چاپ: 1402.

ص: 253

6_ چهل حدیث عید غدیر در کلام معصومین (سلام الله علیهم)

همراه با دویستی های غدیر، در 56 صفحه رقعی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1400.

7_ جلوه های مهدوی در آئینه فاطمی

شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، در 175 صفحه رقعی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1400.

8_ احتجاج به مَنْ کُنْتُ مولاه

در 128 صفحه رقعی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1401.

9_ چلیچراغ شعر مهدوی جلد 1

ویژه نیمه شعبان، در 216 صفحه رقعی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: 1401.

لطفاً جهت سفارش، با شماره 0910 967 1518 تماس حاصل فرمایید.

ص: 254

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

